

UNIVERSAL
LIBRARY

OU-232957

UNIVERSAL
LIBRARY

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من عباده

الذين آمنوا من عباده

بسم الله الرحمن الرحيم



مولف

مولوی حنی احمد صاحب برادری

در مطبع احمدی طبع گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

ارغنی گویان تجلی طلب بریز شوق صد جهان دل و جان و نهر ان روح و روان
 قربان و نثار بارگاه جلوه افروزی می نمایند که برق ادنی تجلی پاکش خرمش
 و خرد کلیم سوخته و پرتو جمالش در فانوس قطره آبی شمع آفتاب و خرواب
 عشاق مست اشتیاقش از مشاهده آفتاب تجلیاتش مشرق دولت بیدار
 و اوراق کتاب از فیض نام پاکش باب ساقی شربت دیدار هر اسم اعظمش
 کلید میخانه دیدار ساقی و هر نام مبارکش مفتاح گنجینه دولت باقی سجود فیض بود
 عالی جناب عظمتش بادشاهان بلند اقتدار و خواقین گردون و قار را مرجع خلق
 و عالم و قبله حاجات بنی آدم گردانیده و ناصیه ساری آستان جلالش سلطان
 عالی همت و خواجهن والا همت را بدولت بادشاهی و شوکت ظل الهی
 رسانیده پیمانی محمدیان بیدار بخت محمدی را که در آستان جلالش
 سیمای هم فی و محمدی هم بنی آتش الشجود و سلطان است و سعادت و سعادت و سعادت

بندگان خدا پرست بصدق حقیقت اشتاق و ما خلقت الخ و الا
 الا لیعبده و نه اگر مخیر و عوقیر طاعت و عبادت گدائی در محله کشت
 که بادشاه دو عالم نشد و در کوئی درویشی که گدشت که مرهم نیز زخم آید
 بنی آدم نشد خفته بختان را عبادتش بکلیه گنج دولت بیدار و خوابیده
 چشمان را عنایتش دلیل برزم سید ابرار نهال قامت عارفان بگل عبادتش
 رشک اشجار گلشن حسین عابدان از خاک سجده آسایش غیرت خورشید روشن
 دل خستگان عشقش کشته خنجر تسلیم و رضایش و سینه دلریشان محبتش هدف
 قضایش چشمه خورشید معرفتش در بیت الشرف دل طایقت منستان
 با موج انوار حقیقت در جوش و جاد و مهتاب عنایتش شب یک عالم
 بهتای حمت پرده پوش بدایتش دل مسلمانان سعادت کیش اغیذیل
 چراغ ایمان ساخته و عنایتش مشت گل ارباب ایمان عبلت اندیش را
 گل عرفان بدامن انداخته عرفان توحید پرستانش ذره بمقدار را با نوار حق پرستی
 آفتاب درخشان کرده و دایع عشقش خد فحاک سیه را بتایش فروز ک
 هستی رشک لعل بدخشان دل شفاف صاف مشربان صافی منشش
 آینه عروسان تجلیاتش و سینه بیکینه درویشان دلریش در بر معارفان
 شاهان فرخ جمال صفات ذاتش در یادلی کریمان غمی از سجده کرم لایزال
 دوست گهربار و الا همسان پاره از غم دریا با وجود دست بالایش
 همت در یادلان منبع بحر نوالش مطلع جو انمردان مطلع حسان
 لایزالش نهال جود در وجود سخا برستان نشاندۀ دوست و تخم کرم در میوه
 دل کریمان افشاندۀ او در عبادت او که کرم در میوه
 و در ایستگاه نهاده و از دست پادشاهان شریفان و امیران و پادشاهان

ت بر روی عایشه عالم کشاده گریان را الهام فرمود تا در دیارین
 بوده که استثنای بندگان چون بهشت سرسبز و سیراب فرمایند و دریا
 و لادن را القاموس و تاشنه لبان وادی ناکامی را تاز و شادان غایت
 سخا کلمان همایون منش را با وجود محضیت شعاری تاج دوستیش بر سر
 و جل پستان تنگدل و ابا همه همایون داری نخل امید بی بر اگر بادشاه
 سخت اعلیم است گدای در دولت دوست و اگر گدای حاجتمند
 معتکف باب رحمت او

نظم

اگر درویش منور وصالش	اگر شاه است مهربان الش
درآمد خود در آغوش گدایان	بشاهان داد وصل در بایان
اگر درویش غرق رحمت او	اگر شاه است محبت دولت او
بجکم ما خلقت البر و اللئیس	پرستارش بجان هر ضد و هرس
بپای کسر بجکم او شایان	همه از دره تا خورشید تابان
بر مردم دولت عرفان عطا کرد	با تخم طلعت تابان عطا کرد
بعاشق بخت خفته کرد بیدار	بخواه از در نموده عارض یار
بود روح القدس روح نالین	بذکر نام او بر سدره تن
نهر لادن چشمه خورشید در جوش	ز حسنش در دل عاشق و دلخواش
که شد از معنیش مانی و تصور	جهان بر آب صورت کرد تحیر
برای احسن ادا فسونگری نکرد	بصورت مشت خالی پلیدی کرد
بهشت از باغ فضلش خارجاری	فلک از قلزم معنیش عجاری
بیش از ملک شد چسبیده دوستی	ز جامه باده معنیش مستی

بود بهر سعادت رشته عظای رحمت ربّ جیل است ز فیض محبّودت در خروش است ز لطفت سنگ شد لعل خفا ز عکس دئی تو تیار بلب دل ارباب دل عای عبورت که بروی نعمت هر گونه چید بدرویشان فضلت بادشاهی بار باب گنّه آمرز گاری بشکرت اهل عصیان در نزد کسی را نقد امن حجت اله چرا خوانم نه پیش از مناجات خداوند اولی عطایم ساز که در وی تو بجایی و چشمی عنایت کن که بران انوار تجلیات خویش شکست گردانی ولی که انتم ساز که با حق ز باضت نفس اماره را در فرمان بردار نماید و به بهر نگاهی از زانی دارد که در تجلیات پاکت بر روی دل بکشد توفیقی رفیع فرما که دامن از تعلقات آب و گل بر چشم قلب مصفی و نفس منزلی که انتم گردان که تماشاخانهی جمال غیب و جلوه حسن بے عیب بی پروا چشمی که از گنّه محو عیب ساز و در روز خمیند از بادشاه دستم گیر که از پادشاه ام و عدم پذیر که گنّه کارم چشم براسه بفت کشان اهل بی من بنده ام	بشیر در آتش عشقش رشته که میان را چو کفت خان خلیل است اگر ابر بهاری گرم جوش است ز عکست ذره شد مهر خشا ز تورنگین و دلکش عارض گل رخ خوبان تجلی گاه نور است زین خوانیست از فضلش شید ایشان از دورت عالم ناهمی است اگر اهل عرفان یار عاری بیاد است اهل عرفان که بچونند کسی را تحزن نوا خوانده است نگاه ولی دارم سر ایام حجابات خداوند اولی عطایم ساز که در وی تو بجایی و چشمی عنایت کن که بران انوار تجلیات خویش شکست گردانی ولی که انتم ساز که با حق ز باضت نفس اماره را در فرمان بردار نماید و به بهر نگاهی از زانی دارد که در تجلیات پاکت بر روی دل بکشد توفیقی رفیع فرما که دامن از تعلقات آب و گل بر چشم قلب مصفی و نفس منزلی که انتم گردان که تماشاخانهی جمال غیب و جلوه حسن بے عیب بی پروا چشمی که از گنّه محو عیب ساز و در روز خمیند از بادشاه دستم گیر که از پادشاه ام و عدم پذیر که گنّه کارم چشم براسه بفت کشان اهل بی من بنده ام
--	---

جگر خسته و دل شکسته که مرهم لطفت در کار است
 و مویای فضلت را امیدوار جسته و رت این تمکینش
 جهان را پناه می بندیت و غیبه آستان این مایوس عالم را
 امید گاهی نه اگر معصیت کرده ام محض بامید
 عفو کاری تو و اگر عمر بگناه بسر آورده فقط بچشم آمرزگاری تو
 اگر گیری غضبی نیست که بنده ام و اگر عذرم ببذیری
 عجبی نیست که شرمند ام هر چند عصیانم از حد گذشته و
 معصیت من بسیار گشته لیکن پیش دریای فضلت
 نمی بیش نیست و بجز نوشا نوش نوش اندیشه پیش نه
 اگر در آسم بیوزی بسیارم که بجهین بند او ارم و اگر
 به بخشی خوش بیدان جهان به تازم که امید دارم

مناجات

خد او ندا در آور سینه ریش تجلی زار کن یارب دل من سبحان چنانم سر بلند ی بلا بر من شود نازل که جودت مرا در وادی خود سازد فارس بهمن طاعت خویشم بهما کن گناه من که بر سر بار گشته مرا از دام نفس و دل رها کن	دل مرا عرش کن از خلج خویش گلستان کن همه مشت گل من که باشد صد جهان فیروز بندی نه بردارم سر خود از سجودت دل من از پارسای از پارس گفت خاتم ز عرفان کیمیا کن از حد عقل و دانش فر گشته نه معرفت دل عطا کن
---	---

چو بر دانه را سر برین هر اسم که آمرزش بعضی نوشت است بنام اینک نام تو غفور است که غفارت دل من بخش کرد است مطمئن چون ل غارف کف خاک	بدوزخ گرفتاری در باسم اگر فضلی کنی عزم بهشت است بدوزخ گرفتار دن ضرورت است ز عصبیان و ز مشبهان خوش کرد است علی را کن برای احمد پاک
---	--

خداوند انواب و بادشاه مار که آقای ما و قدر و قیمت افزای
ماست صحت جسم و شهرت اسم در دنیا و آخرت کرامت ساز
و خلعت بادشاهی دارنش چنان قامت عروس ملکوت
در برن و سودائی خویشش در سر در بیداری از بدست
آوردی دلپای اهل ایمان حج اکبرش روزی کن و در خواب
از حصول سعادت دیدار رسول مقبول صلی الله علیه و آله و سلم
آقبالش سراپا فتح و فیروزی خطای که از دستش رفت
سعات کن و گلزار نیت و طینتش از خار حسن نابایسته
صاف آینه سینه بیکینه اش بجاک خاکساری جلای دافز
ارزانی نسر با چند آنکه پری طلعت ان تجلیات تو در ان
پر تو جمال اندازند و در گنجینه دلش گنج باد آور عشق و آه
در محبت خویش امانت بدار که تا معشوقان انوار حقیقت
در عالم مجازش تجلی سازند و وجودش را بر پنج نشین
چار بالش بادشاهی کن و دلش را در استغراق معرفت
ذات صفت عارف الهی نام حاتم در عهد وجود
سراپا وجودش طی سازد و اسب معدلت نوشیروانی

در زمان حال اقتدرانش بی جام صنیر شیرش را بشیر اب
 طهورائی و در دوس عرفان مال مال ساز و نقش انار را به لشکر
 زهد و آتش پامال هر چه خواهد عطایش کن و هر چه طلبد
 کشف عطایش همیش ده که چون بیا برسم سایه نین
 و سعادت اندازد و آهین بخت سختم را به نظر کیمیا اثر
 خویش پیارس آشنا سازد و از کمال اگر امیت محرم
 دلم در دست زر باز خویش بستاند و فرقم از خاک
 بر گرفته بر فرق فرق دان برساند به نهجیکه او مرا خوشنود
 کند تو نیز او را خوشنود ساز چنانکه مرا بعزت و ابرو
 سوافتی مرتبه من بوطنم رساند تو نیز او را بمقدار محبت او
 بوطنش باز رسان و بملکشش آبا گردان آسین
 یارب العالمین الهی ما حاجتم با طاعت مقرون و
 بحرمت البنی و اله الامجاد
 الهی آنکه کارم را تعین است
 دلم را آنکه گرد از فیض خوشنود
 بهمت آنکه رشک خسران است
 بیغور از جمال عز و دل او
 بصورت ساز فخر خسروانش
 بیز منش بادشاه بر سعادت
 براهت باد هر کارش که باشد
 بدل چون عافش شوق الهی

بن محمد و دم آقای حمیل است
 محمد با علینحان قلندر محمد
 رئیس خلق و نوا حیان است
 تجلی خیز کن آب گل او
 بسیرت اسباب زناش
 بخلوت بن ملک کریم عباد
 برایت باد بر بارش که باشد
 بیز با دشمن قبا بی باد و شاعر

پارس در خدمت گذاری کون و مکان ذرات را در دیوار
 آفتاب خورش بر خاسته اند و شمشین قاب تو میز و ادنی را
 بر صغ کاری جواهرات دلی فتدلی محض برای ذات اکس
 آراسته از زلف و رویش شام و سحر عالم ایجاد فرموده اند
 و حسن و خلقش بهار را عطر و پیرین سون حسن کل بمقتضای هوا
 الورد الا سحر من عرقی در چین بهار نشو و نما یافته اوست بدل
 بلبل و سینه گل بدشد عشق سگافته او خورش ایند تجلیات برد
 و ذالتش بر سر عالم همه تن رحمت و کرم ربانی دلیش در خواب
 بیدار بختی دلریشان است و نظاره اش در عالم رویا بادشاهی
 در و لیشان اگر نگین کاری جلوه رحمت فرماید لبان مهر و خندان
 اوبار را بر روز اقبال مبدل نماید سنتش فرض بیدار بختان و دست
 و محبتش زندگانی عاشقان رفته از خویش ذکرش نشان عارف باشد
 است و فکرش روان رهروان فنا فی الله ذاتش معدن صفات حق
 است و وجودش دلیل ذات مطلق کظم

محمد رحمت للعالمین است	محمد دولت دنیا و دین است
محمد انتخاب سر دو عالم	محمد آفتاب سر دو عالم
محمد خاص منظور الهی	محمد لمعه نور الهی
محمد جوهر شمس قدرت	محمد گوهر دریای محبت
و رودش مقطع ارشاد و روان	وجودش مطلع ایجاد دوران
لبس افشاکن میر نهانی	خورش سرمایه دار این ترانی

رخش را بیکه حسن بیکه آفت
نه تنها کعبه ارباب است
خدایش از دو عالم برتر
جانش داد از انسان از پیر
بروش نوریزان این نقاب است
زخمش نرم ماتم نرم عید است
بگویش فرخ زده رشاکم خورشید
مسجدا رازل یوسید جاش
کلیم آن کرد سچ و نشت پایش
اگر یعقوب میدیدی عذارش
جید عارفان باردی مهرش
بها از خوش بین بیکرانش
رتق عین کرم ذات کریش
و جودش در جهان فضل الهی
زمن بادا برو هر لحظه هر دم

نظرگاه خداوند جهان است
که دانش قبله حاجات خلق است
بناش مصطفای انبیین
که فرودش حبیب است خویش
بم یی پرن فیض آفتاب است
زین از جلوه اش عرش مجید است
گدایش غیت فغفور جمید
که جان داد برون نطق پاکش
ید بعینا شده درت عصایش
نمودی یوسف و خود را تارش
شفیع غاصیان بالطف و کثر
بلاگردان کنجشاک کاشش
بود فضلش از خلق عظیمش
پیشش کفش آفتابش
نهر از انبار صلی اندر سلم

و منقبت و مدحت آل و اصحابش که از خدا امکان شمریت
بیرون و از وصله انسانیت افزون است ضمیمه نسبت
اکرم و طومار کعبه محمدت نبی عالمه التوحید و التسلیم گردانید و سخن
آل نبوی عرش اعظم برانید می آید نهی اصحاب رسول انقیاد
که اجسم آسمان هدایت اند و جوی آل پاکش که سفینه دریای
غنایت از خود هدایت شان از راه ظلمات کف و حملات

مع بر چشمه حیوان هدایت و اهتدای رسیده اند و چون به
 کاران عالم وسیله کار این وادی علم آیین و حشر تودیه
 هم آفرینش حق برایی و مداوم کشیده نور هدایت شان
 ملک به اشیر سحر قاف تا قاف انتشار یافته و بسا اهل رسا
 ان از باو شرطه را د عالمی در کعبه مقصود شتافه جهانی
 فضیل و جلالت آنان بر جاده نبوت و طریقت مستقیم و حقیقی
 محبت و الفت ایشان بمنون عنایات خداوند اکرم اعظم
 که تا بنده را نوار یقین اند
 همه منطووع منطووع ایشان
 شده هر وادی اسلام شن
 ز اصحابش بل از بن جمشید
 هم آتش عیلا اصحاب رفیقش
 ز را خدوان حق بذات ایشان
 او با یقین در این فتح قلعه اقبال و نسو دزی بر کشور جا
 و جلال جمیعت مدح و ثنائی آن بادشاه ملک نوازی سلطان انبیا
 القابی فارس مضار شوکت و جباه متکی و ساد و دولت خواه
 روح قالب بادشاهی جان تن جهان بنای علی علیه انوار
 عنایات سرمدی جل جلاله المنظم شیشه عطر احلاق محمدی
 علی اسد علیه آله و سلم علم فراز علم و عمل و فخر طراز جلال و دل
 فصیح البحرین شریعت و طریقت و اقیانوس امیر محساز
 و حقیقت خورشید بیت الشرف و نوازی و جهان افروزی

جمشید ریت السلطنت عالم طسرازی و دشمن سوزی ابریا
بارنیز دگر مبحر موج جو د اتم والی ملک سلطنت ولی
ولایت علم و معرفت مربع نشین چار باش دولت زند
اسرار و دست و کثرت قائل انوار فیض الرحمن الشیطان الرحیم
عارف و امض شیم الشکر الرحمن الرحیم مستغرق در بای انوار
رب العالمین صاحب الرحمن الرحیم مالک یوم الدین معصم
بجمل البتین ایاک نعبد و ایاک نستعین و محکم گیرنده راه اهد
الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المخطوب علیهم
والافعالین یکتای قلم علم توحید فرد جهان نقشه بدینا صواب
عالمان دین ارفع ریایات شرع ستین انتخاب سلاطین عالی هم
افتخار خوانین فرسخ شیم علم علم و عمل بر دوش منعم صفا کیش
خدا کوش دل بدست او و مومنان اندو گین داخل حلال عز
رب العالمین در فیاض سایه فیاض علی الاطلاق و در سخاوت
حبیب رزاق بالعشی والاشراق فرازنده سرای پابندگان
ماز و نیاز نوازنده ارباب حقیقت و مجاز و سنگر عالمان حکیم
و تفسیر نیت و پناه فقیهان روشن ضمیر فلک شکر ملک
اقامت فرشته پیکر ولی کر است قره العین دولت امیر
نور نامیده شوکت وزیریه مقبول بارگاه بی ریو و رنگ منظور
چشم رسول عرش آهنگ جناب معلى القاب نواب
محمد علی خان صاحب بهادر صولت جنگ
ابن نواب غفران ناب وزیر الدوله امیر الملک نواب

محمد وزیر خالص صاحب بهادر نصرت خجده ۱۰ اس نواب
سفیدت نایب امیر الدوله نواب محمد امیه خان صاحب
بهادر شمشیر جنگ دالی محمد آباد عرف تونک اوام الله
بخوم اقباله و نواله طالعاً و لازال شمس اعماله و نور افکاره ساله
ساطعاً که نواب گردون اختتام است و سلیمان شکر اسلام
خواص را حسن خداداد نور عبادتش چراغ در خلوت افروخته
و عوام را برق حسن و سعادتش خنومن او بار در نخست سوخته
و دیدار خنسا و فرخش که بالمعات انوار عبادت در خندان است
بجنت سیاه را نعل سما گردانید پز تو بلندش که مهر اوج احسان
و سعادت است ذوق پست اختر از ثری به ثریا برسانید
قدر دافیش خاص ارباب علم با صدای عام دانه و مهر با شیر
عام طایفه انام را و در انعام خاص گشتان شام غریبان را از
جلو آفتاب چهره نور انیش صبح وطن در کنار و طوفان
زدگان آنو و تمار ابناء خدای خداداد انیش کشتی مدایر کنار
از دستش زرباری چون از ابر بهار باران به درج است
و در وجود با جودش جو اعمز دی و سخاوت جو هر سربند شیخ
ادای سنت نبوی فرضش گردید و بتقدیر شریط شرع مجوی
صلی الله تعالی علیه و آله و سلم پیشه اولیای علم ارام و زربان نظر
زهی نواب عالی بارگاه هی در انعام سخاوت بادشاهی
وجودش حافی علم و شریعت دلش در یابی تواج طریقت
بملک سباه شاه فرسهند است ز علم او را علم بر دشمنان است

بزرگترش و کای دین فراهم
کتاب تصنیف با هم مینمایند
بذکر احمدی شد کار جز مش
دوی از کار دیشی نیست فرصت
بهر دم مشغول و کاجتوب است
آگهی تفسیر قرآن که حدیث است
بذکر ایل صلی الله و سلم
دل او قلزم زخارا احسان
اجیری دیندیری بی نظیری
بطفش لطف دارو زندگانی
بفهمش زهرایام نشاط است
اکبر بار دسحاب نوباری است
محکومت غروشان بادشاهی
خدو یاخته انواب خوشخو
کریم در گوهرش سیم قدیم است
کریم از جلی در وجودش
امیر بخش ریس قدر دان است
چو ادکس فلش شاه شهبان است
سیانین بدانش توان است
کریم آسای محبت است خوشتر
خدا با نوح و نوح دولت او

شستند از بی لقیف با هم
بفرود سی ره غم مینمایند
همانا بزم عرفان است برش
یک کتاب با من افاس است محبت
آگهی بر لب حقش گاهی رسول است
از بزمش دور تر دین حدیث است
اطاعت رخصتش گشته مسلم
کفش از جوش محبت ابریشیان
زیا افتادگان را دستگیری
شود پیر کهن در نوجوانی
نور دیده بساط انبساط است
در جوشد محیط آهتر بار است
مجدوت بند خاص الهی
خدا دان و خدا گوی خدا جو
کریم ابن کریم ابن کریم است
همانا جوهر ذاتی است جوهر
شیر یایان انواب جهان است
فلک پای او بود عجب نیست
که نام او محمد با علی است
لقب خان بهادر آب گوهر
ز گردون بگذراند شوکت او

چو مخنون باد دل مست فزونش
قدش سدر گلستان شریعت
خروشان در لعل طریقت
وجودش مبتدا حاجت دای
بگوید بامن خسته هم از جود
که ای خسته دل خاطر شکسته
دعاگوی منی باین طالت
نشینده تو در ظل همائی
ترا چون لطیف تر مایه است این
چسبیده باشد نه تلخت زندگانی
همیندم بگونه می کنی زیست
پیش من چنین سخن و حکمت چیست
نه چندان مشکلی داری ندون تر
همیندم میکنم شادان دل تو
بگسب این باده دین خلعت ز
بهمچنان چو شمع آئین باش
بر و با ذات اخوی باش محبوب
چو صبح صدق افروزه مشایخ
الهی حمله از من این دعا را
و غیاثی در این نعت و مدح
بر می گشته بر آشوب افکار و شایخهای قلوب اندیشه کار سیر

چو لعلی در سبک روی و روش
دلش سرگرم فرمان رعیت
شود و در تجارزش بر حقیقت
نی مخلوق در شکل کشتائی
بخلق احمد اقای مسعود
بصوای غم و کلفت نشسته
شاگوی منی و این و بالنت
قدام چیست این رنج گدائی
ایرا بخت بسیار است این
که در بحری و در نیا نشانی
که روزی از می این روز است
مردم خند بگی این نامت چیست
که بگذارم حلتش وقت دیگر
کنم آسان برودی مشکل تو
چو نه اندر تو خور شود منور
بهاران خندان بهر چون بهار
بهم که در بحرین صیف بهر
گلش خورشید طالع با تو خوش
بهابت کن محمد مصطفی را
که جمال نشان و افاضه افروز
بر می گشته بر آشوب افکار و شایخهای قلوب اندیشه کار سیر

و تحریک زبان در تبسم رسید و شمعهای یگین و در نیم دل نشین
که غنای لب دل در عین مستی هستی سوز بر شاخ و سدت کشید
نثار بارگاه بهار پناه بادشاهی است که بود با بودش گل فرق
خورشید فلک گردید و آدم بخشد فرزند و دولت نور پیش
مسجد ملک جانش را بدولت حب الهی حسن یوسفی قطره
چانه نخلدان گردید و پیش جلوه رخسار تابانش هر خورشید رخ
میرنوبت چون انجم حضور نیر اعظم چراغ حری و زریه انال
قاشش برنگ الف از آب حیات است و سینه و گل و خوش
در شمع افتاد و لب بدین آتش شسته گفت پایش ابله و بیضه
کیم حاصل و ذلتش با معبود مطلق چون اندیشه و خلوت
لی مع الله و اصل ذوق خاکش بمرنگ مهر و خشان سنگریزه
درش بمرنگ لعل بخشان سگ کویچه اش را در وید اولی
الالباب که مجازین صحرائی مدینه اند حسن لبلی آشکار است و مور
کوبش را در شیم اولی الالباب که سر بر سر است نه بنوی سود اند
شان سلیمانی پدیدار کاشش را در قارون پدیدار از بکاشش
اعجاز عیسوی هویدا عرش با آن سر نبدی فرش پادشاهی
گردیده و وجودش بمصدوق ما ز داغ البصر و ماطنی بمرنگ
فطره در دریا محوی ذات مطانی و زریه ز داغ دیوارش
همه را سعادت نمایان بر جبهیل خیرات بخشید و عصفور
سقفش در همایون و بی سعادت مستی شیوه عیش و
گزید خاک پایش را اکسیر در خاک ری و خذل است

و وزیرالدوله وزیرالملک وزیرمحمد خان
صاحب بھادر نصرت جنگ انار الله برمانه و مدح
جناب نواب مغفرت تائب امیرالدوله
امیرالملک محمد امیرخان صاحب بھادر
شیرجنگ طاب الله نراه و جبل الجنته مشواہ
دل نخواهد داد ب رخصت ننیدہ کہ چون نام حضرت اعلی
اعنی والد بزرگوار آقای نامدار بر زبان رفت برروح پُر
فوح آن مغفرت پناہ رضوان دستگاہ گہامی شاہوار طلب
مغفرت و رحمت غفار یغثانم و زباز آباد صاحب شیر بن کا شیر
رطب اللسان نگر دامن سبحان الله زہی نواب دریادل جدا
امیر عادل کہ دست جودش ابر دریا بار را از بسیاری باران
کم و کفرت ریزش دینار و درم ترمیاخت و آفتاب انصاف
کشت سر سبز عدالت نوشید وانی در خشکی شرم و شیر مرغی
انفال می انداخت علمش علم عل بر عالم بالا میرساند و خلش
در وقت غضب آب دریای رحمت بر آتش می افشانید
فسر یاد رس ستم کشان مستغنیث عالم عامل تفسیر و حدیث کا
دقائق شروع و اصول واقف حقائق منقول و معقول اعلم
العلماء اکمل الکلاء امیر الامراء اعظم الوطاء نواب گردون
جناب وزیرالدوله امیرالملک محمد وزیرخان
بھادر نصرت جنگ انار الله برمانه رئیس اعظم

و از این دارالاسلام که میرا تعظیم و جود با وجودش
 را از روز ازل تا ابد بپشت الشرف کرامت و کرم و کمالش
 بلکه شرف با انوار فیض آثار عدالتش رشک بشان بدم بپسند
 امیری بقیة ضای الفخر خیری داد و نقیری نموداد و در عشق
 محمدی صلی الله علیه و سلم رسم و رادها خانه می نهاده
 صورتش بجزارش ملاح انوار آفتاب معنی حقیقت بود و نیت
 و از مشارق شویس تجلیات طریقت از پیرو می
 گشت رحمة للعالمین حاجت روائی جانهای عالم پیش مقدم
 بود و از سلسله صدیقیه نقشبندی الواح قلوب بنی آدم
 بنوشش مقامه شش سلم هرگاه نیت تحریمه در طاعت
 می بست در گنجینه حفوری را دست بسته گشاده می کرد
 دولت سجاده نشینی لی مع الله و قته بی دغدغه و نیک
 می آورد هنوز آواز آواز جود و طاعتش درین گنجینه
 بچشم می است و شیره حماه و جلالتش در اکناف عالم و
 اصناف اهرم رسیده سحائی گشتگان گروهش گردون
 رون کارش بود و هر بقیه انبیه سنت نبوی صلی الله
 علیه و آله و سلم انخارش از چهار نظام شریعت طریقت
 ملکش بازنس و خاشاک شد که بدعت متنا و رفته
 و از نام فیض مشائخ انفا سس کریمش پنجمای طوب
 حسن بن خندان و شگفته اگر اجهان از خد شکاری بقیه
 بقدر رسید که از ان لذت عتاب می چشمید و با

آن پنج پسر نج می دادند در استغای جسم بر سر و امارت
میکنادند و اسید واری از درشش محمد دوم زرقی و دولنگاری
از غلبه فلک رتبه شش خسته خاطر و منعم نشیری نو و الله
مرقده در شد و لده پدر معلایش جو اند و عالم برگزیده نوم
بنی آدم بزرگستان شجاعت و دلیری ضمیمه ششیر بر دی
و ششیرهای اوج سعادت ملک فلک عبادت مرم نیز
چار بالش دولت و کامکاری و ساده پیرای مملکت
سردار و سرداری فارسی معمار تهور و جهانگیری شسوار
میدان جهانستانی و دلپذیری امیرالدوله امیرالملک
جناب نواب محمد امیرخان بهادر ششیر جنگ
فردوس مکان جنت ایوان که در حشش در خلد برین
باد و تبرش روضه از ریاض طلیعین بیخ برانی از اهل
ششیرک بوش و فرنگ برده و عمر و سن فتح و طغراب
جو اندری تمام در عقد خویش کشیده و ملک دیال زابر
سبیل بهیش و قیغه اقتدار خویش آورده شنیدیم
که کی سران کردش که بالفرد رویه مراد به که ضرورت شد
در پیش دارم که از ان جان و دل ریش پس پنج رویه
دادش و گفت و نشین است که در قسمت قریب است
گفت مرا چگونه بفین آید و دولم برین جهان الفتفا
نمایند و تا بعد تر عه انگشدن معلوم شد که
در قسمت همان بود و شش که عطا فرمودش

که از کتب و تالیفات و کتب و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 دادش و بر رسم دل و رسم جان افزا نهادش از
 اینجا است که گفته اند السخی صیب الله و لو کان فاسقا معصرا
 یا کریمان کار بادشوار نیست
 نظم

چو مهر درخشان بر و شندی
 نقش ز رخشان لب که هر چه بود
 عشق بی از همه اهنه
 دلش در طریقت پر از در بود
 ولی از ریاست نه کارش
 که خلقش تن روح پنداشتی
 و دید خود طوف پست المحرم
 یل شیر دل منعم از جنبه
 بدولت و وزیر ملک امیر
 بدریای سنت همه تن غرق
 چو گوهر بد ریاد جوهر تیغ
 ز خلق محمد معطر و مشش
 که از آسان نفرت جنگشت
 جهان را راحت کشیدی ز ریج
 که حور دل فردزا اندر جهان
 که به شمس را گرد و انلیل بود

خدایو خدا دست بود آن و
 خداوند ملک زر و گنج بود
 بجان کاشع دین بنی
 بشرع رسول خدا مسرد بود
 ملک یاست همایون شهری
 چنان رسم جود و کرم داشتی
 جهان سوی آن آستان کرم
 بن زورمند و بقامت بلند
 بهمت بشوکت شهری بر سیر
 وزیر محمد محمد طریف
 لقب خانی شش از این سید
 دل از نور طاعت چو جام مشر
 ز غم و شمتان را بجان تنگ داشت
 شنیدم که میداد زر گنج گنج
 بر خسار او نور طاعت چنان
 بر ویش چنان ریش فری نمود

لشنان و جبهت برخت فلک
قبای شهری بر سر دلق داشت
بختی و خور و وقت بی گفتگو
چو در طاعت از غیر برداشته
بمسجد شدی با خشوع و نیاز
احیری فقیری تهجد گذار
خوش بود در بزم با عیش و ناز
بسر بردان شده چنان زندگی
بر زانت خان نگر سبته
کسی را چو دیدی بجز رسپهر
بمحتاج و مسکین چو بار زده میخ
عرامش شدی حیرت خوابگاه
لبس شهری مرد درویش بود
بزد و بجماعت بل بر شیر گیر
همایون امیری و فرخ شهری
ببهرت بصورت شده دلکشی
بر و باد رمت زحق جاودان
بر و نور باران طبع و طبع
چند او که بود دست کفر و سنان
بجز دغا و فرخ دشمن فلک را
امیر خود در محسد امیر

ببهرت بصورت چو زرخ ملک
اول جهان بخت روی در خلق
گواهم برین پاس انظار او
ملک با بخت در انداخته
اداساختی بچگانه نواز
باشراق و هم چاشت سر گرم کار
دلش داشت چون شمع سوزد گداز
که در و لیس در لیس در بندگی
شب بجز درویش بگریستی
شدی آب شیرین بگلشن خور
تتازی ز رو سیم را پدید
نمیداد تا داد و نسیب خواه
تنش تند و تود و دشمن بشن
بزد و بطاعت چو کامل فقیر
بعلم و عمل مرد کار آس
بگردارد بیک فرشته و شی
بماناد بسند نشین جهان
تنش در جهان روح و در حق
کز شی ز خا ایش نوک سخنان
امیر جهان دولت و ملک را
که نهان جهان بود و آفاق فکر

ببهرت بصورت
چو زرخ ملک

سوار چنانکیر شمشیر جنگ	مویذ کرد و درون غیر و زه رنگ
که شد ریخته رنگ شایان شمع خون	چنان شمع را زده بکار و درون
که بر چرخ عیسی بخاند ازین	چنان کرده زنده بشمشیر دین
مگر رسته رستم زنگال او	نبوده در آن عهد اقبال او

مقطع بند

چو غور شیر را تو سن اسما	برانش سمنری چو شیر زبان
اگر کوه بودی چو که ریختی	بهر سو که چون صحرای سینه
بطاعت چو درویش نینا بود	بتیغ و سپهر و پیکار بود
و عایشه و پیش خدا سحاب	دشمن بجز نواج و دشمن سحاب
چو خور کرده کتول برنج آمد	بزور و شجاعت بغیر جسد
بادج سعادت همایون های	بوج سخا و جوشش نمای
اگر ارا تو انگر نو و سال	شدی یار درویش شور و حال
کشیده عود و سس فلز را ببر	باقبال در جنگ شد بهره در
همه ملک و دولت بر رسم جبر	گرفته بنبر و شمشیر تیر
چنین ابلق شوخ لیل و نهار	بزریر عنائش اطاعت کردار
ز حق بارش رحمت و فضل باد	بجاک چنین نیل بران داد
بفضل خدا هست آقای من	از ایشان کنون سخا این سخن
بدریادی قلزم پیکران	بدست گدایم ابر گوهر نشان
از دست برگردون نیاز فقیر	ز چو دشمن برش است نیاز فقیر
ببب مرز و افند تن کو سار	چو تیغش ز غلار ابر و شاد

بخلق در مدت بچود و کرم
 بنور عبادت خوش آفتاب
 بران ام و اب آفرین صدرا
 چو اواز سعادت فرود حسیح
 در اقلیم دولت شهر ز نشان
 بفرخ نژادان مبارک خلف
 سزدرگر شود روح روشن بد
 خدا یار او ش برار از کرم
 وجودش بسند و جشد کن
 خدیو خدا و شاد باش
 جهان را برین نگین آورده
 نیاید غمی بر دولت از جهان
 بختی که مملکت بد امان است
 و عالمیکه داری به پیش خدا
 چنان کن بمن بخشش جاترا
 روم شاد و خندان بسوی وطن
 شوم تر زبان چه شوم پر نعم شوم
 وطن فتنه رفته ز دلهای غبار
 زمین جانفشان بسی تمام
 بدل گوش کن ناله های فقیر
 جهان صبرم آید بدرد المیم

ندیده کسی اینچنین ذی حشم
 بفر سعادت هایون کتاب
 که ماند از نشان چنین یادگار
 شود در جهان روح نشان بی نام
 بعلم و ادب داخل عارفان
 هایون چو غر شید است انبیا
 شود قبرشان رشک گلشن بد
 بنه علم در دل و شش علم
 با درج جلالش چو غر شید کن
 ز بر در دوانده آزاد باش
 کمیت فلک را برین آویز
 نیاید بتو راه در دنیایان
 بجان شادمان و متن تندرست
 مباد از حسن اجابت جدا
 که آید ز من شکر از حق جبار
 چو طبل که پرد بسوی چنین
 بشکر تو شادان و خرم شوم
 شوم در دما تو مشغول کار
 زیزدان قبولت ز حسن نظام
 از فرخ امیری و این امیر
 چو دایم که می داین که یکم

چنان تشنه سازد بسوزد گداز
دل مرا بنیاید چگونه تعب
همین وقت گنج مسرادم بدین
خلاصم ده از غروب جانگزا
کنون از خلوص دل صدق جو
جهان را در اداد و دین پرور
همه دور گردون بکام تو باد
و بی کار دنیا و دین را نظام
بیا باد دنیا ترا کفش پا
بخاتم ننگین سلمان ترا
علی را از شکر بدل جوش باد

چو چید که بحر سیه بشد نواز
جهان نیست سیراب من تشنه لب
دل خسته بستان و دوام بدین
همه راز را بخدا ازین بلا
و عا میکنم تو را از سیرین بگو
خداوند نعمت کرم کسرا
خدیو خلد و دست نام تو باد
بحق رسول علیه السلام
بستاج دین رسول خدا
بدل عشق محبوب نیران ترا
می جام احمد بجان نوش باد

از آنجا که لطف محبت شاهانه بر همه بندگان در دولت پروراند
و داینام و اگر ام طریق تساوی بظهور می آرند چون همه خدام در دولت
بارها و مرتبهها انعام یافته اند و بر احوال مرام خویش شافیه بخیرین
که از بی هنری خویش بجای رسیدیم و چه ربی و غمی که بر جان دل نکشیدیم
لذا خواهستند که این بی هنر نیز محروم ننماند و احسب که مان در و او می
نا امید می نماند حکم فرمودند و فرمان نمودند که در اعمال و شریف
جناب رسول مقبول صلی الله تعالی علیه السلام تالیف کرده و از انبیا
اعمال فراهم آورده حاضر کند بنا بر این ننگ عباد الله الصمدین علیهما السلام
از خبیه کتب اعمال و بیت شریف فراهم آورده و ساله تر شد
و چون بهشت نشو و جهت قسم مقرر گردانید و لایزال مشرقی دولت بدار

و چشم را بنور روی اقدس پر درون قسم قسم در ادویه که
با استعمال آن از مرض فرقت نجات توان دید و شربت مبارک
فائز الانوار از تب فرقت توان زهد مقدمه در بیان

بودن خواب بکج و از چیل و شش جزو نبوت و

و بیان آنکه مراد از مشرب است و یا رصاصه اند و بیان

تحقیق معنی حدیث من انی فی المنام فعدت الی

فان الشیطان لا یمثل لی و بیان متعلقات شأن

مثل آنکه کسی بیند که آنحضرت رسول علیه الصلوٰه و السلام

او را می کند برای خلاف حکم شریعت و فریاد

در اسرار ضمنی از سید عبد الجلیل غیاثی القاری قدس سره آورده
که تحقیق خوابهای صادق بکج و است از چیل و شش جزو نبوت

و همدران از شیخ مذکور نقل کرده که فرموده علیه السلام من لم یؤمن
بالرب و بالصادقه فانه لم یؤمن بالله و لا برسوله کذا فی تفسیر غرر

الهی سید بن السعد فی تفسیر قوله تعالی البشری و همدران است
که بر همین شد از نبی صلی الله تعالی علیه و آله سلم از بشری فرموده

روای صاحه اند که می بیند آنرا مرد مسلم یا فرمود که بدینچه میشود
آنرا فرمود لا نبوت بعد البشرات قبل و یا البشرات
قال الرویا الصاحه یعنی نیست بتو ای باقی مانده است
از نبوت بعد مبشرات فرمود خوابهای صالحه و فرمود
الرویا الصاحه خبر من سخته و اربعین خبر من النبوة تو میخوش
آنکه چون سید عالم صلی الله تعالی علیه و آله و سلم بعد از چهل سال
بدعوت سبعوث شدند و تمامی عمر مبارک ایشان شصت
و سه سال بود پس بست و سه سال از عمر خجسته مال در شوق اندید
از آنجمله در ابتدای بعثت شش ماه بجای وحی خوابهای صالحه
میدیدند و بعد از آن بست و نیم سال دیگر جبرئیل علیه السلام
می آمد و مخصوص قرآنی نازل میشد پس باین قاعد صورت
بند که خواب صالح بجزو است از چهل و شش خبر و نه
زیرا که شش ماه بجزو می شود از چهل و شش خبر و بست سال
و قال علیه الصلوة و السلام من رآنی فی المنام فقد رآنی
لان الشیطان لا یتمثل بی الی بصورتی و کذا و کذا القاطلان
فی شرح البخاری فی فصل من رآنی حبیب الله صلی الله علیه
و آله و سلم اقول ذهب بعض العلماء رحمهم الله الی ان من رآنی
النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی المنام فهو صحابی باید دانست
که درون دل روزی است کسان مملکوت آسمان چنانکه
از بیرون دل پنج دروازه کسان است بعالَم محسوسات
و مثل دل چون آینه دیگر که صورت جمله موجودات در روی آ

و چنانکه صورتهای از یک آئینه در دیگر افتند چون در مقابلۀ آن
بیداری همچنین صورتهای از لوح محفوظ در دل پیدا آید چون
صافی شود و از محسوسات دور گردد باولی مناسبست
گیرد و تا به محسوسات مشغول باشد از مناسبست بعالم
ملکوت مجرب باشد اگر کسی ریاضت کند و دل از دست
غضب و شهوات و اخلاق بد بیرون کند و حواس را
مستطیل گرداند و دل را با عالم ملکوت مناسبست و در روزان
و از کشادۀ شود و آنچه دیگران در خواب بینند وی در بیداری بیند
و در لوح فرشتگان در صورت هاشمی نیکو پدید آید و بخاریان
علیه الصلوٰۃ والسلام را بنید و از ایشان فائز و مدد یابد
و ملکوت آسمان و زمین بوی نماید و کسی را که این مداه کشاید
شمار کارهای عظیم بیند که در حد و صف نیاید و علوم اینها
و اولیا علیه السلام از آنجا راه بودند انوار حواس
گو حواس خمس داری بر کشاید اهل پس هر صورت که بینی مستحق حاصل
الایش حضرت شیخ مافزودند که در قلب صوفی روزی است
که بآن روزین کشف عوالم غیب و شایده در آنست جسد و ش
و لاهوت گردد و شکر خست نلنجد در زمین و آسمان
پس درین فکر که اندر سینه چون جا کرد و پس باید دانست
که برای حصول این دولت عظمی و نعمت کبری اعنی ربوبیت
رسول مکرم صلی الله تعالی علیه و آله و سلم چند شرایط است
که لی آن بین مراد نتوانی رسید و این گوهر شیخ را در رشته

سخاوان کشید اول باید که دل مصفی و نفس منزلی بدست آید
و پیر بادیم مستقیم سنت نبی مضبوط گذارد از گناه و بدعا
به پیر میرود آبروی تقوی و طهارت نه ریزد و بر سنت نبوی
علیه السلام استقامت گزیند و بر پیار باش لطافت و
و طهارت سر بر نشیند بخور بسوزاند و عطر بسپارد و در حصول
تشیب از ری تمام در حضور پاک العلام بآورد و توجید دل و غیبت
ببان مهیا گرداند و فروش چشم اکثر بیدان تصور بر سر تلذذ و لا
صدق اعتقاد و دوستی استخوان جوهر روح خویش بکند و بیج گنبد
و حسد از زبانش سینه بکند غیفر که دل را الصفا فی طهارت
و باطن آینه همه العالمین نماید تا سلطان رسل و اعد
سبل محبوب رب العالمین مطلوب عارفین و عاشقین جلوی
رحمت و تجلی غایت فرماید و بدان ای عزیز ارشد
کامد تعالی فی الدارین که اگر بخاطر خطور کند که چگونه تواند
که چند کس در یکوقت رسول علیه الصلوة والسلام را در خواب
در آنکه مختلفه ببینند و معلوم است که یک جسم در یک زبان
ورود مکان نباشد پس ستر حدیث که از عبداللہ بن مسعود
رضی اللہ تعالی عنہ مروی است در آنکه ناقل است از
پیغمبر خدا صلی اللہ تعالی علیہ و آلہ وسلم که گفت فرمود پیغمبر
صلوة اللہ و سلام علیہ من ترانی فی المنام فقد رانی فی ذی القعدة
لا یتمثل فی لینی کسیکه دیدم را در خواب پس تحقیق دیدم را
پس بدستبک شیطان متمثل نمیشود و بدورت من نمی تواند

خود را و همچنین از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت
فرمود حضرت پیغمبر خدا صلوات الله وسلامه علیه من رآنی
فی المنام فقد رآنی قال الشیطان لا یستوی فی المنام ولا یستوی فی
البحر یعنی کسیکه دید مراد خواب پس تحقیق دید مرا پس تحقیق
که شیطان مقصور نمیشود بصورت من یا گفت تشبهه بیکدیگر من
همچنین از ابی مالک اشجعی که از پدر خود نقل میکند که گفت
فرمود پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم کسیکه دید مراد خواب
پس به تحقیق دید مرا همچنین از ابن عباس رضی الله تعالی
عنهما که گفت أن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کان یقول
أن الشیطان لا یستطیع أن یشبهه فی من رآنی فی النوم
حقه رآنی یعنی بدرستی که پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
بود که میگفت بدرستی که شیطان استطاعت ندارد و اینکه
متشبهه و مانند شود من پس کسیکه دید مراد خواب پس تحقیق
مرا دید و همچنین از ابو قتاده رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود
رسول خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم من رآنی فی النوم لا
قد رآنی الحق یعنی کسیکه دید مراد خواب پس تحقیق دید
حق را یعنی خواب او راست و ثابت است و همچنین از انس
رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول خدا صلی الله تعالی
علیه وآله وسلم من رآنی فی المنام فقد رآنی قال الشیطان
لا یستوی فی المنام ولا یستوی فی البحر واربعة واربعة
من شوق یعنی کسیکه دید مراد خواب پس تحقیق دید مرا پس

بدستیک شیطان خیال نمائی نمیکند بمن و گفت خواب مومن را
 ایست از چهل و شش پاره از نبوت فقط چه خواهد بود و چنانچه
 آنکه خواب دیدن عبارتست از حاصل شدن صورت آن چیز
 در خیال همان حاصل شدن غیر حضور آن چیز است و دلیل بر
 گدازنده که کسی در خواب بیند که او در هوای پرد یا سر خود بر پشته
 خود نهاد و بیند حال آنکه هیچ اثری از آن در وجود خارجی
 نماند و همچنین هرگاه قطره باران نسرومی آید بصورت حلقه
 مستقیم تخیل می گردد و از وجود خارجی آن پاره نباشد پس
 معلوم شد که خواب و دید که در چیز در خیال پیدا شود اگر چه آن
 چیز حاضر نباشد و چون حقیقت خواب دیدن معلوم شد گوئیم
 خواب و دید که کس صورت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در
 مشرق تخیل کند و دیگری در مغرب و خاصیت پیغمبر در نیاب
 آنست که نفس را شوق و نیازمندی ارادتی رحمانی بود نه
 شیطانی پس این خواب صدق بود و خواب کذابان و منافقان
 فی سینه فائده خواجه عبدالهادی رحمه الله تعالی علیه
 در شرح شامل ترمذی آورده که در روایت مسلم و بخاری
 که منسوخ من رانی فی المنام سیرانی فی القیطة او مکانا
 برانی فی القیطة لا یشمل الشیطان بی یعنی کسیکه دید مراد فرم
 پس فرمود که خواب دید مراد پیداری یا فرمود پس گویا
 که دید مراد پیداری شمشل نمیشد و شیطان بمن این ابطال
 که مراد از تفسیرانی فی القیطة تصدیق و صحت آن بر ماست

در بیداری در این دارنه آنگه خدا خیرت باشد که تمام مخلوق در آنجا
در خواهند دید پس مراد من اهل عصر رسول الله علیه السلام اند پس میگویند
که وحی کرده بود حق تعالی بسوی رسول خود صلوة الله و سلامه علیه و آله
باینکه آنکه می بیند نبی را از ازل و زکار وی و هجرت نکرد است بسوی
او خواهد داد و اورا الله تعالی توفیق پیرة بسوی او و از ان دیدن او را
در بیداری نصیب خواهد شد فقط در مواردی که گفته که معنی آنست
که اگر می بیند مراد بیداری بر آئینه مطابق دوست که در خواب دید
پس رویت رسول علیه الصلوة و السلام در بیداری حق و حقیقت
است و در خواب حق و تمثیل و مراد بی را در آخرت رفته باشد
باشد بقریب مشافعت و علوی در بهر و بعضی گفته معنی آنست که
زود است که می بیند مراد بر آئینه که رسول علیه الصلوة و السلام
داشت لکن بود چنانچه حکمی از این بعد پس رضی الله عنهما که
دید رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که در خواب آمد بر بعض
اهمات مومنان شاید که میبونه بود و خلایق رضی الله تعالی عنهما
پس بر آورد آئینه رسول علیه الصلوة و السلام پس دید صورت نبی را
علیه الصلوة و السلام در آن و ندید صورت خود را و گفت عیاض
که معنی آنست که هر که دید نبی علیه الصلوة و السلام را در خواب
پس دید حق آنرا یعنی اگر چه صورت او که در حین حیات داشت
پس رویا حق است و آنکه دید او را بر غیر آن پس رویا تا ویلی است
و حقیقی نواهی گفته که این ضعیف است صحیح آنست که کائنات
حضرت علیه الصلوة و السلام را در خواب دید و آنجا دید

بر صورت معروفه او دیده باشند بانه شیخ الاسلام حافظ گفته که ما بنی
 هر دو قول مثالی نیست بلکه در هر دو حالت دیده است در اول
 حاجت تاویل نیست و در ثانی حاجت تاویل است لکن گفته اند
 که هر که او را علیه الصلوة بر صورت شیخ بنید پس باور انهنایت صلاح
 و هر که او را جوان بنید پس وی در نهایت جنگ است و هر که او را
 بنیم بنید پس او شمشک است نسبت او مانندی گفته صحیح است
 که آنکه می بیند آدمی در خواب و اعتقاد میکند که او رسول خدا
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم پس بدستیکه او بنی را دیده است
 علیه الصلوة و اسلام هر صورتیکه باشد و همین است بقول در
 او در هر حال حق است باطل و اضمناش احلام نیست امام
 خوالی گفته آنچه در خواب می بیند بنیده آن حقیقت شخص او
 علیه الصلوة و اسلام که مودع است بر و نه مدینه مطهره نسبت
 بلکه می بیند مثال او را و این مثال روح مبارک است که متقین
 از صورت و شکل و محل نبوة است فقط در قنای صوفیه
 که عدم تشبیل شیطان به بنی ماصلی الله علیه و آله و سلم مختص نیست
 بلکه تشبیل میشود با جمیع انبیاء و ملائکه شمس و قمر و نجوم و کواکب
 تعالی عالم در مدخل این حاج گفته که باید که برهنه بود از آنچه
 که واقع میشود و در این زمانه اینکه بنید کسی بنیم را
 صلی الله علیه و آله و سلم در خواب خود پس آن حضرت صلی الله
 علیه و آله و سلم آن بنیده را امر فرماید بنیم یابنی کنایه کای
 پس این کس خواب نگر از خواب خود مثل آگاه شود پس آن

کار اقدام ورزد یا باز ماند و بگذارد و بشخص بصرف آن خواب
تا آنکه پیش کند آنرا بر کتاب الهی جل شانہ یا سنبت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر توبه اعد سلف و فی الله
تعالی عنهم فرمود ایندو تعالی جل شانہ در کتاب با عظمت
خود پیش خان تبار هتم بی شمی پزوده الی الله و الرسول
یعنی اگر نماز عت کینه بنما در سپیدی پس پیش آرید
انرا بسوی خداوند تعالی و بسوی رسول الله صلی الله علیه
و آله و سلم و معنی قوله تعالی فرزوده الی الله است الی
کتاب الله است یعنی بسوی کتاب الله تعالی و معنی
قوله تعالی و الرسول الی الرسول یعنی خود بسوی رسول
خدا و زمانی حیات آنرا سرور کائنات علیه الصلوٰه و السلام
و بسوی نخست آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
پس از وفات آن خلاصه موجودات علیه النجات
و التسلیات آنچنانکه فرموده اند علماء رحمتہ العظمی
و هر چند در خواب دیدن رسول الله صلی الله تعالی علیه
و آله و سلم راست است کسی در آن بنور بقوله صلی الله
علیه و آله و سلم من مالی فی المنام فقد رآنی تا آخر یعنی
هر که دید مرا در خواب پس هر آنکه خود مرا دید زیرا که شیطان
متمثل و صورت پذیر نمیشود بصورت من بختلاف روایات
یعنی در روایتی است را می الحق و همین معانی روایات
دیگر لیکن مکلف نشده است ایندو تعالی بندگان خود را

بجزی از آنچه که واقع شود آنرا در خوابهای خودشان بود
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم که بر دهمشته شده قلم الوصیه
 کسی یعنی هر فروع القلم و معذرت در آنست که در دهمشته شده درین
 است که خوابنده نیز از مانیکه بیدار شود زیرا که هرگاه خوابنده
 بود از اهل تکلیف نیست پس باید که عمل نکند بجزیه در خواب
 پس اینست وجهی وجه و چه وجه دوم اینست که علم در وقت
 گرفته نشود و اگر از مدار حافظه العقل و خوابنده چنین نیست و چه
 سوم اینست که عمل کردن خواب مخالفت بقول صاحب است
 صلی الله علیه و سلم زیرا که فرمود آنحضرت فرقت قلم
 الثقلین من تفلوا ما تسلمتم بها کتاب الله و سنتی یعنی که
 گزاشتم در میان شما دو گرانبار چیز زمینها را گمراه نخواهید شد
 تا و سیکه جنگ زند در آن هر دو یعنی استوار گیرید میان هر دو
 یکی کتاب الله دوم سنت خودم پس قرار داد آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم نجات از فطانت را در تمسک و جنگ
 زدن باین دو گرانبار چیز ها و سومین نیست برای این هر دو
 و سیکه اعتماد کند با آنچه که بیندیشد در خواب می افزد ابراز برای
 این دو سعی سنم بس بناء علی بذاهر کس که بنگردن آنحضرت
 علیه الصلوة والسلام را در خواب خودش پس آنحضرت
 علیه الصلوة والسلام باین خوابنده بجزی از آنست که باید یا نمی
 کند از چیزی پس متعین است بر روی عرض کردن این گز
 خود بر کتاب خدا و سنت رسول الله زیرا که آنحضرت صلی

الله تعالى عليه واله وسلم حبزین نیست که است خود را بکلفت
 شد به پیروی کردن همین درود هر آینه فرمودن آن حضرت
 صلی الله تعالی علیه واله وسلم آگاه باشید باینکه برسانید حاضر
 مرغایب یعنی آنچه از آن حضرت صلی الله تعالی علیه واله وسلم
 گوشت کند و نشود بدینکه آن که آنجا حاضر نباشند برسانند تا آخر حد
 و روایت کرد ابو داؤد در سنن خود که فرمود آنحضرت صلی الله
 علیه واله وسلم شما بشوید و شنوده شود و از شما شنوده شود و از
 کسی که نشنود از شما فقط و از همین قبیل است قول رسول
 الله صلی الله علیه واله وسلم نماز خوانید شما آنجا نماند دیدنید شما را
 که نماز بخوانم و نیز قوله علیه الصلوة والسلام بگیرد از من نماز سکوت
 ما را یعنی ارکانی که خدا تعالی بدان افرموده و غیر این احادیث دیگر
 آمده و یافته پس هرگاه پیش کس را آنرا یعنی در خواب
 بگوید خود را بشنید آنحضرت علیه الصلوة والسلام بر
 اگر افاق و سازگار بود بآن داند که همانا روی او راست است
 و هر آینه کلام یعنی فرموده آنحضرت علیه الصلوة والسلام
 نیز حق است بود آن رویا از هر مالوس کردن آن بختی را
 یعنی بعلم باطن که قریب حق تعالی است و اگر مخالف بود
 با شریعت پس داند که این رویا حق و راست است و هر آینه
 آن کلام که او را یعنی خواب نگرند را در آن خواب واقع شد کلامی
 است که شیطان و نفس اماره در زمین اش انداخته اند زیرا که این
 هر دو موسسه اند از نداید در حال بیداری پس چگونه در حال خواب او

یعنی هرگاه در حال هوش که بیداری باشد این که دو سه بار
می شوند در حالت غفلت که خواب بود چه سان و سوسو
انداز نشوند از بهر همین معنی فرموده اند علماء ما رحمهم الله
تعالی بنابر آن که گوش بگوش من از سید خودم ابو محمد
رحمه الله تعالی علیه که چند بار می فرمود و نقل کردن از علمای
رحمه الله تعالی علیهم که هر آینه رسول خدا صلی الله علیه
و سلم هرگاه دیدن شود در خواب پس امر کند بچیزی
یا نهی کند از چیزی پس واجب است در آن که عرض کند
این نگرسته را بر کتاب الهی جل شانہ و سنت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم پس اگر موافق بود بداند که هر آینه
این روایا هم حق است و کلام هم راست است و روایا
از بهر هوش کردن این خواب نگرنده است و بشارت
است او را و اگر آن کلام مخالف بود بکتاب الله و سنت
رسول الله پس داند که خواب راست است و هر آینه
شیطان رسانیده است سوی سماعت خواب نگرند
غیر آنچه که فرموده باشد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
نیز آنکه اگر می بود آن خواب از آنچه که تعبیر کرد شود
بان یعنی اگر از عبادت بودی هر آینه آنحضرت صلی الله
علیه و سلم هم آشکارا فرمودی آنرا در زبان حیاست
شریف خودش یا اشاره کردی سوئے آن اگر چه
بکیبار آنچنانکه کرده است در غیر آن و نقل کرده است

شیخ امام ابو ذکریا یحیی النواوی رحمه الله علیه و ساد اکلین
 تہذیب اللہ، واللغات در میان کلام بر خصائص آنحضرت
 علیہ الصلوٰۃ والسلام یعنی اموریکہ مخفیہ بذات حضرت خواجہ
 کائنات علیہ التحیات والتلیات گفت کہ از خصائص اوست
 کہ بر آئینہ کسیکہ دید آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب پس
 بر آئینہ آنحضرت را رہست پس بر آئینہ شیطان صورت تمیلید
 بصورت آن علیہ السلام لیکن عل نگہد یا سنجہ کہ شنودہ باشند آن خواب
 نگہدہ از آن در خواب از آنچہ کہ تعلق دارد با حکام خلاف ما چہ کہ
 مستغیرہ در شریعت بسبب ضیق نگہدن خواب نگہدہ از آنست از بہر
 شک در روایات کہ خبر مقبول نمی شود مگر از مسالہ مکلف
 با حکام شرعیہ و نام برخلاف آنست یعنی در زمانچہ این نگہدہ را در خواب
 و نہ مکلف است با حکام پس بنا بر علی حد اگر کسی بنگرد
 آنحضرت علیہ الصلوٰۃ والسلام را در خواب خود و خطاب کند آن
 حضرت علیہ الصلوٰۃ والسلام اورا تمکلم شود با و برسد در زمین این
 خواب نگہدہ لغظی یا الفاظی را فرماید کہ واقع شدہ در زمان
 این خواب نگہدہ پیش از و مخالف باشند آن الفاظ بشریعت
 آن علیہ الصلوٰۃ والسلام پس جائز نیست آن خواب نگہدہ را در
 غیر اورا بدین بیان خواب یعنی از دنیاات و السنن آن نگہدہ
 در خواب اعتقاد کند کہ اسچہ در زمین او سجید و خواب
 و مخالف بود بشریعت مظهرہ کہ صحیح است مستحب یا کہ
 مشہد پاک در سنن نبوی علیہ السلام از نسبت این امر و مانند آن

واجب و دشمن است از هر آنکه هر آنکه عصمت در بدن خواب
 صورت کرمیه آنحضرت علیه السلام سوای زیادت نقصان
 متصور نیست یعنی عصمت صورت کرمیه آن سرور علیه الصلوة
 و السلام اول و سابق است در زیادت نقصان مرادش
 اینست که اگر خواب بیننده حافظه حلیه مبارک و ضابطه بیات شریفه
 آنحضرت علیه الصلوة و السلام نبود و آنحضرت صلی الله
 علیه و آله و سلم را در خواب بیند عصمتش نگاہدارد زیرا که
 ممکن است که صورتی در خواب بیند و گمان برد که این فرشته
 او صورت آن سرور علیه الصلوة و السلام است و حال آنکه
 نه باشد زیرا که هر گاه این نگارنده حلیه شریف و صورت مطهر
 عواجم عالم صلی الله علیه و آله و سلم یاد نداشته باشد چنان
 دلتی او تواند شد برین که این دیده شده او بر آینه صورت
 شریفه آنحضرت است علیه الصلوة و السلام قطع نظر از زیادت
 و نقصان که در آن صورت مشاهده او شود پس اول کلام
 در اصل صورت است سپس در زیادت و نقصان چنانکه
 بعد ازین اشکارا شود خصوصاً نقل کرد قرانی رحمه الله تعالی در
 کتاب خود سسی بدخیره گفت که علماء گفته اند که هیچ
 نیست در خواب دیدن پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 را بقطع و بالیقین مگر در کسی را یکی صحابی که آن سرور
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را دیده باشد
 دو بین حافظه صفت یعنی ضابطه حلیه شریفه آنحضرت

علیه الصلوة والسلام بحفظی که حاصل آید از شنیدن
 آنچه که حاصل شود بیننده و گریه آن علیه الصلوة والسلام
 را یعنی حفظ و تذکر او صورت مبارکه بچنان وثوق و ستواری
 بود که گویا در زمان حیات آن سرور کائنات علیه الصلوة والسلام
 و التسلیمات را از پیشتر سروده و در کسبه است
 تا عینش نشود برومی مثال آنحضرت علیه الصلوة والسلام
 از بودن آن سرور صلی الله علیه و آله و سلم از سیاه و سفید
 یا پیر یا جوان و غیر این از صفات بشناسد که ظاهر شود
 در آن بچنان که ظاهر شود در احوال نگردد گمان دین احوال
 صفات یعنی صورت و حلیه می باشد از نگردد گمان نداشت
 صفات آینه یعنی هر گاه واقع شود رویای صورت
 کریمه آن حضرت علیه الصلوة والسلام آنکه عناصر
 شده است او علیه السلام در آن عدم
 طایس شیطان را بر خلاف صورت
 که آن پاک سرور صلی الله تعالی علیه و آله
 و سلم را بود پس را جمیع جنوای
 بود آن ابصفت و حسن جنوای
 و آن جمیع اسول مقبول کریم
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
 شنیده می باشد از آن و از امثال
 آن پس چیست خیال دانش

و التفتن به لشیطن کلامی که متضمن عصمت نبود و پندیده را
 اگر گویند گوید که هر آئینه در خواب دیدن صورت گریه آن
 حضرت علیه الصلوة والسلام هر آئینه متضمن عصمت است
 از هر چه نگرند پس قیاس کرده شود بر آن عصمت مطلق
 کلام نیز یعنی آنچه آنکه شیطان ممنوع است از تمثل بصورت
 مبارک آنحضرت علیه الصلوة والسلام همچنین توان شد
 که منور بود از ایراد کلام او علیه السلام جواب از قول قائل
 اینست که هر آینه دانسته شد از قواعد مقوله در شرع و غیر
 که هر آینه شیطان جاری میشود و بی آرم مانده جریان حق
 یعنی آنجا که خواند در برگ در پی مردم زار روان میشود
 همچنین شیطان تم آید و شد و تیرانی میدارد و وسوسه
 می اندازد در جمیع احوال در بیداری و خواب پس نص
 وارد شده درباره عصمت نگرند هر گاه بنگرد و صورت
 آن علیه السلام در خواب خود در شب و باقی ماند آنچه که
 و تجاوز ازین نص است بر اصل خواب که همین نمیشود نگرند و در
 از تلبس شیطان در کتاب مسی با کمال مصطفی قاضی عیاض
 است قوله من رأی فی المنام فهدرانی فان الشیطان
 لا یصل لی و فی رواية فانه لا یبصر الشیطان ان یتصل فی
 صورتی و فی الحدیث الاخر من رأی فهدرانی الحق یعنی
 قول آنحضرت علیه الصلوة والسلام که هر که دید در خواب
 هر آینه و در آن پس هر آینه شیطان متضمن نیست و این

و در روایتی است که در حدود مکه نیست شیطان را مثل شدن در
 من و در حدیث دیگر است که دید و سپس برآینه او دید و حق گفت
 ایام رحمه الله که اختلاف کردند محققان در تاویل
 این حدیث پس رفت قاضی ابوبکر بن الطیب
 رحمه الله بسوی اینکه مراد بقول آنحضرت صلی الله
 تعالی علیه و آله وسلم من رانی فی المنام فقد رانی اندر آئین
 الحق این است که برآینه دید راست و درست و
 هر یک از روایات او از احادیث الاحلام یعنی ترویده و پرشین
 شیطان بر آینه نمی باشد و نه از تشبیحات
 شیطان است و قاضی مذکور مؤید و حاصد کرده است
 گفته خود را بقوله صلی الله علیه و آله وسلم در بعض طرف من
 رانی فقد رانی الحق که مراد بود بان الحجه که اراده کرده شد
 بحديث اول از خواب و قول آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
 ان الشیطان لا تمشی الا شاره است بسوی اینکه مراد است
 که برآینه خواب او از احادیث الاحلام نمی باشد جز این نیست
 که حق در راست نیاست و حال آنکه لایمی بیند بیننده آنحضرت
 صلی الله علیه و آله وسلم را بر غیر حدیث یعنی خلاف حدیث آنحضرت صلی الله علیه
 و آله وسلم که نقل کرده شده است بسوی باشد بیننده آنحضرت را بری سفید
 یا بر خلاف چون مبارک آنسور صلی الله علیه و آله وسلم یا بنگر آنحضرت را دو مغز لای در یک
 زمان یکی ازین دو در مشرق و دیگری در مغرب و دیگر
 یکی ازین دو در حدیث آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و لکن خود قوله

و دیگر آن گفته اند که حدیث محمولست بر ظاهر خود و مراد
 آنست که هر که دید آنحضرت علیه الصلوة والسلام را در
 خواب پس بر آئینه یافت آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم را و مانعی نیست که منع کند ازین و نه عقل محال می
 داند آنرا تا که مضطرب شود برگردانیدن کلام از ظاهر آن علت
 پیدا آوردن باینکه بنظر آنحضرت صلی الله علیه و سلم را صورت
 مودود او در دو مکان مختلف معاد یکجا پس این صفت که
 است در صفات آنحضرت صلی الله علیه و سلم و تجلی
 کردنت آنرا غیر آنچه که آن صورت بر آن بوده است یعنی
 چنین خلاف حلیه مبارکه دیدن از غایتی که قوت بر که این
 نگرنده است و گاهی همان کرد و میشد یعنی خیالات مرئیات
 بسبب بودن آنچه که متخیل شود مرتباً با آنچه دیده می شود
 در عادت پس درین حال ذات آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 مرئی و نگریسته میباشد و صفات یعنی حلیه و صبر و مبارکه تجلی
 غیر مرئی یعنی در اصل نگریسته نیست صرف قیوت متخیله از خود مرئی
 مرئی و شاید فرانوده است از هر آنکه در ادراک تخدیق احوال
 شرط نیست یعنی محیط شدن قوت بصیر و برکن متخیل شرط نبوده
 است و نزدیک مسافت نیز شرط نیست مدفون فی الارض بودن
 مرئی یا ظاهری الارض بودن آن یعنی در ادراک هر دو
 برابرند خواه تجلی و در رکب و زیر زمین پنهان
 یا بر روی آن اشکارا و پدید آمدن نیست که شرط است

موجود بودن آن بخیر و دلیل قائم شده است بر فخر پذیران
 جسم مبارک آنحضرت صلی الله علیه و سلم بلکه دارد
 شده در بعض اخبار آنچه که دلالت می کند بر نقایص
 جسمانی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس می باشد اختلا
 صفات تخمیه باعتبار آنها یک راه نمایند از بسوی
 نائش صور تخمیه و آنها استعداد صفات نازنه است که
 ذکر کرده است در باب رویا و الی صلی الله علیه و سلم که
 وارد شده است که هر آنکس آنحضرت علیه الصلوة و السلام
 هرگاه دیده شود پیری ریش سفید پس آن سال صلوات
 و هرگاه دیده شود جوان پس آن سال حرب است مترجم گوید که
 مراد بود اینکه مشاهد بصورت شباب مشاهده صورت پیری
 زمان حرب و جهاد در ویت بصورت سنخوت مشاهده صورت
 بود در زمان پیشین بودن حرب و جهاد یعنی بین مسلم صلح
 بود که کذا الک جواب آنان از آنحضرت صلی الله علیه و سلم باینکه
 اگر دیده شود آنحضرت صلی الله علیه و سلم امر فرما و فرمایان و
 بقتل آنکه قتل آن حلال بود پس آنکه این از صفات تخمیه است
 نه مرئیه یعنی نکرده خواب در تخمیه متصور شده و قوت تخمیه خیالی
 که در خود را می بیند و شهود بر گزیده است و در حقیقت مرئی نیست
 و جواب ثانی آنان منع وقوع مثل ایست یعنی تسلیم میکنم که غیر
 واقع شود که آنحضرت صلی الله علیه و سلم بقتل آلا یک کل قتل
 دهد و وجهی نیست نزدیک من برای منع کردن آنان

انان این را یعنی عدم تسلیم و وقوع چنین خیال مرئی را با وجود
 قائل بودن آنان به تخیل صفات مراد این که خود گفتن که گاهی قوت
 تخیل صفات را از خود می ترسانند و آن صفات تخیله را امراییه
 و مشهوره می نمایند و باری تسلیم نکردن و باری نیست نزد من بوجاهت
 و قبول و قاضی عیاض رحمه الله تعالی گفت که معنی قوله علیه السلام
 فقد رانی فان الشیطان لا یتشبه بلی و قوله علیه السلام فقد رانی تحت
 قمر است باین که هرگاه نگردد آنحضرت علیه الصلوٰه و السلام را
 بر چشمتی که در حیات خریف خود بودند بر صفت مضاده و مخالفه
 بکمال آنحضرت علیه السلام پس اگر دیده شود آن سرور علیه السلام
 بر غیر این پس این رویا و تاویل و تفسیر است نه رویا حقیقیه
 پس بر آئینه بعض رویا خارج می شوند بر وجه خود و بعضی محتاج
 می باشند سوی تاویل و تفسیر پس گفت همین قاضی عیاض
 رحمه الله که علامه رابعهم الله تعالی اختلاف نکرده اند در جواز دیده
 شدن او تعالی در خواب و اگر دیده شود او تعالی
 بر صفتی که لائق نبود بجلال او تعالی از صفات جبروتیه
 بر آئینه متحقق شود که بر آئینه آنچه دیده شده است غیر
 ذات است و است زیرا که بر او تعالی تجسم یعنی جسمانی بودن روان بود
 و نه اختلاف حالات بخلاف رویای نبی صلی الله تعالی
 علیه و آله و سلم در خواب پس بود رویای او تعالی بر جسم سائر
 انواع رویا از قبیل تشبیل و تخیل گفت قاضی ابوبکر
 رحمه الله تعالی که در خواب دیدن او تعالی دلالت بر

و خطرات قلبی است یا مثالی که لایق نیستند با و تقاسم
 در حقیقت و مثالی و نیزه است او تقاسم از ان و آن
 دلالات است بر اسمی که نکرده بر امور که از قبیل کان
 کیون باشند یعنی باختلاف حالات و صفات مانند دیگر
 مرئیات و امام رحمه الله تعالی گفت که قول آن سرور صلی
 الله علیه و سلم من رانی فی المنام سیرانی فی الیقظة او فکانتما
 رانی فی الیقظة یعنی هر کس که بنید مراد خواب پس نزدیک
 است که خواهد دید مراد بیداری یا گوید دید مراد بیداری
 پس اگر محفوظ الروایة لفظ فکا تمنا را اسمی فی الیقظة
 است پس اوایل آن مأخوذ است از ماتم قدم
 یعنی قوله اذا روه علی بصفة التي کان علیها
 لا علی صفة معنایة لخاله مرادش آنکه است
 دید و اگر محفوظ الروایة لفظ سیرانی فی
 الیقظة است عمل است که ابراهیم فرموده
 باشد اهل عمل خود را از آنان که هنوز
 هجرت نفس عوده بودند سوخته آنحضرت
 علیه الصلوة و السلام پس بر آئینه هم که
 از آنان دید آنحضرت علیه السلام مراد خواب
 پس نزدیک است که خواهد دید آن علی السلام با
 در بیداری مرادش آنکه آن خواب میبندد
 بعد این خواب خود مشرف خواهد شد مشرف

مبارک و آیزد تعالی دیدن خواب را نشان
 دیدن در بیداری کند یعنی چنین خواب بهر آن صحابه
 مقدمه بود بادرک شرف صحبت و وحی فرماید آیزد
 تعالی بآن برگزیده خود صلی الله تعالی علیه وآله وسلم و
 گفت قاضی رحمه الله تعالی که معنی است که بینند تصدیق
 آن رویارو در حالت بیداری و صحت آن و التماس کرده اند
 بعضی از آنان این که معنی قوله علیه السلام نسیرانی فی
 الیقظة الی فی الاخرة باشد یعنی هر که مرا اینجا یعنی در
 دنیا بخواب خواهد دید او در عالم آخرت مرا بحالت
 بیداری خواهد دید از بهر آنکه در عالم آخرت آنحضرت
 علیه السلام را جمیع امت آن حضرت خواهند دید
 خواه در سنام دیده باشند یا ندیده باشند گفت
 قاضی رحمه الله تعالی که بعید نیست نزدیک من اینکه
 محتمل بود بهر سهیل یعنی بهر دیدن در آخرت و باشد
 دیدن او آنسر و علیه السلام را در خواب بر صفتی که شانه
 آنسر و علیه السلام بآن صفت و موصوف شده بران
 موجب شده بران موجب بر کرامت این خواب نگرنده
 در آخرت و دیدنش بر ویت خاصه و تقرب بآن سر و علیه السلام
 و شفاعت سابقه و بارگاه او مثل هذا از خصوصیت رویت یعنی
 چنین خواب نگرنده آن حضرت صلی الله و آله وسلم را
 در آخرت متربان خواهد دید و این حکم

استحقاق شفاعت بر دوش کمال عنایت عالم خواهد بود
 تا اثر ای نار احمسایعین باید که نه بیند هر دو آتش آن سر
 گسان یکدیگر را ای سنزل سون و کافرت سرب یکدیگر
 بنیاید بود که هر یکی آتش دیگری را به بیند از بهر آنکه آن
 داعی الی الله است و این داعی بسوی شیطان که جمع
 خواهند شد آن هر دو در آخرت و دور خواهد بود هر یکی از آن دو
 دیگری و بعد نیست که عتاب و عقاب کند ایزد تعالی بعضی را بکار
 را در قیامت بازداشتن و محرم کردن آنان از دید محمد صلی الله علیه و سلم
 بنی خود و شفیع خود مستحکم گوید که دیدن بسوی من آن
 حصرت علیه الصلوة والسلام را موافقت نیست
 و مستحب رحمت می تواند شد پس ایزد تعالی
 بعضی از بنین را ازین رحمت بازدارد از کتاب
 ذخیره مصنفه استراعی رحمه الله تعالی است
 که گفت که مانی که رویا هشت هفت می باشد
 هفت از آن تعبیر کرده نشوند یکی از آن تعبیر
 کرده می شود فقط پس آن هفت آن است
 که پیدا شود از اخلاط از ربعه غالبه بر بنیده یعنی صفرا
 شود و پنجم خون که رای را مشلوب کند پنجم غلب
 شدن خلط و موی رنگ سرخ و شیرینیه و انواع
 می نگردد و پس در خواب بقتضای رنگ خون
 و طبیعت آن و اگر غالب شود صفرا پسند حرارت

وزنگهای نرود و نغمه‌های یسینی با قنقنای زنگ صغری
و خاصیت آن و اگر بلغم غالب شود آبها و رنگهای
سفید و زرد و برودت می‌بیند یعنی با قنقنای سار
آب چسبندگی بار و ده و اگر غالب شود خلط سودا
رنگهای سیاه می‌بینند و چسبندگی خوف آورده
و طعامهای ترش مزه و دانسته می‌شود این
به لایل طبیب که ولایت می‌کنند بر غلبه این
خلط بر این خواب نگرند و قسم چشم را بجهنم
از حدیث النفس است و دانسته می‌شود این با کشادگی
و رفتن کردن آن حدیث و نفس او بر زبان
بیداری قسم چشم این است که از شیطان
بود شناخته می‌شود باین که اسیر کند شیطان
این خواب نگرند را با سحر و شکر یسینی کار
زیشت و عمل قبیح خلاف شریعت باطل است
سودت یا امری نیک که آتش سودی با
سوی سحر یسینی بظواهر و شنا باشد اما در
باطن زشتی آور بود چنانکه اسیر کند شیطان این
نگرند را بجهنم نفسی او اگر دن که از ان عیال
و پدر و مادر او ضایع شوند چشم گوید که حج نفل او
اگر چه چنین است انچه نماید اما هرگاه در غیبت او اهل عیالش
بسیب اغلاس عدم تعبد می‌شوند همانا امری بود شکر ناپسند شریعت و مخالف

سفتند آنکه در آن راحت ملام شود اما خوابی که تعبیر کرده
 میشود آنست که نقل میکند آنرا ملک الرویا از لوح محفوظ
 یعنی فرشته که بر روی او کل از سوی خداوند تعالی
 بر سوم لوح محفوظ که گویند امور در آن مرتسم اند پیش
 از وقوع این خواب نگرنده را آگاهانند پس بر آینه ایزد
 تعالی جل شانہ مأمور میفرماید آن فرشته را نقل کند
 بهر کسی کارهای دنیائی او و آخرت او از لوح محفوظ
 انتهی آنچه گرامی گفت رحمه الله تعالی قوله ذکر کرد امام
 ابو محمد عبد الله بن مسلم معروف بابن قتیبه در تالیف خود
 که در آن جواب داد از احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم
 که دعوی کرده شده بود بر آن احادیث تناقض و اختلاف را
 هر گاه که تکلم کرد بر اقسام رویا پس گفت که جنس این نیست که
 که رویا صحیح آن می باشد که آورد آنرا فرشته از نسخه ام
 الکتاب یعنی لوح محفوظ یک وقت پس از وقت دیگر
 پس گفت که حدیث کرد بن سہیل بن محمد گفت حدیث
 کرد بن اصمعی از ابی المقدام یافره بن خالد گفت حاضر
 میشدم نزد یک ابن سیرین که سوال کرده میشد از رویا
 پس نگاه میداشتم که او از هر حال یک خواب تعبیر میکرد و
 این رویا صحیح گردش میکند تا زمانی که تعبیرش کند عالم بالقیاس
 که حافظ بود اصول را یعنی قواعد اصول تعبیر و موفق بود بوجوب
 پس هر گاه تعبیر کند آن عالم واقع شود آنچنانکه او گفته باشد

قوله فصل و هرگاه بود رویا به تفضلی که ذکرشش مقدم شد
 و هر آئینه معتبر بود ازان حرف یک قسم پس چگونه ممکن بود
 سکون و اطمینان بسوی آنچه بنگرد و آنرا نگرند و خواب خود
 با وجود چنین احتمالات و چگونه ممکن بود اقدام بر عمل کردن
 باخیزد که بیند آنرا نگرند و خواب خود قبل ازان که
 عرض کند آنرا بر کتاب و سنت که ضمانت و تکفل
 کرده شده است عصمت و اتباع آن هر دو این یعنی اقدام
 بالعمل بدون عرض بر کتاب و سنت ازان قبیل است که
 متعقل یعنی مقبول العقل نیست گفت سید من ابوالحسن
 شافعی رحمه الله که هر آئینه بایز و تعالی ضامن شد بهر تو عصمت
 و جانب کتاب و سنت و ضامن نبشد عصمت را در جانب
 کشف و الهام و این ضامن عصمت نشدن در جانب کشف و الهام
 در حالت یقضیه و بیداری است که محل تکلیف است
 زیرا که کشف در آن روشن ترمی باشد از خواب پس
 چیست اندیشه تو بکسی که غیر حاضر العقل بود و هر آئینه
 مرفوع شده باشد از خطاب در حالت خواب کردن
 و بودند اسلاف رضی الله تعالی عنهم در حالت بیداری
 که بسا چیز نامیدند و بسویش رجوع نمی کردند مگر بعد
 عرض کردن این نگرسته بر کتاب و سنت همچو پیرین و بسوا
 و رفتار کردن بر آب و جز آن و هر آئینه گفت پیشوائی این گروه
 جنید رحمه الله هرگاه بنگرید شما مردی را که رفتار میکند

پس واجب آمد رجوع کردن درین بسوی آنحضرت علیه الصلوٰۃ والسلام
 و در حیات آنحضرت علیه السلام و بسوی سنت آن علیه السلام
 پس از انتقال فرمودنش بسوی پروردگار خود شش پس اگر گوید
 گویند که هر آینه وارو شد در حدیث سه در بن جذب
 رضی الله تعالی عنه که هر آینه بنی هاشم علیه السلام هم هرگاه
 نماز خواندی بسوی ما آوردی ردی مبارک بخود پس نه بسوی
 که کسی دیده است اشب خوابی پس اگر دیده می بود
 خوابی عرض کردی آنرا پس فرمودی آن علیه السلام باشد
 این یقول پس پسید روزی از ما فرمود که آیا کسی از شما
 دیده است خوابی نفیتم فی سپس خود فرمود که لیکن من
 دیدم اشب که دو مرد بر من آمدند تا آخر حدیث
 آخر ارج کرد این حدیث را بخاری رحمه الله تعالی
 پس جواب این است که این قسم تأیید میکند ما تقدم
 ذکره را زیرا که روایگان همه میباشند و جمیع از جانب
 خداوند تعالی یا خود در حق نگرند یا در حق غیر او تا غیر این
 از آنچه که مقدم شد ذکر آن پس آنحضرت علیه السلام و سلم
 از آنان می پرسید تا آگاه شود باین پرسیدن چه آنچه که
 دیده باشند آنرا پس داند آنرا که از جانب فرشته موکل
 علی الروایست یا از غیر او و آنچه که مختص است با آنحضرت
 علیه السلام و آنچه که مختص است بخواب نگرند و آنچه که
 از غیر غیر اوست و از تفحص آن پس جمع میکردند آنان بسوی

بر روی آب دمی پردر هوا پس رویتزاید بسویش پس هر آینه
 شیطان هم می پرد از مشرق تا مغرب و قنار یکیند بر آب
 لیکن نظر کنید سوی اتباع او بکتاب و سنت پس هر آینه
 شیطان قدرت ندارد بر ان گاهی و جادوان پس اگر گوید گویید
 که هر آینه شروع شد اذان بسبب خواب که دیدند از بعضی
 از صحابه در عهد سرور عالم صلی الله علیه و آله و سلم پس جماعت
 که هر آینه این تائیدی کند بر آن را که پیش ازین بیان کرده اند
 از عرض کردن رویا بر شریعت مطهره پس از وفاتی بود
 جاری کرده شود و اگر مخالف بود مستردک شود یعنی بکارش
 نگیرند بکارش دانند بدلیل این که آنان یعنی در خواب
 نگرندگان اذان را که فرشته بچنین کلمات می گوید عمل نکردند
 آنچه که دیدند تا وقتی که عرض کردند آنرا بر صاحب شریعت
 صلوات الله علیه و سلام پس شروع شد اذان بسبب شب
 دیدن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال الله تعالی و اما یسطق
 عن الهوی ان یوالا دمی یومی یعنی نیگوید رسول الله از خواستش
 نیست آن کردنی که دمی کرده می شود یعنی بسویش و
 دمی دوست هم بود یک دمی بواسطه فرشته دمی دیگر الهام
 زیرا که آنچه که خواب نگرده می نگرند احتیال دارد که در حق
 او بود و محتمل است که در حق عین بر او بود و احتیال دارد
 که از بهر ماضی بود و احتیال نماید که بهر مستقبل بود
 و بر آن انجمن که حکایت کردند از اصحاب علم تعبیر در کتابهای

آنحضرت علیه الصلوة والسلام نه بسوی آنچه که خود میدید
 آنرا پس همین سان حکم است بعد انتقال آن
 علیه الصلوة والسلام پس رجوع است در این سوی شریعت
 آن علیه الصلوة والسلام نه بسوی خواب نکرده برچسب
 که مقدم شد ذکر آن پس سرگام عرض کرده شود رویا
 بر کتاب الهی جل شانہ پس اگر موافق بود پس آن حق
 و بشارت است از پر خواب بیننده یا بهر کس
 که نکرسته باشد خواب نکرده از بهر او بقول آنحضرت
 علیه الصلوة والسلام که باقی نمانده بعد من از نبوت مگر
 مبشرات که مینماید آنرا روی صالح یا دیده شود از بهر او یعنی
 در حق و همین سان تعیین است عرض کردن بر کتاب و سنت
 آنچه که جاری شود برهست بعضی میان کمان تابعان آنحضرت
 علیه الصلوة والسلام از حرق عادات همچو کثیر شدن چیز
 قلیل و مثل پریدن در هوا و رفتار کردن بر آب و صفائی باطن
 و دیدن نور و شنیدن خطاب و هوای غیزه
 از احوال رفحیه آنان پس هرگاه عرض کرده شود
 این بر کتاب سنت پس اگر موافق بود آن بشارت
 و تأیید خواهد بود از بهر کسی که واقع شود از بهر او یا در حق
 غیر او و همه این از آن قبیل اند که سکون و قناعت
 کرده نمیشود بهر چیز می از آن پس اگر سکون کند کسی خوف
 کرده میشود بر آن و هر لغته گفته اند که کرامت کرامت است

تا وقتی که حدیث و گفتار نکنند آن بغیر ضرورتی که سود می و مقصود
 شود پس سوی آن با تا ناز کنند آن بعضی اگر بی ضرورت و ظلم باز کنند آن
 از قبیل ناز و کبر است مترجم گوید که اگر کسی کرامت خود بدون
 ضرورت بر آنند فاشش کند یا پایه بر تری و رفعت شان خود
 داند و بغرور و غرور چنین کرامت یعنی شمع منقوع عادی کرامت است
 زیرا که عمر می چهران همه دریا بگرند نفس این منضم شود و متعین است
 بروی بالین کرامت است که کردن هر آنچه که تشنه لطف داده شده
 بروی از علامات قبول بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم قیدوا
 انکم بالشرک یعنی مقید کنید به نعتها را بشکر یعنی وقوع کرامت را
 سرمایه نیایش و سپاس این روی کنید به بقاء
 نه و کبر قوله و متعین است بروی ترسیدن ازین که مبادا
 این کرامت از قبیل استدراج بود یا از شیطان جیم
 و گفت کاسه قسطی در نزد الله تعالی علیه که اگر کسی در
 بوستانانی در آید و در آن اشجار کثیره باشد و بر سر شجر
 طاعری بویاد و در زبان فصیح السلام علیک یا ولی الله پس آن
 بشکر ازین که این مکر بوده باشد پس آن مکر بوده باشد
 یعنی مکر کرده شده با و بغرور و رانداخته شده مترجم گوید
 شاید بگمان رفعت پایه خود سس از منک قید
 تنزل بدوری افتد و بقاء کرامت است و طاعت او بر اهل
 در آید و گفت ابو بکر بن العربی در کتاب خود می گوید که
 استناد ابو علی و قاف و قول رسول الله صلی الله علیه وسلم

جائیکه گفته شد حضرت صلی الله علیه و آله وسلم عیسی علیه السلام بر روی آب مبرزت پس سر برداشت حضرت علیه السلام اگر سر بردی در یقین بر آئینه شی آغاز کردی پس گوی ای استاد ابو علی وفاق گوید جزین نیست که از کعبه نبی علیه الصلوٰة والسلام خود را و اشاره کرد باین قول مؤلف بعضی بیا رنگ خدایش در شب اسدی زیرا که در میان نصف بر سر او دست داشت که آنوقت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که بر آن رسیدیم بر سرست دیدم براق را که بانه در دستار که هم یعنی رفتار سر برداشتند و علیه الصلوٰة والسلام در هوا سوی ملک اعلیٰ جل شانہ و ابو سعید همین اشاره کرد عینید رحمت الله تعالی باشد که گفت که بر آئینه رفتا کرد و مردان بسبب بعضی بر روی آب و نشسته بر روی آن و آنوقت در بعضی قولی می آید و مراد از رفتن آن سر بر علیه الصلوٰة والسلام در هوا سوی ملک اعلیٰ یا تنزیه و تقدیس است از بهت و مکان یعنی آنجا نمی بود و نه مکان قوله بود سیدنا ابو محمد علیه السلام می گفت که برترین کرامت درین زمان اتباع سنت است و بندگان گرفتار آن در این امر و چندان اخبار آن بر سر آید که دارد شرح برود و در وقت و هنگام و استوار است تمام و در وقت و مقام و اطاعت بکار آن است و اولی از اصلی الله علیه و آله و سلم و ترک و ادب و است

دو دشمن داشتند بدعات را ترک کردن توجه و التفات نمی
 کسیکه مرتکب شود بدعات را یا خوشنود شود یا آن بدعات
 زیرا که این نیست زمان آن و نیست درین زمان سببی
 که اعانت کنند بر آن مگر فضل و داد و تعالی و از بس
 آن که پیشتر مردم درین زمان بسبب عدم یقین
 و ضعف ایمان سکون و بسند نمی کنند با آنچه که سنت
 داشته شده است بر آنان و عطا شده آنان را از ابتلاء
 و ملازم خیر بودن و سبب رحمت کردن بوسیله خیر
 تا این که پیشتر کرامت یا خواب در حقن و هر یک
 از این یکبار است محتمل چیزها دوست است
 کتاب و سنت احوال نمی دارد مگر یک وجه را
 آن توفیق است زیرا که آن خلعتی است که داده
 شده است بر آن کس از جانب ایزد شایسته نمی
 بیند از اگر اهل صدق و ارباب تصدیق انتهی
 و پیران موبد است آنچه شیخ و بلوی در مدارج ائمه که
 دیدن حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم در خواب
 هر چه که باشد درست و درست است باریک بیننده
 حضرت صلی الله علیه و سلم را دیده است بهر چیز که دیدن
 بصورت خاص اتم و اتمست و لذت حال در آن است بر
 را آئینه خیال صافتر و نور سلیم و معجز تر و درستی او است
 و کمال است با قله ائمه پس اگر کسی از این حضرت و علمه السلام

که با میفرماید بقتل حرام گفته شد که عمل نکرده میشود بر آن
 چرا که این از صفات تنجیل است نه مرئیه در روضه گفته
 هر که عمل کرده شود بمسوح از آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
 در مقام متعلق با حکام بحیث عدم ضبط رومی نه بحیث شکرت
 روایت شریف پس تحقیق خبر قبول کرده نمیشود مگر در ظاهر
 کلف و خوابنده مخالف این است این خبره گفته که پیش
 کرده شود کلام او صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در خواب بر سینه
 پس آنچه موافق باشد حق است و اگر برخلاف
 آن باشد دانسته میشود که در این خطی پیدا شده است
 در ساعت رانی شیخ عبید الحق از شیخ خود او از شیخ خود
 حسام الدین متقی نقل کرده که بیگفت آمد از دیار مصر یک
 استفتاء که سوال کرده بود در آن از شخصی که دید آنحضرت
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را در مقام در حالیکه میفرماید بخوردن
 شراب پس نوشت هر کس که برسد با او از تا و بلدت
 و این تا آنکه رسید شیخ محمد عراق و بود شیخ موصوف
 متجسمت پس نوشت در جواب آنکه بر آید بیند غلط
 کرده است حسام الدین آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
 فرموده است هر کس را که بخورد جز را پس غلط کرده حسام
 الدین و واقع آنکس را در سماعت غلط که بنویسند
 حضرت صلوات الله و سلم علیه که بخورد جز
 را پس این غلطی حسام الدین است و پس نقطه

فائده اولی در بیان حلیه صورت مبارک آنحضرت صلی الله تعالی علیه
 وآله وسلم که لابدی است از آن رائی فی المنام را و آن این است
 که بود قدحی که چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم سپانه بودند دراز و نه کوتاه و نه بسیار
 فربه و نه بسیار لاغر و گوشت بدن مبارک بسته و چیت بودند سست
 و با هر بلند قدیله رشتی و یا نشسته از روی بنجره از بلند تر نمودی و سر مبارک
 بزرگ بود اما نه بسیار و موی و جوش سپاه بودند و هیچ در آن بسیار
 نبود مثل موی جشپان و نه بسیار نرم فرو بسته بود بلکه سپانه این صفت
 گاهی بنصف گوش و گاهی بر دوش و گاهی مابین این هر دو میرسد
 و جبهه منور کشیده و فراخ بود و هر دو جبین منور و روشن و هموار و صاف
 و بر و آن مبارک باریک کشیده همچو کمان بوده و با هم پیوسته نبوده و
 سیان دو ابرو رگی بود که وقت غضب ظاهر شدی و چشمان
 مبارک کش فراخ و کشیده بود و سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی
 آن سخت سفید و میان آن رگهای سرخ مینمود و مژگان مبارک
 دراز و بسیار بوده و رخساره زیبا هموار و مایل بدرازی بود و پیشانی
 شریف اندکی بلند و برابر بود و مرآت نورانی بود و گوش
 برآمده که چون کسی تاظر نمیکرد می پنداشت که اشم است
 و درین مبارک کشاده و بغایت سلیج بود و لبهای
 مبارک باریک و صبر دندان الطف و بر لب زیرین
 مبارک خالی بود و دندانها فشان سفید و براق
 بودند و تیز و باریک و میان دندانها کشاده و وقت
 تکلم گو یا نوریه از آن بری آمد و در و مبارک اندکی

گرد و چون ماه شب چهارم سپید رخسید و رنگ رو
 وی صلی الله تعالی علیه وآله وسلم سخت سفید نبود و سخت
 گندمگون بکنه سفید و اندکی کخی آمیز بود و رنگ بدن
 مبارک هم سفید و نورانی بود و ریش مبارک انبوه
 و بدر از می یک مشت و بر و تنها حسن بیوت و در موهای صغین
 چند موی سفید ظاهر شده بود و مجموع موی سفید در ریش
 و ریش قریب پلست بودند و گوشهای مبارک در تمام خوبی طاق
 بودند و گردن مبارک در بدن می متوسط و نهایت صفا بود
 و سیاه دوشانه از یک گردوری بود و سینه بی کین بهن و شکم نرم
 و بایسینه با هم یکسان و هموار بود و در میان شکم مبارک شکن نبود
 و بود شکم مبارک با یک غیر بر آمده و تهیگاه غیر فرو نشسته و سیاه دو
 شانه مبارک مهر نموت بود و ایل بجانب یسار روشن و تابان
 مختلف میشد در قد و ولون بحسب اختلاف احوال
 و از سینه تا ناف خط باریک از مو کشیده و باقی شکم و سینه
 بی مو و بازو و دوشش و جانب بالای سینه سویدار و سرها
 استخوانهای مفصل اعضا مبارک بزرگ و سطر
 بازو و بند دست دراز و متوسط و کف دست کشاده
 و نرم تر از حریر و هر دوران پیرزینت و زین سطر با با اعتدال
 و سفید رنگ بودند و ساق پا سیاه اندک باریک
 و سفید رنگ بودند و ساق پا سیاه مبارک
 اندک باریک و سفید رنگ و انگشتان

دست مبارک پر گوشت و دراز و سبابه پا زد و یگانه نشان
 پا دراز و پاشنه کم گوشت و کف دست و پای پر گوشت
 وزیر پای اندکی برداشته از زمین و پشت پای مبارک همواره
 و نرم و استخوان کعبین بلند میباید در می مناسب حاصل
 سخن آنکه همه اعضا می شریف و پیکر لطیف
 او صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در نهایت خوبه
 زیبا و اعتدال بود و ویرا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم احی
 و حسن و جمال شریک و همت نبود و الله تعالی علم شانه
 بهو العبدین بیان به فارسی به هر چه اسباب جمالت خج خوبتر
 همه بهر وجه است کمالا نجفی به وصالی می نیارم زدن به وصف
 وصف حسن نه حد امکان است به فائز دثانه در بیان تعبیر
 دیدن پیمبران علیهم الصلوٰۃ و السلام را در خواب
 چون انبیا علیهم السلام را بشاش و راضی بیند
 دلیل بر خیر و صلاح صاحب رویا باشد و بالعکس
 بالعکس بود باید که توبه کند تا از آزار آن شدت
 فرج یابد و اگر ببیند پیغمبر را علیه السلام
 آبشت نقض عهد کند که فیما نقضهم میثاقهم
 و کفر هم آیات الصدوق هم الانبیا بغیر حق
 ترجمه پس بشستن ایشان پیمان خود را
 و جبهت کفر ایشان بتوریت یا قرآن و به
 سبب کشتن ایشان پیغمبران را ناعاق کردیم

بایشان آنچه کردیم از لعن و سحر و انواع عتوت
 و مجمل این احکام آن است که هر کس که ام را از
 انبیاء علیهم السلام که بیند اگر منبسط
 باشد از مواهب او نصیب یابد و اگر منقبض بود از عتاب
 او اثری بوی رسد و قصد اکثر ایشان شهرت
 دارد و اگر دید که پیغمبری باشد از مشایخ پیغمبران
 تابع او شود و بقدر وسع خود در آن کوشد اما بامر دم
 در جدال افتد بجز از متابعت عاجل براتب
 اجل رسد و لقا جدا کند من بنیاد المرسلین ترجمه
 و هر آئینه آمد بتواضع فرستادگان که اعم ایشان
 چه آزار بایشان رسانیده اند و ایشان صبر کرده
 آخر غالب شدند و اگر شریف النفس
 بیند که در عهد پیغمبران است صلاح
 صوری و فلاح معنوی یا بدو اگر مستحق ولایت باشد
 بحسب حال خود بترتیب رسد و اگر دیده که یکی
 از انبیاء علیهم السلام کلمه با و است
 گفت تجب خمیر و شر آن نفع یابد
 و ضرری بوی نباشد شاید شود چه انبیاء
 علیهم السلام را حکم خواب و بیداری
 یکی باشد و اما حکم مفصل آنست
 نظم که حضرت آدم به بیند محل از باغ ولایت شاد چید

مظلم کسی که حضرت آدم پیمید	کل او باغ ولایت شاد هیند
بشای شاد گردد طبع سلطان	قضا گردد بقاضی فرستد ان
بصوف آمد حکم شریفه	که آدم بر زمین باشد خلیفه
و ازین گفته اند	هر که آدم بخواب در بیند
در ولایت بجام بنشیند	و گویند که عالم بر تبه علم بود که علم

آدم الانسما کلمات ترجمه یا موقت حق سبحانه تعالی آدم را که خلیفه
عشرت از بود نامهای مخلوقات همه آن از علویات و سفلیات و حاصل
آنکه هر کس را بر وفق حال خود و طبق فصاحت و مجال و دست
رو نماید و اگر دید که آدم علیه السلام او را چیزی داد و بقدر
آن منتفعی یابد و اگر او را طول بیند از مقام خود متفرج
شود و نعمت او را و ال یا بعد از ان بوسیله
لطیفه غیبی بفرج رسد که قتلش آدم بین زمین کلمات
نقشب علیه ترجمه پس فرو گرفت آدم از پروردگار خویش
سبحی چند که آن بقول اشهر این است رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
وَأَنزَلْنَا إِلَى قُلُوبِنَا ذِكْرًا وَرَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنَّا
فِي الْخَسِرِينَ چون
آدم این مناجات کرد پس خدا می قضاے قبول کرد و بپذیرفت
توبه او از تفسیر حسینی و گفته اند هر که آدم علیه السلام در زمین
و شمنی با او غزلان میشد و شاید که با او سگندی دروغ خور و بعد از ان نجات
یابد چنانچه در قصه آدم علی بنیاد علیه السلام در این نیکو است و کیفیت آن میان
خاص و عام مشهور و اگر چنانکه خوارا بیند بر روی نعمتی متعبد شود
و فرزندان متعبد باشند اگر غمگین باشد شادی یابد

تفسیر حسینی
آدم علیه السلام

چادر کسبکه آدم علیه اسلام در خواب دید تدار بود
 علیها اسلام و چون بیدار شد همان وضع پیش او
 نشسته بود و خلق پنهان و چنانچه ترجمه و ساخت از همان
 ای از آدم جفت او دادان بشاشت عظیمیم یافتند
 حضرت شیث علیه اسلام و آنکه اشیث بنید اندر خواب
 عمر و عمر زنده بود و اسباب تا هر که ادریس علیه اسلام را
 بیند در محل دسغ تمام یابد و خامت او بخیر باشد و اگر
 روح علیه اسلام را بیند عمرشش دراز باشد اما از اشرف
 خلقت بسیار کشد و آخر الامر خدا برایشان اجر بخش
 داد و از زمان همسری فرزندان خلعت و ناعف
 آیند و در جمیع احوال کافه در شکر گذاری بروی
 بمشایند بقوله تعالی *مَنْ مَلَائِمٌ مَعَ نَوْحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا*
شکوراً ترجمه هر آنان را که با نوح
 او بود بنده شکر گذار و اگر بود علیه اسلام را
 بیند جهان بروی تسلط نماید و عاقبت فتاح
 حقیقی در عاقبت بروی بکشاید چنانچه در قصه نجات
 او ظاهر است و *مَنْ مَلَائِمٌ مَعَ نَوْحٍ* خداپا خلقی ترجمه
 و نجات دادیم ایشان را از عذاب غلیظ و از اینجا گفته اند
 هر که اگر بخواب در بیند بر همه دشمنان
 غلبه بیند و اگر صحاح علیه اسلام را بیند در بعضی
 سفاهت و آخر الامر از شفاعت تائید

آسمانی گل خضر چیند و اگر کو ط علیه اسلام
 را در خواب بهمانه دستاورد و حج بیت الله
 بگذارد و اگر ابراهیم علیه اسلام را در خواب بیند
 از ظالمی در محنت افتد بعد از آن توفیق حج یابد
 و او را بمسیری لایق کرامت شود و گویند
 ریاستی یابد و صاحب قافله شود و آنچه
 یکتا ابراهیم ترجمه اکنون تاج شود و دین ابراهیم
 را اولادش دشمنان امین گردد و گویند که
 ولایتی یابد و اگر نه از اهل آن باشد تو گمراه شود
 و او را در پیرایه فرستادن بهارک قدم آیند
 و بقدر دم ایشان نعت بروی فرستاد شود
 و اگر اسمعیل علیه اسلام را در خواب بیند ضاحت
 و ریاست یابد و شاید که بنیاد مسجدی کند
 و گویند درجات از جنت پیراسته می یابد و سفری کند
 در مردم از و منافع یابند و ممکن که از نسل او ملک
 آیند و ابواب خیرات بروی مفتوح شود و اگر اسحق را بیند مول
 عظیم یابد چنانچه شرف پاک رسد و بعد از آن خلاص
 یابد و بیشتر دستگیر شود و تواند بود که او را دو پسر
 آید یکی مطیع و یکی عامی و اگر یعقوب علیه اسلام را بیند
 به نعمت های دو جهان محفوظ شود و با و لا و
 استظهار یابد و بواسطه ایشان عز و ان شود

و بعد از آن سرور گردد و بزرگ طاعت و عبادت
 کمال خیریت و سعادت یابد و ممکن که پدر آب
 بصیرت به شود و باز بروشمنه رسد و اگر نرسد می ناب
 داشته باشد او را برادر باز بیند و اگر یوسف
 علیه السلام را در خواب بیند خوششان با و سه عدد
 کنند و بعد از آن فقر یابد و سیئات ایشان
 را با حسن مقابله کند قال اگر یوسف را یوسف
 تعجب بر آمد که گفت و هو آخر قسم از همین ترجمه هیچ نرسد
 نیست بر شما امروز هرگز گناه شمار بروی نیاروم
 بیا مرزد و طاعتی تقاضای شمار که اعتراف کردید بگناه
 و او بخشنده ترین بخشنده گانت و توفیق صدقه رفیق
 بر رفیق او شود که و تصدیق علی بن ابی طالب
 انفق بر قین ترجمه تصدیق کن بر قبول بیاعت
 مایزیادت بهای متاع ما برستی که خدا پاداش
 و هدیه کنوی امان را که از تفضل تصدیق نمایند
 حاصل آنکه در مقدمه ملائکه یابد که فاقمت
 آن ببال باشد چنانچه گفت اند
 و چون یوسف بود و یوسف
 و در حکایت آمده این سه پیرین ترجمه است گفت
 که در دست دیدم که سه کمال
 امیب و جو اسلحه صاحب بال آسجا بودند

چون صابت کھول در من اثر کرد و نثر یک جوان
 بنیستم و از اسم و نسب ایشان پرسیدم
 گفت من یوسفم و ایشان پسران من اند
 ابراهیم و اسحق و یعقوب گفتم از علی که
 خداے تعالیٰ تو از اسے فرموده مرا تعلیمی
 فرما و مان بکشد و گفت نظر کن تا چه
 می بینی گفت زبان ترا سے بنیم باز و مان بکشد
 و گفت نگاه کن که تا چه می بینی گفتم دل ترا می
 بنیم فرمود که تعبیر کن و از هیچ مشکل خائف
 مباش چون بیدار شدم بر خواب که بر من
 عرض کردند خود را چنان یافتیم که تعبیر آن
 در دست من است و حجام میانی گفت یوسف را
 بخواب دیدم گفتم آنچه حق تعالیٰ ترا تعلیم فرموده
 نصیحتی بمن فرما از اسے فرمای فرمود که دمان بکشی
 کشت دم آب دمان خود در دمانم انداخت و چون
 از خواب بیدار شدم سر آمد معبران عصر خود
 بودم ابراهیم کرمانی در خواب دید که یوسف
 علیه السلام با او سخن گفت و از علم او بهره
 خواست گفت بر خیز و برو پیاده من
 خود در دست یوسف نهاد چون بیدار شدم
 در قسم عبارت چنان صاحب عبارت بود که مشهور عالم شد

اگر یونس علیہ السلام را بنید در طلب امرے و دشوار سے
 بسیار کند و از ان در مضیقه خوف افتد. و بعد از ان نکاح
 یا بد و سنی نفس الامر معامله او با قومے خدا ترس
 باشد. و اگر شعیب علیہ السلام را بنید بمعامله اهل خیانت گرفتار
 شود و شاید که در کمال و نیزان بود و در عرض تکلیف آید
 و بعد از ان برایشان ظفر یا بد و اورا دشتران مبارک آیند
 و اگر اورا الزان بیند ممکن که نابینا شود و اگر موسی و هارون
 را بنید جبار سے بواسطه از و هلاک شود و گویند رویت
 موسی علیہ السلام و رویت ابراهیم علیہ السلام و رویت
 محمد صلی اللہ تعالی علیہ وآلہ وسلم یکے باشند و اگر هارون
 علیہ السلام را بنید امام قوم شود و مابقیش را اگر دو گویند
 دیدن موسی و لالت بر نهر ارباب حق و کس اصحاب باطل
 کند و اگر در ان موقع ظلمے استیلا یافته باشد هلاک شود
 و اگر قیس علیہ السلام را بنید کار بسته او گشاده شود
 و اگر ایوب را بنید بجای استیلا یا بد و بفوات مال و فوت
 اهل و عیال منتقم شود و بعد از ان هیچ مزاج شود
 و مثل آنچه فوت شده باشد باز بوی برسد و نو عینا
 اخله و مشکلم معتم رخه برنا تر جمید و کج شهیدیم اورا سینه
 بوسے عطر کردیم کسان او را سینه نرسد زندان
 او را زنده کردیم و مانند ایشان ایشان تاده لاد
 او و برابر آن شدند که بودند بر اسے بخشیدیم

کہ فافض باشد از ما از تفسیر حسینی چنانچه گفته اند
 هر که ایوب بنید اندر خواب استقامت یابد از هر باب
 و آخر کار او نکو گردد و چرخ گردان بکام او گردد
 و آنکه داود بنید اندر خواب سبقت یابد و ثواب
 و کیفیت ماکان از مرتبه عالی و درجه تعالی غای نماند گویند
 در خطای افتد و از ان ندامت کشد و او را معارضه
 عالم تو سه حال پیش آید و از و نجات یابد و گفته اند هر که داود
 علیه السلام را ببیند یا عادی عادل یا حکم کن در میان مردم
 باشد یا عادی بدل ظالمی گردد و بقوله تعالی فان ظلم
 بکین الناس باحق ترجبه پس حکم کن در مردمان بحق
 و بقوله عز وجل و اکبر و قتل داود حالوت ترجبه و گشت داود
 بن ایسا علیه السلام جالوت را بسنگ فلاخن که بر خود زد و
 خود را در سرش شکست و فخر او پریشان شد و لشکر او
 ناز تا گشت از تفسیر حسینی و اگر صاحب رو یا مستحق قضا تواند
 بود قاضی شود و اگر سلیمان علیه السلام را در خواب
 ببیند هم ازین طور منصب یابد و از عسلم ظاهر
 و باطن بتجسس فقه مخطوط گردد و بقوله تعالی
 فکنت احسان کیا آن ترجبه پس تعلیم دادیم
 حکومت مسلمانان را از تفسیر حسینی
 دیگر او را بر سریری مرده بیند و الی آن موضع
 وقت یابد و گویند که او را سفر اتفاق افتد

و دوست و دشمن مطیع او شوند و برادرات رسد
 و اگر زکریا علیه السلام را ببیند او را در سن کهولت
 پسری آید بقوله تعالی و وَهَبْنَا لَهُ یَحْیٰی رَحْمَةً
 وَنَجْنِیْمَیمِ مراد را یحیی پسری که زنده شد به و معال
 دین از نفس پیر حسینی چنانچه نفسم گفته اند

زکریا را بخواب در دیدن در کهولت بود پس دیدن

و اگر توفیق بود بشرف خاکبوس برسد بیست
 میان بند چو دیر بندگان آسنا کر و در کار آرد چو دیگر
 چاکران آسنا مراد و مگر یحیی علیه السلام را ببیند
 در تقوی و حید و هر دین در عصر شود لقوله
 تعالی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ شِئْءٍ سَمِیًّا ترجمه بنام سریم
 اورا پیش از و مهنای سینه پیش از یحیی یا یحیی نام
 نداشت یحیی نکرد از نفس پیر حسینی و از بخت گفته اند

هست در خواب دیدن یحیی آیت زهد و غایت تقوی
 و رعیتی رسید بهیننده کار مرده برد شود زنده

و گویند مبارک دم و میمون قدم باشد و از علم طب نصیب
 تمام یا به و اگر در آن سعی کند نیک حاذق شود و مشکها
 بردست او آسان گردد و اَبْرَئِیْمُ الْاَلْکَمَ وَاَلَا بَرَصَ اُحْمٰی
 النّوْثَیْ باذن الله ترجمه ویر می کنیم تا بینا
 که در زاد از علت علایه او واک میبازم شخصی را
 که بعلت برص مبتلا شد و زنده میگردد و آن مردگان را

و گفته اند که او در همان سال بیچ مکرده نرسد و اگر مریم را بیند
 بعد از تحمل طالی بمرتبه جلال منتفی شود و اگر درین خواب حاتم
 بیند او را پسری بزرگوار سیح آثار آید بلی شاید که تهنیتی
 بروی دهند و برات ساعت رود و ظاهر شود و اگر بیند
 که مریم را سجده کرد از باد شاه عزت و حرمت بیند
 در حکایت آله و سنت که یکی از نصاری عیسی علیه السلام را
 در خواب دید در طوریکه وصیت میکرد و نصیحت میکرد
 که از ضلالت بگریزید و اضلال دیگران نکنید و باسقف
 گفت و تعبیر کرد که صاحب این خواب از غم خلاص
 شود و علی حسب استحقاق بشوکتی اختصاص
 یابد و اگر صاحب به بیند برکت تمام بحال و مال او برت
 کند و هیچ مفصلی متعزنی او نتواند شد و اگر دانیال علیه
 الصلوٰۃ والسلام را بیند بر علوم قادر شود و خاصه
 در علم تعبیر ما هر گردد و یا از حبساری ازیتی یا بر وجه
 و بعد از آن بر دے مستولی شود و انتقام کند و
 گفته اند هر که او را بیند مرتبه امارت یا منصب
 وزارت یابد و از ممر علوم فزواند بسیار بوی
 آید و در حکایت آمده که ابو عبید الله با هلی
 بحسب خواب دید که جد و انشیا علیہ الصلوٰۃ
 والسلام بر دوشش داشت و او را بر سینه
 دیوار دے نهاد و دے وزنه گردانیدی

و بادی هم سخن شدی نه بودی که ترا بشارت باد که
از حُسله ورثه انبیاء علیهم السلام خوابی
شد و یکی از ائمه اهل تعظیم با سب
و چنان شد و شخصی در معبری پیراهن درویشی
پوشید و شب دانیال علیه السلام را در خواب
دید که انگشتی پُر عسل در دهانش کرد چون بیدار
شد از عالم تعظیم حظ و بهره داشت چنانچه در آن
عهد اعبر بود و اگر حضرت خضر علیه السلام را در خواب بیند و را
موضع گرانے واقع شود و بعد از آن ارزانی شائع
گردد و کار دشوار بر و س آسان گردد و
اگر عزیر علیه السلام را در خواب بیند
در آن موضع همچنان گرانے شود و بعد
از آن ارزانی شائع گردد و امن و جمعیت
شمول یابد و اگر حضرت الیاس علیه
السلام را در خواب بیند کجب در است
و کیاست امامت و ریاست یابد و اگر ارمیا علیه السلام
را در خواب بیند آن موضع را از آتش خطر بود باید که
پر حذر باشد و اگر مصطفی صلی الله علیه و
سلم را در خواب بیند همان حسن صورت و کمال خلقت
که در سیرت نامه سبارکش مذکور است و میان علما و محدثین مشهور
از تمام شدت مانسرح یابد و از مجموعی بلا یا محفوظ

ماند و از درخ آسن شود بقوله عليه الصلوة والسلام
 من راني فلا يدخل النار ترجمه همه کس که
 دید مرا داخل نخواهد شد در آتش و عوام آن موضع از
 میا من این خواب مخطوط شوند که دمار سناک الارحمه
 للعالمین ترجمه و نفستادیم ما ترا ای محمد صلی الله
 علیه وسلم مگر بجاییشی مرا عالمیان را از تفسیر خفنی و
 اگر برخلاف این بیند دلالت بر ضعف آیه کند و بر آنکه ثبت
 را در آن موضع غلبه باشد خصوص که ادراک جائه نامناسب
 دیده باشد و اگر ادراک چنان بیند که در نقاست
 بود چنانکه بسیار در جبر باشد دلیل بر توبه اهل
 آن موضع شود و محققان گویند دیدن او صالح
 را بشارت باشد و طالح را نذارت که انا اهلنا
 شاید او مبشر او نذیر است ترجمه بدستی ما فرستادیم
 ترا گواه بر تصدیق و تکذیب امت و مرزده و سنده برمت
 و بیم کننده از عقوبت ما و این اصح اقوال
 و ادفع وجهه می توان بود و تتبع او دلیل
 استدا باشد و اتبعوه لعلکم تهتدون
 ترجمه پیرو کنید شما و را شاید که هدایت
 یابید و اگر دید که در حالتی که پیغمبر با خود
 سوار بود سواره بر و حله مبارکش بود
 و اگر پیاده او را دید پیاده رده و اگر دید که پیغمبر در خرابه

عینی صورت
 زیاده

بانگ ناز میگفت آن موضع آبادان شود که اذن فی
 الناس بطرح المیه ترجمه ونداده امی ابراهیم علیه السلام در بیان
 مردمان رنجوان ایشانرا بچ خانه خدای تعالی از تفسیر حسین
 چه یکو خراب بود و بمقدم مبارکش مردم در آن جمع شدند و
 عمارت کردند و اگر دید پیغمبر او را چینی واد بقدر آن چیزی بومی رسد
 که عبد الله بن ابی طالبی که یکی از افضل شعراب بود در خواب
 دید که پیغمبر او را قلمی دادی و فرمودی که بدان کتابت کن که امام خلق
 شوی چون بیدار شد اتفاق بی تعلیم علم مشغول شد و اقل
 آنکه تفسیر و اعلم علمای تفسیر گشت و یکی از اهل ثقه
 چنان دید که پیغمبر او را عصای داد و چون بیدار شد بر همان
 عهد خود غالب آمد و اگر دید و هر وی او چینی بخورد
 باید که زکاة دهد و اگر دید که فرزندی پیغمبر آن است دلالت بر
 تقواست او کند کل تقی آلی ترجمه یعنی هر چه پیغمبر کار آل
 من است و اگر دید که عضو از اعضای پیغمبر آن بود
 بود مبتدع باشد و گوشت آثار مبارک او همین اثر باشد
 و العبد علی الراوی بنا برین باید که بتوبه مشغول شود
 و اگر دید که از عنایت محبت خون پیغمبر سی
 میخورد و منزه شهید شود و اگر دید که با شکار
 حسود می خورد خون اهل بیت او نخورد با همه خون
 کنند و اگر کسی باشد که پیغمبر وفات
 یافته بود یکی از سادات با دیگر سب

از سالرا کابر اسلام وفات یابد و اگر دید که با پیغمبری
 در جنگ بود بواسطه ابدعت مصیبتی عظیم در آن موضع با
 واقع شود چنانچه واقع او بدان تازه گسرد و اگر
 دید که در تشنجه جنگ تازه پیغمبر بود تا او را دفن کردند
 در بدعت باز ماند و اگر دید که روضه مقدسه او را زیارت
 میکرد چنانچه تمام بوی رسد و در حکایت آمده
 که علی ابن عیسی گفت چون از وزارت مقتدر ممنوع
 شدم در خواب دیدم که بر دراز کوشی سوار بودم
 و پیغمبر علیه السلام را دیدم رعایت او داشته
 فرود آمدم فرمود که ارجع الی مکانک و چون بیدار شدم
 دگر باره وزیر شدم و منقول است از امیر المومنین
 حسین رضی الله تعالی عنه که از خواب بیدار شد
 و رفتی میفرمود و ام کلثوم صاحب منار و قرضی
 الله عنهما از مسووب آن پرسید فرمود
 که جب حنود را در خواب دیدم که میفرمود
 التبرعون السیر و المسنن یا تسرع بکم
 الی الجنة ترجمه ای شتابی میکنید در
 رفتن و حلال آنکه مدگس شتابی میکنند تسما
 بسوی جنت گفتیم ای پدر مرا بعد از ویت حات
 بر اجعت دنیا نیست فرمود و بدگ من الرحمن
 الی الدنيا و هی ساعتی لم یکذب فیها قمر جمعه ضرور است

براے تو از رجوع بطرف دنیا و آن ساعتی است
 کہ نیت در رد و رجوع گاہے و بعد از آنکہ نماز پیشین
 او افسر بود شهید شد و این دلیل می شود کہ اصح
 رویاے رویاے قیل و لعل است و ثابت است کہ ابو
 حنیفہ در سن طفولیت در قبر پیغمبر رفتی و متحوان مبارک
 او را جہنم کردی و بیرون آوردی و با این
 سیرین گفت او تعبیر گفت کہ علم پیغمبر صلی
 اللہ علیہ وسلم راجع گئی و احیای سنت او گئی
 چنین شد کہ نفعها اتفاق کردند کہ کل الناس فی الفقہ عیال
 ابی حنیفہ رضی اللہ عنہ یعنی ہمہ مردم در علم دین عیال ابی
 حنیفہ اند و ام الفضل با پیغمبر گفت چنان دیدم کہ پاره گوشت
 از اندام مبارک تو بریدہ شدی و در کنار من افتادی و فرمود
 خیر ایت انت لمد فاطمہ انشا اللہ علام فیوضع فی حجرک
 ترجمہ نیک خواب دیده تو خواهد زائید انشا اللہ فرزند پس
 نہادہ خواهد شد در کنار تو و حسین رضی اللہ عنہ وجود آمد و در
 کنار او پرورش یافت و زنی بخواب دید کہ پاره گوشت
 از اندام مبارک در خانہ کبودی با نخستہ صلی اللہ علیہ
 وسلم عرض داشت فرمود کہ فاطمہ را پس
 آید و تو مرضہ او سوگی حسین آورد و آن زن او را شیر داد
 و شخصی کہ در صحت اعتقاد او تردد دے
 بنود خواب دید کہ پای برادر مبارک پیغمبر خدا نہادہ از آن بیدار شد

تعلق و اضطرار و داشت عظیم و قصه
 با ابن سیرین باز را ندان و دے سوال
 نہ ہو و کہ شب با موزہ خفتہ بودے گفت
 بلی گفت کہ پسرون کن چون پسرون
 کرد در زیر پائے او در سے سکوک
 بود بدین لفظ کہ محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابیات

رشد او را فراید از اصحاب صدق و نیش بود علی التحقیق حکم او عدل باشد از سمیاب انس گیر بطاعت قرآن با سخا علم و پر دلی بیند بہت تعبیر خواب شان کردار اثری یابد از کمال بنی کہ دو نور آیدند ز الوار ش با عبادت بگوشہ نشیند بر ہمہ دشمنان شود ظاہر بہمہ دانشی شود رہبر بر کمال تو کلیست دلیل راضی آید با تقضای قضا کہ تقویٰ شد دلیل بر تقویٰ	و انکہ بیند صحابہ را در خواب گر خواب آیدش مثل صدیق در غم را بہ بیند اندر خواب و انکہ بیند خواب در عثمان و ر خواب اندرون علی بیند دیگران از مہاجرو انصار و انکہ بیند کی ز آل بنی خاصہ دو سبط نام بردارش زین عباد را اگر بیند و ر بیند محمد باقر و انکہ بیند خواب در جعفر موسی کاظم از رہ تادیل و انکہ بیند مثل علی رضا از تقویٰ دان طرارت معنی
--	---

حسن عسکری بلاق نزاکت
 و آنکه بیند یکی رچار امام
 مذہبش مذہب گزین باشد
 و ز مشایخ هر آنکه می بیند
 حکما گر بودند اسلامی
 است دیدارشان نگو نامی
 و هر چه از طوائف کلامه استماع نماید بعینه یا مثل آن
 مشاهده نم نماید چه در حکایت است که تابینای
 یکی از اولیای رادر خواب دید فرمود که میخواهی که ترا
 دعای تعالی بگویم کنسم که اگر بخوابی بینا شوی گفت
 بلی فرمود که بگو یا اسمع السامعین یا البصر
 الشاهرین و یا حنیف الرزاقین و یا ارحم الراحمین
 اشقنی و ارحم الی عیالی ترجمه ای شنوا
 تصویر شوندگان ای بینا ترین بینندگان و
 ای بهترین روزگار دهندگان ای
 مهربان ترین مهربانان شفا بخش
 مبرا و جسم کن بسوی عیال و
 من فقط چون بیدار شد بدان مواظبت
 نمود و بقدرت باری تعالی بینا
 شد و مثال این حکایت بسیار طول
 طویل است اما این مختصر زیاده ازین تحمل
 کنند از تعبیر نامه نوشتند فقط از کامل التفسیر است

یک مہدی نشان لطف خدا
 الہی یا بد از حلال حرام
 و جو ریح و آفسرین باشد
 سیرت او بطوح بگزیند
 است دیدارشان نگو نامی

ان سیرین رحمتہ اللہ علیہ گوید کہ مراتب پیغمبران
 علیہم السلام بر سه گونه است اول اولو العزم دوم
 مرسل اند سوم انبیا و پیغمبران اولی العزم شش از اول آدم
 دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد
 الرسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و مرسل آنها اند که جبریل
 علیہ السلام برایشان وحی آورد و ایشان سید و سید
 اند و اینها آن پیمبران اند که جبریل بایشان پیامد و هر که
 اولی العزم را بخواب بیند دلیل که عز و جلالت یابد و اگر
 مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد و اگر اهل امن وضع
 در غم و اندوه و سختی و ملامت باشند ایشان را بشارت
 بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر ببیند که میرا
 از جای نقل میگردند و بر اهل آن موضع دعای بد میگویند
 و نیل که خدا سے تعالی بلائی عظیم بر آن موضع فرستند
 مگر توبه کنند و بخدا سے تعالی باز گردند گریبان رحمت
 اللہ علیہ گوید هر چند مومن که پیا برے را در جائے
 خود تازه روئے و شادمان بیند دلیل عز و جاه
 و نفرت باشد و اگر از چیزے خشمگین بود دلیل بد حال
 در پنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزے
 شنود دلیل که از علم آن پیا بران بهره یابد
 و شادمان شود و اگر ببیند که پیا برے را بکشت
 دلیل است برین که حیانت کرده باشد

و مراد دل یابد اگر صالح علیه السلام را در خواب ببیند
 از جانی بجائے تخویل کند و در خبر بروی کشفاده شود
 ابراهیم علیه السلام را اگر ببیند حج اسلام بگذارد و بعضی
 از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز
 گویند که بدخوی کند با مادر و پدر اسمعیل علیه السلام را اگر در
 خواب ببیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالی و بشرناه بهی
 بنیامن الصالحین ترجمه و بشارت دادیم او را با اسحاق که همیشه باشد
 از نیکوکاران یعقوب علیه السلام را اگر خواب ببیند از قبل فرزند
 عیسی و اندوه خورد و عاقبت شرح یابد یوسف علیه السلام
 را اگر خواب ببیند خویشان بر کوهستان نهند و عاقبت بزرگی یابد
 شعیب علیه السلام را اگر ببیند خشم بروی غلبه کند و بعد از آن بزرگی
 طغر یابد موسی علیه السلام را اگر در خواب ببیند مبتلا گردد
 باهل و عیال و بعد از آن حالش نیکو شود و بر دشمن
 طغر یابد بقوله عزوجل و وهبنا له من رحمنا اخاه و مارون
 پناه ترجمه و تجدیدیم مراد را از رحمت خود برادرش مارون
 همیشه و بعضی معبران گویند که موسی علیه السلام بخواب دیدن پسر
 است که بادشاه در اند یار هلاک شود و اگر علیه السلام را اگر
 در خواب ببیند حق تعالی بزرگی و بادشاهی و نعمت و مال
 و جواهرش زیاده کند زکریا علیه السلام را اگر در
 خواب ببیند حق تعالی او را توفیق دهد و طاعت کی
 علیه السلام را اگر خواب ببیند حق تعالی او را توفیق دهد و در خبر

خضر علیه السلام را اگر در خواب پند سفری دراز گفت یا ایمنی در رزق عمر دراز یونس علیه السلام را اگر در خواب پند حق تعالی از غم یا نجاتش دید و تفسیر ج رساند و از تاریکی بردشنائی باز آرد ایوب علیه السلام را اگر در خواب پند کاک مرده بر وزنه گردد و توین طاعت و خیر یا بد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را خواب پند نظم نوح یا بد از جللی رنج و تاب همه حاجت او بر آرد خدا رماند نفلش خدای قدیر زدورش جدا جوگر کردن شود نراخی و از زانی آید بکار بگردند در ویش شوریده حال چنین کرده سر نه از اعیان که بنید مرا بر که اندر نام که شیطان بشکلم نیاید بدید نه بروی رسد در درج جهان بود سرخی اندران انجمن بپند نبی را تر مشرد خواب فتد شور بدعت دران مرز بار که جانی اذان داد خیر الانام شود جمله آاد و عشرت نشان	کسی گری را بپند خواب اگر دام دارد گزارد خدا وگر هست در بند زندان سیر اگر ترناکت مامون شود وگر قحط و تنگی است در روزگار چنین بعض گویند کار بابل چنین بوهریره نموده بیان که گفته محمد علیه السلام هانا که آنکس مرا حق بدید را بر که بنید خواب نهان عجب غیبت تاویل یار من کسی گریب سازی و اضطراب شود سستی دین از دشتکار شبی گریبند کسی در نام اگر در خرابی بود انکان
---	--

کسی را بخوابی که آید نلطف
 بسیار در اینک صدقه دهد
 در آنجا بپندنی را بخواب
 بار باب آنجای نعمت ندر آن
 خصوصاً که او را مسجد کسی
 گراز موی ترش یا که خشک
 عطا کرد و بپند نه خواب را
 بدین پادشاهش کامل شود
 چون پند رسول دل افروز را
 بدینسان که چار و غمناک است
 چنین گفت که مانی دین مقام
 بخواب اگر کسی ذات خیر البشر
 در آن موضع و اندان شهر و گاه
 رفاهت در آن موضع آید پدید
 و اگر بپندیش هست اندام کم
 همه مردم آنجا دلالت جست
 که نقصان اندام خیر البشر
 چنین این سیرین بگوید سخن
 چون ناقص نبی را بپند خواب
 که بپند محبوب حق را بخواب
 نیکان رساند بشارت چو عید

که چیزی میخورد خیر البشر
 ز کوییکه باید دهد و آرهد
 که بود در آنجا زرنج اضطراب
 بگردد چو اثمار در سبزه شاخ
 بپند نرزاید سعادت بسی
 که خلقش میرود آرزو شک
 ز جان برد هر پیش و تاب را
 از آن زینت و جاه حاصل شود
 خواب شب آن نیر ز رزرا
 همانا که دیش ضعیف است
 که باد ابر در رحمت حق بدام
 بپند بشهری که جائی دگر
 شود ناز و نعمت بر دم ندر آن
 بدشمن دهد فتح رب مجید
 ز اندام آن بادشاه و امم
 که باشند دین اسلام
 در اسلام نقصان بود سیر
 که رحمت بر دباد از دامن
 بپند نه نقصان دهد هیچ و تاب
 عبادت سرشان عرفان باب
 از آن چیزی نیک خواهد رسید

نماید به بد راه ترس اسکار
 بود ذات محبوبت بدیر
 کسی گنجش به بیند اگر
 فقیه جهان عابد حق پرست
 بدینگونه گوید که بیند اگر
 در آن شهر باشد ای در دوزخ
 و اگر دید اندر پس نتیش
 دلیل است از بدعت و هم هوا
 زیارت نمودن کسی که خواب
 و اگر دیدش انوش بر لب رود
 همان جعفر صادق و الکرام
 بگفتا که از دید پیغمبران
 بکیم رحمت است و دیم نعمت است
 بود پنجمین دولت و لنوائه
 سعادت بود و یقین بگیا
 نهیم جان نند افرات و سترس
 بآن سه دهم شهر بیدار نند
 گفت این سیرین رحمت است
 ز ندادست پیدا علامت بدو
 چنین گفت که زانی باکراد
 که صدیق سلطان تحقیق را

که گردوز قهر خدا رستگار
 بگفتار و مومن نذیر و بشیر
 بود خواب بد بهر رو با نگر
 که عبید الله ابن عباس است
 بر و با جنازه ز خیمه البشر
 شود بر نعل این سیدی پیچ
 همیرفت با کربت فرقتش
 بود مرغ نفسش روی هوا
 ز نال و ولایت شود کامیاب
 همانا که بیند ه کافر شود
 همایون نش آن امام همای
 بخوابست ده گنج شاهی نهان
 بزرگی سویم جاری عزت است
 ششم شد تلمذ عیش و عشرت
 به ششم چو جمعیت آمد عیان
 دهم خیمه سرد جهانست پس
 که بیند در روی خیمه خواب
 که صدیق را هر که بیند بجز آب
 کرم ناز و دهم کرامت بود
 که رودش نعل دوش و خشن و دشاد
 که بادا غریب میا خیمه

ع
 در شهر کربلا
 در شهر کربلا
 در شهر کربلا

بخواب اندرون هر که بنید چنین
 دلالت کند این چنین آشکار
 شود صدقه بسیار و بذل و زکوة
 ولی چون ببیند صدیق را
 ترش روی و بخوابش بیند کس
 عمر را چو ببند کس در مقام
 بالضاف دلش شود زنده خلوت
 بشهری ببیندش ز شادمان
 چو عثمان عفان و بجاه را
 ببیند بخواب اگر کسی اهل دین
 دلالت کند آنکه رویا نگر
 بشهرش ببیند اگر در طب
 علی را ببیند چو خندان بشاد
 شجاعت کرامت شود حاصلش
 بود چون بهاران خوش در چین
 بشهری اگر ببیندش جلوه گر
 ولی گاه که خلق را در میان
 بگفت این سیرین فرزند کام
 کسی را اگر از سخت فرزند تر
 بدین در زمانه بیکانه شود
 شود صادق القول در اهل دین

که زنده است در شهر آن شاه دین
 در آن شهر از مردم آن دیار
 فراید مگر حسن صوم و صلوت
 کشاد رخ و طبع عشرت فرا
 شود خواب را عکس نقیض پس
 که رضوان حق باد بروی مدام
 شود شنگان را از دمازه خلق
 شود عدل بالضاف پیدا اودان
 که روحش ز حق باد رضوان گرا
 شود از جمالش سعادت قرین
 بزهد و تقوی شود ره سپر
 بخواند قسر آن و علم و ادب
 که معبود از وی رضامنند باد
 شود نور عرفان و فروغ دلش
 بود شمع سان سرد را همچن
 بالضاف آن شهر گرد و سمر
 خصومت شود جلوه گر بی گمان
 بهار در بر و جیت حق مدام
 صحابه در آئیند اندر نظر
 با سلام شد و زمانه شود
 شود و دیانت اسیر گزین

که فرمود بالطف و خلق عظیم شود ز افتد اهر که شانرا بزند رسدش باز و بیدر و بیم فرح یابی جیسه در راحت تمام اگر انجام کارش شهادت بود که طیار آمد بخیل ملک شود گرم حج و خسترا بیگان با فعال سنت شود کامیاب ز حق علم دین و کتاب آیت و گران مسعود نیزان پرست شوی مجتهد در امور است دین ببرونی خود شوی کامیاب بیابی ز درگاه حق بی گمان شود در سرفتی دین از رفاه	که آمد حدیث رسول کریم که باران من انجم روشن اند بیا بدید نزدان ره مستقیم جو حسین را بینی مانند منام ولی ختم او بر سعادت شود همان جو عطر گرم سیر فلک بخوابش کسی گریه بند نهان اندر این ملک جو آید خواب جو سلمان فارس بخواب آیت جو عبداللہ ابن عباس مست جو آیند اینان بخوابت فرین نلال خورشید جو بینی بخواب نواب همه اهل بانگ اذان روی بر رکعت و اجتماع
--	--

فی الحکله دیدن باران رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم
در خواب دلیل خیر و منفعت دنیا و آخرت است
و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد در خواب ببیند
دلیل بر کارهای خیر و طاعت و تقوی باشد و علم حاصل کند و اگر از علما
و اشراف و اعیان و ارباب دین و علم و حکما و زهاد و اشراف و اعیان
در خواب ببیند که در محنتی گریه کرده و حکما جمع آمده
بودند دلیل بر آن شهر را نصرت باشد

بر جان بخت و کردار و امر و نهی منکر فائده
دیگر گفته اند در دیدن شکل انبیا علیهم السلام
در خواب هر که پیغمبر را در خواب ببیند از
همه نعمها این گردد و در مقصود خود برسد ان شاء الله
تعالی و نیز گفته اند هر که دیدار پیغمبران در خواب
ببیند زاهد گردد و در **منطق** از تعبیر تا

میان خواب خوشایند و ناخوش
بجور ان ارم و شاد باشی
ز مکرو مات عالم گسلی بند
جناب مصطفی را کرد و مرقوم
جماش در لباس نیک تمثال
شود هم نگدستی از گدا دور
بدان تعبیر نو خواب چنین را
جناب مصطفی با رنج و باتاب
شود دین محمد بی حمایت
که بر راه شریعت کس نپوید
دلیل رحمت و هم راحت آمد
علی و فاطمه شبیر و شبر
تمثال خواب پیغمبر همانا
دلیل اندان ز خیر و برکت خود
ببینی هست تعبیر آشکارا

پیغمبر را اگر بینی بناگاه
ز هر رنج و الم ازاد باشی
شوی ز ابدیقین دان امی فرزند
و گر تعبیر دان از علم معلوم
چو ببیند مصطفی را در کو حال
خلاص از رنج یا بد زود رنجور
بود منت فرخ آن سر زمین را
و گردل تنگ رنجورست در خواب
یقین دان کاندان شهر و ولایت
محب این چنین تعبیر گوید
ولی فی الجمله دیدار محمد
و گر بینی دل و جان میسبر
بود تعبیر آن نزد یک دانا
بزرگان و دیگر اصحاب و خوا
نخواب از انبیا و اولیای

اگر در حالت سسکو نمایند	بشکل و با جمال نیک آیند
ترا باشد و نیل نیک فی الحال	شرف یابی و جاه و غر و قبال
و گریه‌ی که ایشان خشمناک اند	و اگر در حالت بد در ملک اند
خلاف اولش تعبیر میدان	جنوع دیگر این تقریر میدان
برنجی کان بنی و آن ولی بود	بحال زندگی او را رسد رود
ولی آخر شود حالش کجوتر	بجنگ از دشمنان گردد مظهر
صوفیان صافی کیش صفا و شش را	شترده تازه و شتاقان همه تن
شوق و اشتیاق را بشارت بے اندازه	باو که نسیم عنبر شمیم
سحری چون صرصر از مهب رحمت الهی	محبوب مرعوب رسیده
تا پرده از عارض رشک آفتاب	دوست برکشید و باد صبا
فصل نامتکلم با بهتر از ناز آمده	تا کاف غنچه از روی گل برداشته
حشمت و جان عند لیبان شتاقان	و لیسان سرایا
اشتیاق را ممنون منت نمایان	و نوا سنج شکر بی پایان فرمایند
اعنی رساله مشرق دولت بیدار	و یاب ساقی شربت دیدار
من کل الوجوه مرتب گشته و بنام	نامی آقا س نامدار مرید
اگر سکندر آئینه خورشید رویان	عالم را طرح آینه استگند انداخته
ذات بابر کاتندگان حضور را	مرآت عروس مملکت قدوسیه
همیاد و موجد ساخته اگر در آئینه	سکندری جمال خیر خوبان روی
نماید دیدن مرآت پر جلال و	سبحانجل پر صفا تجلی حسن محبوب
مرعوب مقلب القلوب و الالبصار	بر چشم اولی الانظار
بصد الطاف و عطا کشف غطا میفرماید	اگر کسی در خاطر گرفت

آن صورت این معنی آن مجاز این حقیقت است جام جهان بین همچنین می رایش این ساغر محمدی چه مقدار و آن ساز فریاد باین قدر مستجاب ستاب معرفت چه فروغ انوار نظم کاین دو جهان قیمت بچرخ است پیش سلیمان گویا گشتی است شمس و قمر ازورش اندک نقش بود از پی حسب رسول از رخ دلدار کثید نقاب دلکش و موش برخی فرخی ماه ز چاه نقش قطره ابروی ممد و در رسول کریم لغت دیدار خورشید است باعث تنزل الف لام میم صحیف حجت همه لایب فیه هست عروس عدن ملک مس چشم ترا سرمد مازنغ داد اهل گنه را به نگاه است نواز بر همه عباد و همه عاصیان اهل گنه را گنمی از چه شاد داد رحمت محمود بچرخ برشته دور ز ما این شب ابدار کن	لنسخه اعمال تماشا دوست پیش زانینه اسکندری است جام جهان بین ز نقش یک هر گل از گلشن حسن و قبول هر عملی را که کنی زین کتاب دلبر و دلا بر جایون رخنه مهر دشی مهر از ان دره بسم الله الرحمن الرحیم سور احمد که گنج خداست قاست و زلف و دهن پریم خواتش هر دلی و هر فقیه ایکه وجود تو بود بجز انس حق چو تراره بجلوت کشاد پرده کش جلوه رحمت یار ترا که تویی فضل خدا بر جهان داد به عباد چو بر روی تو داد ای مدلی نیست و مکی قمر بهر خدا جلوه حصار کن
--	---

روز و ششم از رخ خود بر سرور
 اینک رستم بر زده کلکم کتاب
 یاد بطغرای قبولت قمرین
 چشم کشا و دل من شاد کن
 چشم تو کر صادق نماید برین
 بحر عطای تو بر آرد و خوشش
 بس که شود مین و سعادت فرا
 بعد از آن منسرخ و فیروزند
 کاهمه این نامه از و نامور
 منعم منسرخ ملک ملک جاه
 خیل مسلمان ز درش کامیاب
 خلق رسولش بدایم کرم
 واسطه لطف خدا بر جهان
 حضرت نواب جهان بجز وجود
 نام محمد بودش هم علی
 خان که با نام و راز پورست
 هست یمن دولت عالی جناب
 که به نظر صولت جلالت کند
 بار خدا یابی ذات بنی
 ناکه شد غرق بولش بده
 سین فراس از فرسوان بد

چیره شود تا شب بختم چوروز
 که تو بود مشرق صد آفتاب
 تا که بود رشک بهشت برین
 بر سر این نسخه من صادق کن
 مردم چشم است بعرض برین
 مین سعادت همه آید بچوش
 نسخه فرخنده شود چون هما
 با و ران نیرا و ج لبند
 شکر عطایش بدایم شکر
 حامی دین مصدر لطف اله
 بر فلک عشق بی آفتاب
 نافه مشک است به بیت الحرم
 ناب رحمت به علوم و بیان
 جود داری و ز وجودش وجود
 هر دو یکی گشت بنام ولی
 گوهر او را ز ازل جوهرست
 در همه ارباب کرم انتخاب
 شیر ملک طرح قرار افکند
 به کمالات و صفات بنی
 مین سعادت بچوش بده
 خاتم انگشت سلیمان بدو

در کف او تیغ جوهر شیر ساز
 مطیع انوار سیرال کرم
 نور رخ بک کج گشتش
 ختم شد برین اسم با جلالت
 ای فقیه ای تو نام نشان آفتاب
 در این گرد و دوزخ با برادر
 در کف طوبی چنانچه گشت
 مکتب تو در کتب سید عالم
 در شب و روز است در کتب بعضی
 در میان سبزه خان و فلک
 آنچه تو بدو دادی بهائی گشت
 در از ان کوی تو به صبا بخشی خلق
 بگرد و آفتابش روی تو چون شده
 کار بر صفا تو به ازین مرتبه و تحت
 شرح جنت تا به هر که باشد تمام
 دولت امان حسن تو بزرگ چندان
 پیش تو خیزد و خشان دره با قدرت
 ستر شهید نهایی بهست عصا زان
 ریخت زان صفا چون بهشت سلسل
 نوحی آنچه تو بدو فرست زنجیر
 هست در سودا که تو ای صفا

ای شاه دولت طراز
 شمع اسرار غفور ابریم
 بهشت تو تر کی در گشتش
 صل علی و علی آله
 در دوزخ و بهشت غرضان آفتاب
 در خواب باقی بگویم پس از آفتاب
 ای که هست از نام طشت زشت
 به نیمه روز و در بهستان آفتاب
 ای که در دوزخ است از آفتاب
 انیس عکس بهشت بهشت از آفتاب
 گشت چون خورشید گرد و چشم جان آفتاب
 انشوی تو بود و آسمان آفتاب
 موز تو شیرین است بر سر آفتاب
 در دوزخ و بهشت هم صفا آفتاب
 گشت به هر که بر تو از آفتاب
 ای که درین آینه در خلق خوان آفتاب
 حرم تو بهشت بهشت بهشت آفتاب
 ای که درین آینه در خلق خوان آفتاب
 ای که درین آینه در خلق خوان آفتاب
 ای که درین آینه در خلق خوان آفتاب
 ای که درین آینه در خلق خوان آفتاب
 ای که درین آینه در خلق خوان آفتاب

هر فغان تا شنیدنش تیغ روشن آمد	عاشق روی بود گشتنشان آفتاب
صبح صادق آمده شست غبار گری تو	فیض روی تو بهارستان آفتاب
گر کردی افتخار من نهان روی مدام	زود تر آفرشده ای دوزمان آفتاب
از کمال خویشی ای قله و کعبه بجاست	گر کند طوف ز منیت آسمان آفتاب
از وفور فیض عکس روی خوبت بوده اند	در طایف خاک کویت ناسخشان آفتاب
بادشاها که گشت تاب با شوق شبیه	گر کند روز سیاهم امتحان آفتاب
خبر رخ تو ای حالت شعله نور خدا	روز سازد گر شب ماه صبحشان آفتاب
اندخت روشن گرد دسترا چشم شبیه	روز سن تاریک اندر زمان آفتاب
آتش آیم کن در فرقت خود شعله زن	برنج زد و دوتا نزد دومان آفتاب
سینه در گریه عارض بغیرم افکنی	دوره ببردن بود کار عیان آفتاب
دل به یلوی غلی ای احمد علی حجاب	باد روشن از رخ خوبت بسان آفتاب
باد بر تو از علی هر وقت تسلیم و درود	تا زمان ماه تاب تا زمان آفتاب

دیگر

عاصیان کی سید خندند دست ایشان	ای نشان رخ نه لعل کیشان شما
مجنر عیسی است فیض لعل خند ایشان شما	آب حیوان قطره چاه ز کندان شما
از جمال شست روشن جلال این عالم که هست	خور ماه و هر فیض روی تابان شما
عروش عظم کسی کم یار از بزم حضور	یک نمونه باغ خلد از صحن ایوان شما
یوسف خالق شدی هر خطه می ماند از ان	چون زلفی لطف تو گشتو گریان شما
این نهال خشک امیدم سوزن کن	ابر حست هستی و فیض است بلبلان شما
ببچیان رب آب جان دلم بار رسول	موج نطق عیسوی ز آب حیوان شما
آتش غم را خنک کردم ز نور و ظلمت	میتوان شد گلشنی لیکن بغیران شما

چیت در میان جز نگارین
ای دل جهان دو عالم جز قربان شما
از کمال حسن و خوبی لنترا میزند
در نظر با سایه سرو خرامان شما
در نظر جم را نمی آرد و چشم شان خوش
میزند آنکس که بر شرب جام عرفا نشما
بر علی امی با حمد مرسل نگاه حتمی
کان سیه رو نیز هست از درویشان

قسم اول در آیات قرآنی و سورهای فانی که مفتاح
در گنج سعادت رویت رسول کریم علیه التحیة و التسلیم است
هر کس که خواند سوره کوثر را نه بار و خفت بعد خواندن آن با وضو
خواهد دید رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را از
مایه الفوائد و نیز از مجربات است ایضا اگر شوق لقای رسول
علیه التحیة و التسلیم دارد باید که اول دو رکعت نماز نفل بخواند بعد
از فاتحه آیت الکرسی سه بار و اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْکُوْثَرَ یَا زَیْدُ بار
بخواند و بعد از سلام آخوذ بالله من الشیطان الرجیم اللهم الرحمن
الرحیم اِنَّ اللهَ وَاَمَّا کَلِمَةٌ یَصْلُوْنَ عَلَی النَّبِیِّ اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا
صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیْمًا هفتاد بار بخواند بعد از صلوة
والسلام علیک یا سیدی یا رسول الله اول و آخر در و دو خواند
بار بخواند - از کتاب مجموعه وظایف نوشته شریک رحیم الله
الرحمن الرحیم خواند و بجای الحمد نام محمد گوید و تمام الحمد شریف
بخواند بدین طریق محمد بن عبد رب العالمین الرحمن الرحیم مالک
یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اِنْدِنَا الصَّلٰوةَ
المستقیمه اِنْدِنَا الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرَ الْمُعْصُوْبِ
عَلَیْهِمْ وَلَا اِنْدِنَا الَّذِیْنَ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ یعنی بجای آمین هم محمد رسول الله

صلی الله علیه وسلم گوید ہزار مرتبہ بخواند تا لکھ کند کہ زیادہ نشود بے چارہ و کمزور
 ان شاء الله تعالی محمد رسول الله صلی الله تعالی علیہ وآلہ وسلم
 را آشکارا بنید اما ثستہ بخواند از مصالح الطالبین نوشتہ شد
 دیگر از ہین کتاب مستطاب اگر کسی خواہد حضرت رسالت مآب
 صلی الله تعالی علیہ وآلہ وسلم را در خواب بیند باید کہ در شب
 اول جمعہ ماہ رمضان المبارک غسل کین و جامہ پاک پوشد
 و بعد از نماز خفتن و موازہ رکعت نماز بخواند در ہر رکعت بعد
 از سورۃ فاتحہ سورہ منزل کی بار بخواند پس ازان ہزار بار در دست
 بخواند و خواب رود در خواب بیند آنچه کہ مطلوب اوست
 دیگر از ہین کتاب ہر کہ سورہ کوثر در شب جمعہ ہزار بار بخواند و
 بوضو در خواب رود بشرطیکہ طعام حلال خورده باشد بنی علیہ السلام
 را در خواب بیند دیگر ہر کہ خواند در نصف شب جمعہ سورہ القدر
 ہزار مرتبہ پس بخفت با وضو خواہد دید رسول صلی الله علیہ وآلہ وسلم
 را در خواب خویش و حاصل خواہد شد کل مقصود او
 از مجموعہ دعای مغنی و دعای سیفہ نوشتہ شد
 دیگر شیخ احمد بن ابی بکر بن محمد رداد صوفی محدث
 در کتاب خود از شیخ محمد الدین فیروز آبادیہ
 با سندی کہ او راست روایت میکند روی آورد
 کہ اقلیت گفتہ است کہ روزیہ شب ہر ابو بکر مجاہد
 آمد ابو بکر بجهت اکرام او بر پایہ البتاد و با وی
 معانف کرد و میان ہر دو چشم او پوسہ

الحمد لله
 ان شاء الله
 من سورہ قمرانی
 بنی بکر مجاہد
 در کتاب خود

بوسه بداد من گفتم یا سیدی این را بشبلی میکنی و
 حال آنکه تو هر سه که در بغداد او است میگوید که وی
 مجنون است گفت من نکردم مگر آنچه از پیغمبر صلی الله
 علیه وآله وسلم دیدم یعنی در خواب می بینم که شبلی پیش او
 صلی الله علیه وآله وسلم بآمدن او بایستاد و او را در کنار گرفته
 و میان سر و چشم او بوسه داد پس به گفتم که یا رسول الله
 صلی الله علیه وآله وسلم این را شبلی میکنی فرمود نعم وی بعد
 از نماز این آیه بخواند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِثْلُ
 نَفْسِكُمْ عَلَيْكُمْ تَقَرُّوْنَ بِرُؤُوفِ الْكَرِيمِ فَإِنْ
 تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و عقب آن این صلوة بر من می فرستد اللَّهُمَّ
 صلی علی محمد و علی آل محمد علما السموات و الارض و ملائکة
 العظیم - از کتاب وسیلة النجات دیگر هر که خواهد حضرت
 رسالت مآب صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بیند سوره
 انا انزلناه است و یکبار بخواند - از کتاب اسرار رخی
 دیگر از ابن عباس رضی الله عنه آورده که هر که خواند قل
 هو الله احد در شبی هزار بار خواهد دید رسول خدا صلی الله
 علیه وآله وسلم را در خواب بزرگتر از اسرار رخی - ایضا از
 حضرت عباس رضی الله عنه منقول است هر که خواهد مجال
 جهان آرا می صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بیند پنجاه
 و پنج آیت مستبر آن شریف بخواند آغاز از سوره فاتحه

کند و اتمام بر سوره مزمل است بدین معنی اذل سوره فاطمه
که هفت آیت است بخواند بعد از آن بسم الله و شریف
دیگر از قرآن شریف هر چه بخواند بعد از آن سوره
مزل را که بسم الله است که جمله پنجاه و پنج آیه شدند در
شب جمعه پنجاه بخواند و با وضو و سوره بسم الله در آن شب
سید عالم صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب بیند - از امرار خنی
ایضا اگر صد نوبت آینه آکری را در آن شب جمع بخواند
و اذل و آخر در دوشریف منم گرداند بحال ناکمال نیند
عالم صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شود - از امرار خنی
ایضا هر که سوره سج اسم ربک الاعلی را در آن شب بخواند
بروز شنبه پنجاه کرت بخواند حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب بیند - از امرار خنی
ایضا در شب شنبه غسل کند و هفتاد بار سوره البقرة را
بهند البقرة تا آخر بخواند بحال جهان آرا محمدی صلی الله علیه
و آله و سلم در خواب سر فراز و مشرف گردد - از نسخ مذکور
ایضا هر که سوره از اجاز نظر الله را در شب ده بار بخواند
منازنین شود و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را
در خواب بیند - از امرار خنی ایضا هر گاه اراده کنی این که
ببینی صلی الله علیه و آله و سلم را بخوان در دوی سوی اسما
پدار و در دگوبان در خواب برویشک مشرف روت
محمدی صلی الله علیه و آله و سلم مشرف گردد بعضی کارها را در

[illegible]

حلال فقرار اصدقه و در هر شب غسل کند و جامه پاک بپوشد
 و روزه دارد و افطار از ثروت حلال کند و هر روز بعبادت و رخصه
 این ده سوره بخواند و ثواب این بر روح و جانش سید عالم صلی الله
 و آله وسلم را برساند سوره طه سوره یسین سوره دخسان
 سوره فتح سوره و البقره سوره اصف سوره جده سوره ملک
 سوره نمل و کرم یکن الذین کفروا و هر شب دو رکعت
 نماز بگذارد و در هر رکعت بعد فاتحه سوره و الحمد
 سه بار و سوره الم نشرح هفت بار بخواند بعد در خانه
 خالی یا در مسجد سیصد بار این سنوّه بگوید اللهم صل
 علی محمد و علی محمد و صل علی محمد من لم یصل علی محمد و علی محمد
 محمد کما أمرت با لعنوه علیه و صل علی محمد کما یبغی العساق
 علیه و صل علی محمد کما یحب و رضی عن فیصل علیه و یحسان
 ربه و صلی شسته باشد که جمال با کمال آن حضرت
 صلی الله علیه و آله وسلم در واقع بنید و سه چه عرض باشد
 عرض دارد و خطاب مستطاب مشرف شود و با شارت
 بشارت آئین مشرف گردد و عینه ابدی و دولت سرمد
 رسد باید که بتقری و صلاح سعی نماید - از اسرار خفی - دیگر
 هر که سوره اذاجا نفس الله تا آخر هر شبی و بار بار یاری عسود
 خواند آن بجزاب ردد بیشک سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم را
 در خواب بیند سازد خفی - دیگر هر که در شب جمعه این آیه را
 یک هزار و یک نوبت بخواند امید است که سید عالم صلی الله علیه

و آله و سلم را بهدر آن حسب بخواب چند قسم است از حسن الیم
و اذین آمر می آید الی الله ان الله یحب من یحب الله و یحب
الله صل علی محمد و عابدک و رتبتک البقیة الامم
و عکلی آله و بارک و سلم - از اسرار خفی -
قسم دیگر اعمال رویت شریف که بگوید
ارشاد فیض نبی در رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
و اوراد فرموده صحابه رضی الله عنهم که اینها اگر طالب
فائز البرام شده اند و اوراد در دست شریف که مصدر
همین معنی بقیه شش و صورت و نگارش است از مرقعات
شاه کلیم الله صاحب از ثوبان مولی البقیة صلی الله علیه
و آله و سلم منقولست که گفت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
هر که این کلمات وقت خفتن گوید مرا در خواب بنید اللهم رتبت البقیة
اشحایم و الرکن و المقام اقر روح محمدی و السلام و دیگر در وقت
بخواند و در رکعت و در هر دو رکعت آیه الکرسی یکبار و سوره بقره
یا زده بار بخواند و بعد از سلام با حضور قلب ستر ابرار
بخواند صلی الله علی البقیة الامم آنحضرت صلی الله علیه و آله
و آله و سلم را در خواب بنید و مغفور شود و عذاب
نیر مرئوم گردد و سختی روز قیامت تخفیف رسد و اگر
سوت آسان شود و دعای او مستجاب شود و جنت یابد
از اسرار خفی - دیگر میگویند که بهیاب صحابی بود شریف السلام
نیافته بود و شتاق آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم

بود و چاره آن نداشت الا را این دعا یاد نموده
تا بمطلب فایز آید - اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْ
السَّكْرَ مِنْ السَّمَاءِ وَ رَيِّحِيْ بِهَا الْاَرْضَ وَ اسْقِنِيْ بِهَا
الْعَبَاةَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَشْفِيْ بِكَ اِلَى مُحَمَّدٍ وَ طَلَبِ
طَالِ بْنِ اَبِي اَللّٰثِمِ فَادْخِلْنِيْ وَ مَنْ عَلَيَّ نَظَرٌ وَ جِهَةٌ
صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْكَ وَ سَلِّمْ تَرْجَمَهُ دَرْ فَاَرْسِيْ
بِاَلَدٍ نَّازِلٍ سَكَنِيْ بَارَانَ رَا اَزْ اَسْمَانٍ تَا كَهْ زَمَنِهِ
شُدْ دِيَّانِ زَمِيْنِ رَا سِرَابِ سِيْكَرْدَانِيْ بَدَانِ بَنِيْكَانِ
خُو در اَزْ خَلْقِ خُویش يَا اللّٰهُ سَخِّفْ شِدْتَ كَرْدَشُو
مِنْ طَرَفِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَسَلِّمْ وَاَطْوِلْ شَبَابَهُ
اَنْدُوهِنْ يَا اللّٰهُ سِرِّ رَحْمَ كُنْ بَرِّمِنْ وَاِحْسَانِ كُنْ بَرِّمِنْ اَرْطَفْ
كَرْدَنْ بَرِّ رُوْنِيْ اَوْ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَسَلِّمْ - فقط و تفصیل
این اجمال آنکه در معارج البشوت از انس بن مالک
رضی اللہ تعالی عنہ می آید که در زبان حضرت رسالت بنابه
صلی اللہ علیہ وسلم مردمی بود از علماء یهود و اخبار ایشان جلیب نام
و پسری داشت شمی به بهاب در این فرزند را حسن صفت
و کمال سیرت چون بود و هم بخلق بس در آن خویش نفوذ داشت روزی
در خانه پدر خویش درآمد و میبست و پدر از زر سرخ مهری
از شک برده نهاده تا کسی به او بچند درو بست مطلع
نگردد پسر غضبناک از آن جابری آمد چون پدر او را
خشمگین دید کیفیت احوال سوال کرد و گفت ای پدر

در جی دیدم مقفل و مدتیست که با وجود دعوی محبت
و کمال شرافت بمنبت با من مرا آنچه در دست واقف
نکردی و از من پوشیده داشتی پدر گفت ای فرزند
سوگند خدای که در آن درج نه جواهر است قیمتی که
آنها از تو دریغ دارم و لیکن ورقی چندانست در وی
نام اعرابی کند ابی مثبت ساخته چون ترا مجالست
علما و نقیض کلمات حکما میسر گردد بر مطالع آن تمکین
حال آید برین معنی آن هنگام واقف گردی سبب افتاد
آن از تو همین بود است و روزی که جلیب به شدت
خمر مشغول بود به باب فرصت غنیمت داشت چراغ
در دست کرده در خانه پدر درآمد و از آن درج برآید
و چون سر آن درج بگشاد نور که از آن ساظم شد
که بر نور چراغ فائق تر آمد بعد از آن دید در وی در
سفید در وی کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله نوشته
و بعد از آن اوصاف حضرت محمدی صلی الله علیه و سلم
در ذیل آن ثبت ساخته که این محمد کشاده روی و پیوسته
ابر و کیفیت اللحمیه باشد خوشا حال آنکس که زمان او را
در یابد و کلام او را استماع نماید و حال آنکه
کلام وی قرآن است و دین او اسلام و بندگان را
بخدا می خواند و از ملامت کنندگان نه ترسد چون نظر
به باب بر آن کتاب افتاد محبت محمدی صلی الله علیه و سلم

در صعب را و دشمن گشت و آن درق بر سر دیده مالیده و بوی
بروی میداد و میگفت و الحمد لله ای کاش بدانم که در آسمان
یا فرشتگان یا در بजार یا بنیان ناله و زاری و اظهار سوگاری چند
نمود که از هوش خودش بعد از فرصتی مادر درآمد و فرزند را
در هوش دید و از او برگرفته پیش پدر رسانید چون پدر سپید را
به آن حال دید و کیفیت مستی در وی متاثر گشته و دست
در روی وی مالیدن گرفت و بوسه بر سبیل و وی سید او
دیگر نیست و بر غشیان سر زنده اظهار تحسیر و تحزن می نمود
تا بعد از آنکه فرزند هوشش آمد پدر را بر بالین خویش بخوابانید
و غمگین دید زبان بغیرین وی برگشاد و گفت هرگز روشنی
نمی بیند و در کبر سن خویش بر حجت الهی جیل و علامت شرف نگردی
باشد که مرا تعلیم کنز میکنی به محمد علیه السلام و از متابعت شریعت
مستغنی نیامی چون پدر این سخن را شنید غضب بردی استیلا یافت
باید او ضرب فرزند پر داخت و موی سردی گرفته سرش بر زمین زد
و خاک بر بین وی می افشاند چون ایذائی داشت از او بدرجه اعلی رسید
می بران خطب و کعب بن اشرف و ابولبابه از برای شفقت بخاک
فرزند جلیب درآمد و چون بالغه او در این افسوس زنده دیدند
او را خبر افت نسبت نمودند هر چند از آن کار منع
کردند او در تعذیب فرزند حسرتی ترمی شد آنجا عت
از گناه فرزند سوال کردند گفت گناه او مستوجب
قتل است و تا او را نکشیم دست از وی باز نخواهیم داشت

بعد از آن گفت که وی به محمد ایسان آورده و دین آریا را
و احمد از خویشش همچو گروانیه ایشان زبان نصیحت
عزیزند بکشت اوند و گفتند ای فرزندان دین و ملت
از ما تعلیم میگيرند و خلیق با سیرم اقتدا بمانند
روا باشد که ترک متابعت ما نموده و پیغمبر بجهل
اختیار کنی و طریقه مریضه مار را بگذاری بسیار گفت
که من از طریقه معویه و شریعت هند سوجه انفس را
نموده و دین تویم و طریقت مستقیم محمد می صلی الله علیه
و آله وسلم اختیار کرده ام و بان حضرت ایسان آورده چنانکه
که ایشان بنمایان شیطانیه با و اقبال نمودند از قبول
آن که بانی آورده تا شیخ یهود برین معنی اتفاق نمودند
که چون نشود نمای وی نیاز و نعم بنفسم رسید
و در مصائب و حوادث روزگار گرم و سرد و حبابان
نفیده لاجرم به نصیحت اشترجار نمی پذیرد و تدبیر
ایمن بهم چنان بنماید که او را از مراد است و دست هر دو
تمام باز داری بقانون ریاضت و صنوف مجاهداتش تسخیر
تا از محمد و دین او بترانده و سر هر خط استقامت نهاد و قدر دین
ابا و احمد را بداند و با از حد گشایش زندگندارد حلیه گفت که طریق
ریاضت و سبیل تعذیب وی بر چه منزلت خواهد بود گفتند لباسهای غار
از پیرا و پیرون کن و پلاهی در وی بپوشان و او را در خانه
تا یک مجسمه سس گردان و در خانه را بکمال کسوت و کرم

هر سه روز یک نان جوین ده و کوزه آب
 شور با نمک روزن با دوی فسرست تا قدر تنهات
 و تکلیفات دانسته ضرر را تا نفس بران قیام نماید و آنچه
 کرده است بکلی از دست بردارد و جلیب برای آن
 ناشایسته را هواب و سخن دانسته آن فقیر و مظلوم را
 در زاویه خانه مطلقه بقتل گردانید و آنچه آن یهود حسود
 خورون تعیین نموده بودند و طیفه او را مقرر ساخته آن
 بیچاره که بان نان و آب خوی نداشت با وجود مجامعت از غم
 و آشامیدن آن عاصبه آمده بگریست روزی پدری
 او را گریان دیده از دوی پرسید اگر از دین محبت
 ملول گشته بدین قدیم خویش مایل گشته تنبیه کن گفت
 ای پدر گمان کن بر که این گریه من از نان
 خشک و آب طعاست بلکه از اشتیاق دیدار محمد
 است علیه الصلوٰه والسلام پدر باز بچشم سو که
 گردانید که ترا با این گونه عذاب سبب بدارم
 تا از دین محمد اخراج نموده بدین بیوهی الضمه اف
 نه ای شهاب گفت بهیات بهیات و تکرر سخن
 حُشْبَ مُحَمَّدٍ فِی قَلْبِی فَلَا اسْتَطِیْعُ اَنْ اَبْرَأَ مِنْهُ بِدَرَسِی
 مهر و محبت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بر تنه در صمیم من را سنخ گشته که
 از این تبراتوان نمود بیت محبت تو چنان رفت است
 در گریه پست و که روز مرگ هم از استخوان نخواهد رفت

المقصود چون اشتداد ریاضت و مجاہدت نہایت رسید حضرت بقدر
 نبوی را رسول اللہ صلی اللہ علیہ تعالیٰ واکہ کلام شفیق شست
 و از و اسب العطایات حبیل ذکر و سہ چہرہ مسالت
 سفودہ این دعای بر زبان راند اللہم بحق علی محمد
 و بحق محمد علیک طیب لی فی طعامی و اعذب لی شرابی
 و اضی لی فی ظلمتی ترجمہ ای خدائی سزائی پرستش
 بحق محمد کہ طعام مرا خوش و آب مرا شیرین و ظلمت
 مرا نورانی گردان حق سبحانہ و تعالیٰ مسالت اورا
 مندول داشتہ ہر چہ خواستہ بود مقرون باجابت
 گشتہ تا گویند کہ چندین سال برین و تیسرہ گزشت
 تا آن حضرت از مکہ مبدا مینہ طحجہرت فرسود و این خبر
 در میان یہود منتشر گشت جلیب بعضی از رعایہ
 و غلامان خود را طلبید و تسلیق بعنق آن سوزد
 اگر آنچه شما را فرمایم بنقد تم رسانند از مال
 من از ادب باشید تلقین بقول او سوزدہ گفتند
 سرچہ فرمائی بالراس و العین بجان بدان قیام نہایت
 گفت کہ این بہباب کہ فرزند منست اما از وی
 نیز اریم سیخو اہیم کہ اورا با خود بصبحہ بیرون برد و بکشت
 کہ ازان دشوار تر نیست با و فرمایند و بعد ازان غلی برگردن
 دی نہادہ و زنجیر در پای دی داد و را بغلان سپردہ
 تا اورا شبانی فسر نمایند تا است روز گوسفندان بچراشد

و شب تاب بر زیا سبانی میکرد و او را بکارهای دشوار
 تکلیف نمیشودند ثقلست که ششی بود و السلام
 و ابتر سیره بر زیر یک یک دیگر ترکم باران متقاطعه و اوقی
 متواتر نار اشتیاق جمال محمدی در کانون سینه آن فرزند
 شعل گشته دگر زوی دیدار آنحضرت در ضمیر منیر او شعل
 آمد روی نیاز بجانب قدس الهی آورد و عرض اشتیاق
 بملاقات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم
 کرد و این نیاز مند معروف و مدامت اللهم انت قد انت انت
 من السماء تنحی به الارض و تنقی به العباد من خلقك اللهم
 انه قد شئت شوقی الی محمد و طالع حسنی اللهم فارحنی و من
 علی من نظیر علی وجهه و سلمی الله علیه و آله و سلم یعنی امی خدای
 تو میفرستی باران از آسمان تا زمین را بآن
 زنده گردانی و بندگان خود را آب دهی ای بار خدایند
 که شوق بدیدار محمد صلی الله علیه و آله و سلم
 دستم داد یافت و اندوه من در از کشیده خدا
 یا بر من رسم کن و منت بر جان من نهاده و دیده
 من به پیش آمده و دیدار آن حضرت مشرف به
 گردان آورده اند که چون این دعا بر زبان راند
 آن غل از گرون و می نشست و روز بخیر از بای و می
 بکسرت و با شارت نهیسان عینی روی محبوب
 مدینه منوره نهاد و شاد و فرسنگ روان شد

گویند از آن مقام تا بدین شتاب و فرسنگ بود حق تعالی زمین را
از برای وی در نور دیده تا صبح که اعلام زرفشان و ریایات
نور افشان خورشید بشید و این سرای پرده لاجوردی
قام بر بام چهار اشام اجرام بر افراشت بهیاب بر در
حجره عمارین و ائمه انصاری رسید سر نیز انوی تفکر منشست
و غنیه اند که این بجا است و این سر منزل چه جای است
عمار چون از خانه بسروان آمد جوانی دید دل شکسته
و سر نیز انوی منشست از وی استفسار احوال نموده
گفت ای پدر بیت سر غنیهست که پیدا نمیتوانم کرده حکایت مثل
شیدر نمیتوانم کرده عمار گفت ای جوان ترا سوگواری هم بد
محمد که مرا از حال خود خبر دار کردی بآن مقدار که توانم و ترفیه خاطر
بگو ششم و آنچه آشکارا گردانی است از تو نوشتم چون جوان
نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشنید زار زار بگریست گفت
ای عسریز تو دیدار محمد را چه چشم دید عمار گفت آری
گفت ای محمد که نزدیک من آئی چون عمار پیش میاید بر خاک
و روی بر دیده عمار مالیدن گرفت و بوسه بر چشم میزد
و میگفت که جان من فدای ای پدیده که بدیدار محمد مشورت گشته
و سر بر پائی پسندیده که در راه محمد قدمی بر گرفته بیت
جان فدای تو که هم جانی و هم جانی شد سر بر پائی تو و گرنه من و تو
سرری از سرگویی تو نخواهم برخاسته کار دشوار نمیزد برین سیاست
خانه را طاقت پروانه پر نیست چنانکه نازکان باشد بود طاقت جان و دانی

چون عمار از آن فرزند ارجمند از خلوص عقیده مشاهد کرد دست
 شفقت از آستین رحمت برون آورده در گردن مرا نقش
 در آورده و او را بنوازشهای مشفقانه بخواست و گفت
 ای فرزند اگر چه هست ضعیف است اما عقلت کبیر است
 مستای آن داری که بلاقات آنحضرت منعقد گردست
 گفت **س** چه خوش باشد که بعد از انتظار با بیداری
 امید داری - عمار دست آن یار گرفت و او را بصحبت حضرت سید
 صلی الله علیه و آله وسلم رسانید چون نظر به باب بر حسیال با کمال
 محمدی افتادند انست که بکدام زبان شکر گذاری نعمت حاصل
 گوید و بجه عبارت حمد حضرت ذوالجلال بتقدیم رساند **س**
 خواهیم این نقطه که شتاق بیاری برسد | آرزو مند نگاری به نگاری برسد
 نسبت گل شناسد مگر آن مرغ اسیر | که خزان دیده بود بین بهاری برسد
 عزت وصل نداند مگر آن سوخته | که پس از دوری بسیار بیاری برسد
 چون طالب مطلوب رسید و عاشق جمال معشوق بدیدنی الحال
 خبر نیل این از نزد حضرت رب العالمین جل و علا در رسید
 گفت با محمد رب العزت یقینک السلام و هو بقول احب
 بهیچ با قدیم یک و لم ترفی استک نشد و هو کما یوب
 فی الانبیاء صلوة الله و سلامه علیه اجمعین ای محمد رب العزة
 ترا سلام میرساند و میبخشد مایه بهیاب را دوست دار
 بدستی که از راه دوست بیدار و در میان است خود چون
 او عاشق دیگر نمی یابی که در طریق عشق و محبت تو ملاست و

خواست بسیار کشیده و در بلا و سختی تو طریق ایوب
صبر و زنده و اهل اشارت در کلمه احب بهب با فانیست
یجک سیکونید که دلیل است بر آن که محبت عاشق سبب
مرحبت معشوق را بلکه محبت محب علامت محبت محبوبست
که تا از آن جانب محبت تحقق نپذیرفت ازین جانب ظهور نمون چنانچه
حضرت مولوی قدس سره در مشقوی مشقوی است

گر نه مشقوش بود جو یائی او
عشقی معشوقان خوش و زبه کند
اندر آن دل دستی میدان که است
ست حق را بیگمانی مهر تو
از یکی دستی تویی دستی دگر
آب هم نالد که گو آن آبجوار
ما از آن اودادم از آن ما
کرده مارا عاشقان یکدگر
عاقبت مارا بدین شد بهر است
عشق انتظار با برار خداست
چون عشق آیم محفل باشم از آن
مگر ایت بابت و رخ متاب

هیچ عاشق خود نباشد عشق جو
لیک عشقی عاشقان تن زه کند
چون درین دل برق مهر دست
در دل تو مهر حق چون شد دو تو
هیچ مانک گفت زدن ناید بدر
نشسته می نالد که سی آب گوار
جذب است این عطش در جان ما
کلمه حق در قضا و در قدر
عاشقی گر این سر و گران است
ملت عاشق ز ملت ها جداست
هر چه گویم عشق را شرح و بیان
آفتاب آمد دلیل از آفتاب

و بیکر اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم اللهم صل
علی محمد ما عندک من العبد و فی کل لحظه و لحظه
من انما نزل و سلم

لبشب جمعه در مکان مصفی خوشبو مالیده بخور سوخته
 و مکان و مصلای حجامه و پارچه معطر کرده بر جموع
 دل پالنده بار بخواند ان شاء الله تعالی بزیارت اسرار
 کائنات علیه التحفه و التسلیمات مشرف شود لیکن
 احتیاطا جلای و جمالی نماید و در جلای است از کاشف الستر
 جلای چون گوشت و ماهی و پیضه و عسل و مشک و صندل
 صندل و پوشیدن کنش و موزه و شانه شاخ و جماع
 و جمالی چون روغن و شیر و جغرات و جنس آنها
 و سرکه و نمک و عسل و خرم و عسل و مسکه و قند و مکررات
 چون مساس کردن سیر و پیاز و گندنا و انگوزه و غنچه
 و نقرهات احوالی چون آراستگی ریش و خلق سر و کشتن
 جانور و جابه بی و دهنه پوشیدن اگر شش طی الزامی شود
 فوط شود در اجابت تاجیه افند فقط و دیگر از شرح الوداع
 طریقه صلوة عبده نصیبت آن از حضرت عمر و
 علی رضی الله تعالی عنهما می آرند بحجت رویت پیغمبر
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در خواب صلوة
 سه بار رکعت بگذارد سلام و الحمد للہ روز
 باشد بدو سلام و اگر شب باشد در هر
 رکعت بعد از نماز اما آن که بخواهد در سجده
 الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر
 و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم

یا زاده بار و سرتبه و در رکوع بعد تسبیح مفتاح دوده
مرتبه و در قوسه ششم مرتبه و در سجده بعد از تسبیح پنج بار
کلمه مذکور گوید و در جلبه چپین نیست و در سجده
دوم و چپین بعد از تسبیح هفتاد و پنج مرتبه کلمه مذکور گوید
همین طور چهار رکعت ادا کند چون فارغ از نماز شود سخن
نگوید تا سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه ده مرتبه
بخواند بعد تسبیح سید کوریشی ده بار گوید و یکبار
گوید حسبی الله تحت لواءه علیه وسلم عتباتنا هو
الکرم دیگر در قول بیع میگوید مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
فرمود هر که خواب را در خواب بیند پس این درود بعد از طهارت
گوید و در عدد طاق بهتر است که یکبار در یکبار بگوید و در عدد
و یکبار یا یکصد و یک بار بخواند اللهم صل علی محمد و آل
محمد ان تصبی علیک اللهم صل علی محمد و آل محمد
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ترضی عنی اللهم
صل علی روح محمد فی الارواح اللهم صل
صل علی جسد محمد فی الاجساد اللهم صل
علی قبر محمد فی القبرین پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم
را در خواب بیند ایضا گفت شیخ الدلیل سید
محمد رفیع در عنوان که بر این روایت است
حضرت سید الرسل صلی الله علیه و سلم
علیه و آله و از واجب و سلم هر سه درود

بِیْنِی اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّیْ عَلَیْکَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا مَوَّاهُ اَکْبَرُ وَاللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ
مُحَمَّدٍ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰهُ لَکَ مَهْمَتَا دَرْتَبَتِهِ بَخَوَانَد و بَا یکصد
مرتبه و بامقصد مرتبه در شب جمعه و گفته شده که در شب
دوشنبه سبادت رویت شریف مستجاب شود البتّه
و دیگر از کتاب وظایف خاصه باید که وقت خواندن
با ادب و با خلص توجه شده خوانند اول این درود
شریف یکصد بار خوانند اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰی سَیِّدِنَا
مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی اٰلِهِ وَآرَاجِهِ وَذُرِّیَّاتِهِ وَآهْلِ بَیْتِهِ
وَاصْحَابِهِ اَجْمَعِیْنَ اَفْضَلُ الصَّلٰوةِ وَالتَّلِیْمِ وَبَارِکْ
و انعم علیهم و تصور کنند که یک تخت است
بساحت چهار ورعه و سر برج است و یک در
پار بالا بلند است و آن تخت از فضه است همگسان
که داخل در و داند بر آن تخت حبوس نه ساند
و لباس همه از رین است چون در و یکصد بار
ختم شود بر دوست خود سپانین و با سکر
یعنی کهنای و انگشت های هر دو دست
با هم مطابق سازند و ز انگشت هر را
با داند و ز انگشت هر دست بر
دست دیگر باشد و این دعا را یکصد بار خوانند

بایعت رسول الله علی ان لا اشرك بالله شیئا ولا
اسرق ولا ازنی ولا اسبل ولا اقتل ولا افتری بیهتان فترقیه
بین یدی ورجلی ولا اعفی فی سر و ف منکر
بایعت رسول الله علی خمس شهادة اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة
وايتاء الزکوة و صوم رمضان وحج البيت
ان استطاع الیہ سبیلا و دست برد
شدن صرف در خواندن این دعا است
نه وقت خواندن این دعا باز درود مسطور
یک صد بار خوانند فقط و سیم در اینجا بر صلی
بر پهلوی راست بخشد زیارت حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم میسر شود احبارت از
سوی احسان الله رحمت الله علیه العین
از کتاب وظایف - از برای رومیت
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در رومیت
کعبته الله اگر کسی خواهد که بسیار باید
که اول دو رکعت نماز فضل بخواند بعد از
صلوة العشاء و بعد دو رکعت بعد از فاتحه
آیه الکرسی سه بار و اما اعطینا کافورا یازده
بار بعد از سلام هفتاد و یک بار این آیت شریف بخواند

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ اِنَّ اللّٰهَ وَكَوَلَّيْتُمْ لِمَصْنُوْنٍ
 عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 اَلصَّلٰوةُ وَاسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَاوَّلَ آخِرِ
 درود و در دو گان بار بخواند دیگر اگر کسی خواهد که
 جمال با کمال محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم
 در خواب بنید از شب جمعه ناشب دیگر غسل کند و جاری
 پاک بپوشد و دست خط کند و در شب هزار بار بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 عَلٰی رُوْحِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَرْوَاحِ وَصَلِّ عَلٰی حَسْبِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَجَسَدِ وَ
 وَصَلِّ عَلٰی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُوْرِ وَصَلِّ عَلٰی شَجَرَتِ مُحَمَّدٍ فِی الشَّجَرِ
 وَصَلِّ عَلٰی جَمِیعِ الْاَتْبَاعِ وَ الْمُرْسَلِیْنَ وَ عَلٰی اَصْحَابِهِ اَجْمَعِیْنَ
 دیگر اگر کسی خواهد که از دیدار خالص الانوار حجاب سید الزمان
 مشرف شود باید که حسب فرمان واجب الادغان رسول الله
 صلی الله علیه و آله وسلم برین منظم عمل نماید ان شاء الله تعالی برادر
 قلبی فائز خواهد شد باید که در شب جمعه دو رکعت بخواند
 و در هر رکعت بعد سوره فاتحه و آیه الکرسی سوره اخلاص
 بست و پنج بار بخواند پس سرگاه فارغ شود از نماز نشسته
 مانند بران طریق و بگوید سُبْحٌ قُدُّوسٌ یَبَّارٌ وَرَبُّ
 الْمَلَائِکَةِ وَالرُّوْحِ هَئِذَا دَسَّرْتَهُ بَارِکٌ یُّغْیِیْهِ حِجَابُ
 سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ وَ یُجَبِّدُ هَفْتَ وَاثِنِ
 پس بگوید صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِ
 مُحَمَّدٍ وَ اَصْحَابِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِکْ وَ سَلِّمْ عَلَیْهِ اَلْفَ مَرَّةً

هستند بار پس هر که کرد اینچنین پس عذاب دید
آن دولت پیدا در خواب ازین جمعه تا شب
جمعه دیگر انشا الله تعالی از کتاب او را دو غرایم
و تکمیل و غیره دیگر نماز رکعت است ای المؤمنین
عمر رضی الله عنه گفت که چون آرزو بدید از خیر البشر می شود
در حال این نماز را بجای آرم حضرت رسالت پناه را بخواب
می بینم و امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه گفت که
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم که یا رسول الله
چون از دیدار شریف شما محروم بمانم بچه چیز آسایم و دلا سائی
با چه چیز شود فرمود چون آرزو کنی در این نماز را
در حال ادا کنی تا مرا بخواب بینید در هر رکعت بعد از فاتحه
انا انزلناه بار و کلمه تجید تا اکبر یا زده بار در رکوع تمام نموده
بار در اشبع و تجید در قومه تجید بار و در هر سجده سبحان
ربی اعلی و تجید تا اکبر و دیگر رکعات علی بن القیاس
و بعد از سلام ده کمره سوره فاتحه دده بار سوره انا انزلناه سی
و سه بار کلمه تجید تا اکبر بعد از این درود گوید صلی الله علیه و آله
بنی الامی خیرة الله محمد آله و عتاهما و اهل بیتک یا ارحم
الرحمین - از کتاب ترغیب الصلین دیگر از همین کتاب
با سفاد مہر حضرت خضر و ایاس علیهما السلام بخیرت رسول الله
علیه و آله و سلم که شخصی عرض کرد که پدر من پسر و نابینا
بسیار ضعیف است دوست دارد که ترا ببیند لیکن قدرت آمدن ندارد

فهرمود پدر خود را بگو که در هفت معنی در هفت
هفت روز این عمل را میکرد و باشد که بگوید صلی الله
علی محمد و آله و سلم تا هفت و در این دارد از خواب بیدار
از سر خفتنی رویت الهی صلی الله علیه و آله و سلم روی عن الهی
صلی الله علیه و سلم انه قال من اراد ان یرانی فی المنام فلیتم
علی طهارت مستقبل القبلة واضعاً راسه علی یده الیسئنی
قائلاً اللهم انی استلک بحب ال وحبک الکریم کن
تربیتی ووجه نیتک محمد صلی الله علیه و سلم فی المنام رؤیة
تقر بها عینی و تشرح بها کربی یعنی روایت کرده شد
از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اینکه گفت که هر که
اراده کرد این که سر او در خواب بیند پس خواب
مستقبل قبله در آن حال که سر خود بر دست
راست نهاده باشد و این دعا را بخواند تا
آنکه در خواب رود دیگر نه سود منی صلی الله علیه و سلم
هر که خواهد که سر او در خواب بیند باید که وضو کند
و غسل کند و مستقبل قبله خواب کند و سر خویش بر دست راست
خوابد و این دعا بخواند اللهم انی استلک بحب ال وحبک الکریم
کن تربیتی ووجه نیتک محمد صلی الله علیه و سلم فی المنام رؤیة
تقر بها عینی و تشرح بها کربی و تلقی بها شملی و تشرح بها عینی
و یمن نیتک صلی الله علیه و سلم یوم القیامة فی درجات العلی
و لا تفرق بیتی و یمنه بر محبتک یا ارحم الراحمین

قسم سویم در اوراد درود شریف که باستقبال آن رتبه
ان ذات مقدس و لطیف می شود از مرتعات شاه کلیم احد
در شب جمعه بخواند دو رکعت در هر رکعت آیت الکرسی یکبار
و سوره اخلاص یازده بار بخواند و بعد از سلام با حضور قلب
به سزاوار بخواند صَلَّی اللہُ عَلَیْ مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْأَمِّیْنِ اَنْخَضَتْ صَلَّی اللہُ
عَلِیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم رَاوِی خَوَابِ بَنِیْد وَغُفُورُ شُوْد و عَذَابِ مَرْفُوعِ گِرْد و سَخْتِ
رُفِیَا تِ تَجْفِیْفِ رَسَد و سِکْرَاتِ سَوْتِ اَسْبَانِ گِرْد و دُعَا و اَوْشَاجِ
شُوْد و نِیْتِ یَا دِ اَز مَرْقَاتِ شَاہِ کَلِیْمِ اَحَدِ اَللّٰہُمَّ صَلَّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ
مَا عُنْدَکَ مِنْ الْعَدَدِ فِی کُلِّ نَحْطَةٍ وَنَحْطَةٍ مِنَ الْاَزَلِ اِلَی الْاَبَدِ اَللّٰہُمَّ صَلَّی
بِشَبِّ جَمْعِ دِرْکَانَ مَصْنَعِ خُشْبُو مَالِیْدِ اَنْزَلِ رُفُوحَ دِسْکَانَ و صَلَّ و جَابِہِ دِیَارِہِ
مِعْطَرِ کَرْدِہِ بِرْجُوعِ دِلِ یَا نَصْدِ یَا رِجْوَ اَنْزَلِ اَنْشَارِ مَدِ بِدِیَارِہِ دِرْکَانَاتِ
عَلِیْہِ التَّحِیْنِہِ وَالتَّسْلِیْمَاتِ شَرَفِ شُوْد لٰکِنْ اَحْیَا طِجَالِی و جَلَالِی نَمَیْدِ اِکْرَامِ
دُرُودِ شَرِیْفِ جَلَالِہِ اَسْتَغْفِرُہُمْ - اَز فُتُوحِ الْاَوْرَادِ و لِکُلِّ سِنِیْرِہِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم
فَرَسُوْدِہِ کہ خَوَابِہِ رَاوِی خَوَابِ مِیْنْدِ سِیْسِ اِیْنِ دُرُودِ مِیْنْدِ دِطَاقِ
بِکُوْدِہِ دِطَاقِ بَہْرِ اَسْتَغْفِرُہُمْ کہ یَکُیْنِ سَزَارِ و یَکُیْنِ رِیَا سَہِ و شُصَتْ
و یَکُیْنِ رِیَا یَکُیْنِ دِکُیْنِ رِجْوَ اَنْزَلِ اَللّٰہُمَّ صَلَّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّیْ عَلَیْہِ اَللّٰہُمَّ صَلَّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ کَمَا یُؤْمِرُہُ اَللّٰہُمَّ صَلَّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ کَمَا یُؤْمِرُہُ
مُحَمَّدٌ فِی الْاَوْرَادِ اَللّٰہُمَّ صَلَّی عَلَیْ حَبِیْبِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَحْیَا و
اَللّٰہُمَّ صَلَّی عَلَی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُورِ سِنِیْرِہِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم
دِرْخَوَابِ مِیْنْدِ - اَز فُتُوحِ الْاَوْرَادِ نُوْشْتِہِ شَد

از کتاب وظایف نوشته شد از برای رویت آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم در رویت کعبه الله اگر کسی خواهد که این شرف
حاصل نماید باید که اول دو رکعت نماز نفسل بخواند بعد از
صلوة العشاء و هر چه خواهد باید که بهر دو رکعت بعد از
فاتحه آیه الکرسی سه بار و انا اعطینا کالکوش یا زین بار بعد
از سلام هفتاد بار این آیه شریف بخواند اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم ان الله مکنت
یصلون علی ابنتی یا ابنتی الذین آمنوا صلوا علیه
و سلموا تسلیاً بعده الصلوة و السلام علیک یا سید من
یا رسول الله اول و آخر و در و شریف ده بار بخواند
انشار الله تعالی بر او خود خواهد رسید - از کتاب وظایف
و غیره - و عن ابن عباس رضی الله عنه عن ابی بنی صلی الله
علیه و سلم کان یقول ما من یصل لیلة الحجۃ رکعتین
یقرؤ فی کل رکعة فاتحه الكتاب مرة و قل هو الله احد
خمس و عشرين مرة ثم یتکلم ثم یقول الالف مرة صل
الله علی محمد بن ابی النبی الامی فانه ترانی فی منامی
والا لا یتیم الحجۃ العالمة برانی فی المنام و من رانی
غفر الله تعالی له الذنوب کلمها و از ابن عباس
رضی الله عنه منقول است که هر مود رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم هر که خواند در شب جمعه دو رکعت نماز و
خواند در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله احد تا آخر سبست و پنج بار

بعد سلام من از گوید پس از مرتبه صلی الله علی محمد
 البنی الامی پس تحقیق آن خواهد دید مراد خواب است
 که دید مرا خواهد بخشید خدا همه معصیت های او را می بخشد
 الهنبار - از همین کتاب دیگر اگر کسی خواهد که مجال با کمال
 سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب مشاهده نماید
 از شب جمعه تا شب جمعه دیگر غسل کند و جامه پاک بپوشد
 و سطر کند و هر شب هزار بار گوید اللهم صل علی روح محمد
 فی الارواح و صل علی حسد محمد فی الاحیاء و صل علی قبر
 محمد فی القبور و صل علی تربت محمد فی التراب
 و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین و اصحابه اجمعین - از کتاب مذکور
 دیگر اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی
 ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک
 علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و
 علی آل ابراهیم انک حمید مجید روایت این صیغه
 در صحاح طبرست و بیاربعی قول درود است لهذا در نهاده
 خوانده می شود صحابه رضی الله عنهم بر رسول مقبول صلی الله
 علیه وآله وسلم سحر و من داشتند که با یکدوم روش درود
 فرستیم بر تو بسبب اطمینان تو که الله تعالی طسرتی علام
 ما را داده است فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
 بگویند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم
 و علی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علی محمد

و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم
 انک حمید مجید - از حزب الاعظم دیگر اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
 وَ عَلٰی اٰلِہٖ وَ اَزْوَاجِہٖ اُمّہاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ ذُرِّیَّتِہٖ وَ اٰہْلِ بَیْتِہٖ
 کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰہِیْمَ اَنّٰکَ حَمِیدٌ مُّجِیدٌ ہر کہ ہفتاد بار این
 درود را بوقت خواب بخواند اور اودیت حاصل شود
 انشاء اللہ تعالی اَللّٰهُمَّ بَحِّرْ اَسْوَارَکَ وَ مَحْشَرِکَ اَسْرَارَکَ
 وَ لِسَانَ مَحْجَبِکَ وَ عِلْوَسَ مَمْلَکَتِکَ وَ اِمَامَ مَحْضَرِکَ
 وَ طَرِیْقَ اَمْلَکَ وَ خَزَائِنَ رَحْمَتِکَ وَ طَرِیْقَ مَحْضَرِکَ
 الْمُسْلِمِ ذِی بَیْتِہٖ حَسْبُکَ اِنْسَانِ عِیْنِ الْوُجُودِ وَ السَّبَبِ
 فِی کُلِّ مَوْجُودٍ عِیْنِ اَعْبَانِ اَعْمَانِ خَلْقِکَ الْمُتَقَدِّمِ
 مِنْ صِنَائِکَ مَعْلُومَ تَدْوِمِہٖ وَ اَمَامَ وَ تَبْقٰی بَقَائِکَ
 لَا تُفْشِرْہَا لَہَا دُونَ عِلْمِکَ صَلَوةٌ تَرْجُوہُکَ وَ تَحْضَرُہُ
 وَ تَرْضٰی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِ سَیِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ صَلَوةٌ تُنْقِیْہَا بِہَا مِنْ جَمِیعِ الْاَسْوَالِ وَ تُقْضِیْہَا بِہَا جَمِیعَ
 الْاَعْجَابَاتِ وَ تُطَهِّرْ بِہَا مِنْ جَمِیعِ اَسْیَااتِ وَ تَرْفَعَنَّ
 بِہَا عِنْدَکَ اَعْلٰی الدَّرَجَاتِ وَ تَبْلُغَنَّ بِہَا اَقْصٰی الْغَایَاتِ
 مِنْ جَمِیعِ الْحَیْثَرَاتِ فِی اَنْجِیَاتِ وَ بَعْدِ الْمَمَاتِ
 اِنّ درود سبز نسیم نقاب بر افکن از رخ دولت
 بیدار است دیگر اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِہٖ
 اٰلِہٖ وَسَلَّمَ مختصر یہ جمیع ضروریات درو مشتمل است
 سوائے محقق محدثین کامل بطور درود اگر صد بار یا

هزار بار بخواند همین صیغه بخواند و بگوید این درود
 شریف را از شب چهارشنبه شروع کند و شب
 جمعه تمام نماید در سه شب مطلب حاصل شود
 باستقامتی خوشبو و لباس پاک و فرشی هر شب
 یکبار بار بر لبی کم و کاست و باد صحو خواب کند اللهم
 صل علی محمد و علی آل محمد بعد البسمه و الوی و التشریح
 دیگر عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم انه قال من صل
 لیلة اجمعة رکعتین یقول فی کل رکعة فاتحة الكتاب
 مرة و آیه الکرسی و الاخلاص تسع و عشرين مرة فاذا
 فرغ من صلوته و هو جالس یقول سبحان قدوس ربنا
 سبحان الله و الروح سبعین مرة ثم یقول سبحان
 الله ربی سبعین بعد النظم و بحمد سبعین مرة
 ثم یقول اللهم صل علی محمد و علی آل و اصحاب محمد
 و بارک و سلم علیه الف مرة فمن فعل ذلك فی لیلة
 رانی انشأ الله تعالی فان لم یرانی فی ذلك لیلة رانی
 فی لیلة القبلتہ اجمعت تحقیق منہ سودنی صلی الله
 علیه و آله وسلم هر کس که خواند در شب جمعه دو رکعت
 نماز و خواند در هر رکعت بعد فاتحه و آیه الکرسی
 سوره اخلاص بست و پنجبار پس هر گاه فارغ
 شود از نماز و آن در حالت نشستن بگوید سبحان و
 قدوس ربنا و رب الملائکة و الروح هفتاد بار و بگوید

سبحان الله ربی سبحان الله العظیم و بحمدہ بنقاد
 بار باز بگوید اللهم صل علی محمد و علی آل و اصحاب محمد
 و بارک و سلم علیہ ہزار بار پس ہر کس کہ در چنین
 در شب خوابد دید مرا تا در شب آیند و جمعہ - از ہمین
 کتاب دیگر بجهنت کشد و گوی کار و فراخی رزق و زیادت
 سید الابرار صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم تا شکر کمال دارد
 خواص این درود ہزار اند بنا بر آن موسوم بہ
 درود ہزارہ و درود معراج است لازم است
 کہ ہدام بہ سورہ و خود سازد بسم الله الرحمن
 الرحیم اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْمَاجِدِ وَالْمُبَرَّكِ
 وَالْمُتَرَجِّحِ وَاعْلَمْ دَافِعِ الْبَلَاءِ وَالْوَبَاءِ وَالطَّاعُونَ
 وَالْمُتَّقُونَ وَالْمَرْضَى وَالْأَلْمَ حَسْبُهُ مَقْطُوعُ مُطَهَّرٌ مُنَوَّرٌ وَشَهِيدٌ
 فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ اسْمُهُ يَكْتُوبُ مَنقُوشٌ وَكَشْفُوحِ
 مَرْفُوعٌ فِي الْكُوفِ وَالْقَلَمُ شَمْسُ الضُّحَى بَدِيعُ الدُّجَى
 نُورُ الْهَدَى كَفَتْ النُّورِ مِصْبَاحُ الظُّلَمِ سَيِّدُ الْعَرَبِ
 وَالْعَرَبِ جَبَلُ الشِّمِّ شَفِيعُ الْأُمَمِ صَاحِبُ الْحُجُودِ
 الْأَلَمِ أَمْدُ عَاصِمِهِ وَجَرُّ مِلْ خَادِمِهِ وَالْبُرْكَانِ
 مَرْكَبُهُ وَالْمُتَرَجِّحِ سَفَرُهُ وَتَدْرُؤُ الشَّيْءِ مَقَامُهُ
 وَالْقَابِ قَوْسَيْنِ مَطْلُوبُهُ وَالطَّلُوعِ مَقْصُودُهُ
 وَالْقَصُودِ مَوْجُودُهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ
 شَفِيعُ الْمَذْنُونِ رَاحَتُ الْعَاشِقِينَ مَرَادُ الشَّافِقِينَ

رَاجِ السَّالِكِينَ صَبَاحَ الْمُقَرَّبِينَ شَشَّ الْعَارِضِينَ
 بَقْلَةَ الْمُحْلِيصِينَ مَحَبَّ الْفُقَرَاءِ وَالسَّائِكِينَ مَحْبُوبِ
 رَبِّ الْكَاشِرِينَ وَالْمُتَرَبِّينَ صَاحِبِ قَابِ قَوْسَيْنِ
 عَدَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَوْنِي السَّافِلِينَ سِنِّي الْحَمِيرِينَ
 وَسَيِّدَنَا فِي الدَّارَيْنِ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
 يَا أَيُّهَا الْمُسْتَأْذِنُ مَنْ يَجُوزُ جَمَالَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُكَ
 سَيِّدَنَا كَثِيرَ الْكَثَرِ يَا رَحْمَتُكَ يَا رَحْمَتُ الْأَرْحَامِينَ
 - از سطره الدعوات نوشته شد دیگر عمل مخصوص
 طریقه علیه افضلیه عبا به قدس اسرار هم محمد رسول الله
 صلی الله علیه و آله وسلم دو صد بار احمد رسول الله صلی الله
 علیه و آله وسلم دو صد بار محمد بن محمد شریف کاتبش بنام ابو
 کیا فوت ابن الحاجر صلی الله علیه و آله وسلم یکصد بار
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَنْتَ لَهَا أَهْلُ
 وَصِيَّوْهَا أَهْلُ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ كَيْصَدُ بَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ
 عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ قَدْ خُشِنَتْ وَجْهَهُ وَجَمَالَهِ وَكَمَالِهِ
 كَيْصَدُ بَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ لَعَدَدِ اسْمَائِكَ الْحُسْنَى كَيْصَدُ بَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلِّمْ كَيْصَدُ بَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْكَ
 الصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ كَيْصَدُ بَارِ مَجْمُوعُهُ آن یکصد بار
 همین قدر در روز دهمین قدر و شب بخواند باشد
 برکات این بعد داده است فلاسره خواهد شد و یکی

ازان عمده ترین برکات اینست که بجمال جبرائیل
 آرای سرور عالم خلاصه بنی آدم صلی الله علیه و آله وسلم
 شرف میشود و اگر بهین نیت این صیغه را بیک گداز
 رساند و قنوت کرده تا چهل روز عمده مذکور تمام
 کند و هر شب دو رکعت نماز بکند و سر به خواب
 بخواند چون سلام دهد صد بار بگوید یا نور النور یا نور
 الا شجر یبلغ عینی روح محمد و از واج رآل محمدین
 السلام بعد از آن استقبال بجهت جنوباً و شمالاً خواب
 کند بفضل الله تعالی در یک چله باین سعادت کامیاب
 شود و اگر خدای نخواسته سبب عدم رعایت شرایط
 این عمل که عمده آنها اکل حلال و صدق مقال است
 در این سعادت نکشاید در چله دوم فضل بفضل حقیقی
 کار خود نماید و معشوق مدعا از در رحمت در آید ابتدا اگر
 خواندن باید که در عروج ماه باشد و صیغه درود شریف
 و اقدس بعد از یک معترکه ده باشد قبل از نماز
 مذکور وقت شب بخواند بعد از آن دو رکعت
 مذکوره گذارده دعائیکه مذکور شد خوانده جنوباً و
 شمالاً خواب کند انشاء الله تعالی بر او دلی و ثواب
 قلبی کامیاب خواهد شد - از کتاب بیاض سلسله
 حشیه و قادریه ایضاً درود اشرف و اقدس
 سنی بکبریت الاحمسه و اعظم برای حصول این

دولت عظمی مفتاح ابواب بسته است و مرهم
 دل‌های ریش‌خسته در و در و مذکورین تصنیفات حضرت
 شیخ عبد القادر حیدرانی رضی الله عنه و افاض من
 برکاته علی جمیع المسلمین و آن در و در و شریف نیست
 بسم الله الرحمن الرحیم اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ
 عَدَدًا وَ اَتَمَّنِي بِرِكَاتِكَ شَرَفًا وَ اَزْكِي نَجَاتِكَ نَفْسًا
 وَ مَدَدًا وَ عَدَدًا مُوَبَّدًا وَ اَسْنِي سَلَامِكَ اَبَدًا مُحَبَّدًا
 عَلَی اَشْرَفِ الْخَلَائِقِ الْاِنْسَانِيَّةِ وَ الْجَانِيَّةِ وَ مَكِينِ
 الدَّيَّانِيَّةِ الْاِبْرَاهِيمِيَّةِ وَ طَوْرِ التَّحْلِيَّاتِ الْاَحْسَانِيَّةِ وَ مَكْنَنِ
 الْاَسْرَارِ الرَّحْمَانِيَّةِ وَ تَكْوِينِ الْوَلَدِ الْقُدُّوسِيَّةِ وَ اِسْمِ
 الْحُكْمِ الْاَرْشَادِيَّةِ وَ اَسْطَقَةِ عَقْدِ الْبَيِّنِ وَ مَقَرِّ سِتَّةِ
 جَبْشِ الْمُسْلِمِينَ وَ اَفْضَلِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ عَامِلِ
 لُؤَارِ الْبَرِّ الْاَعْلَى وَ مَالِكِ اَرْزَقَةِ الشَّرَفِ الْاَسْنَى
 شَاهِدِ اسْرَارِ الْاَزَلِ وَ شَهِيدِ اَنْوَارِ السَّابِقِ الْاَوَّلِ
 وَ تَرْجَمَانِ لِسَانِ الْقَدِيمِ وَ سُبْحِ الْاَسْمِ الْاَعْلَمِ وَ الْحَكَمِ
 وَ مَنَظَرِ سِرِّ الْخُودِ الْجَزْمِيِّ وَ الْكَلَامِ الْاَكْبَرِ عَلَى الْوُجُودِ
 الْعُلُوسِيِّ وَ اَسْفَلِ رُوحِ حَبِيبِ الْكُوْنِ وَ عَيْنِ حَيَاتِ
 الدَّارَيْنِ اَلْمُخَلَّقِ بِاَعْلَى رُشْدِ الْوَلَدِ الْاَرْشَادِيَّةِ
 اَلْمُتَحَقِّقِ بِاسْرَارِ الْمَقَامَاتِ الْاَلِطْفَانِيَّةِ سَيِّدِ الْاَشْرَافِ
 وَ جَمَاعِ الْاَوْصِيَاءِ الْاَعْظَمِ وَ الْجَبِيبِ الْاَكْرَمِ
 الْمَخْصُوصِ بِاَعْلَى الْمَرَاتِبِ وَ الْمَقَامَاتِ الْمُوَبَّدَةِ وَ مَخْصُوعِ

السيد الامين والالوات النصور بالرعب والمجونا
 الجوهري الشريف الابددي والنور القديم المحمدي
 سيدنا محمد بن المحمود في الابداد والموجود الفاتح لكل
 شأه وشهود حضرت المشاهدة وشهود نور كل شئ
 ودهاه وسر كل سر وسناه الذي شققت منه الاسرار
 وانفلقت منه الانوار السمر الباطن والنور الظاهر
 السيد الكامل الفاتح الخاتم الاول الاخضر الباطن
 الظاهر العاقب الحاشي الناصي الصابر الشاكر
 القانت الذكر الماحي الماحد العزيز القوي القادر
 الحامد والمومن العابد المتوكل الزاهد القايم الساجد
 الماحد التابع الشهيد الولي الحميد البرهان البجة
 الطاع المتبحر الخاضع الخاشع البر المستقر تحت الميزان
 طه حسين الزل اسد مر سيد المرسلين امام المتقين
 وخاتم النبيين وجيب رب العالمين النبي المصطفى
 والرسول المحمدي الحكيم العليم العزيز الحكيم الرؤف
 الرحيم نورك القديم وصراطك المستقيم محمد عبدك
 ورسولك وصفيك وجيبك ووليک ونبيک
 وامينک ودليلک ونجيبک ونجيبک وذخيرةک
 امام الخيرة وفائد الخيرة ورسول الرحمة النبي الامي
 المعصومي العتشي الهاشمي الابهي المكي المدني
 المتقي والشاهد الشهود الولي المقرب العبد

السعود الحبيب المشفع الحبيب الرفيع المياع البديع الواعظ
 البشير النذير العطوف الحكيم الجواد الكريم الطيب الرؤوف
 الرحيم المبارك المكين الصادق المصدق المصدق الأمين
 الداعي اليك بأذنك السراج المنير الذي أذكركم
 بجنتها وفاق الخلاق برمتها وجنته جيبا وناجيته قريبا وادنيته
 رقبيا وختمت به الرسالة والبشائر والدلالة والهداية والنبوة
 ونصرت بالعرب وظلمته بالسحب ورودت له الشمس
 وشققت له القمر والطققت له الضب والظنى والنسب
 واجتمع والبدع واجعل واجعل والمدد والشجر وابنت من اصحاب الزلال
 وانزلت من جنتها الجبل والباب وابل الغيث والمطر فاعشوا
 شرب منه القفر والصخر والوعر والسهل والزلزل والحجر
 واسررت به ليل من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الى السموات
 العلى الى سدرة المنتهى الى قاب قوسين او ادنى وارثية الآيات
 الكبرى والمنة الغاية القصوى واكرسه بالمخاطبة والمسابقة
 والمشاهدة والمشاركة والمعاني بالبر وخصصته بالوسيلة العظمى
 والشفاعة الكبرى يوم النفر الاكبر في الجنة وجعت له جوارح
 الكلام واجواحه احكم جعلت منه خير الامم وغفرت له
 ما تقدم من ذنبه وما تأخر الذي يبلغ الرسالة وادعى الامانة
 ونصحه الامانة وكشف الغممة وحل المظلمة وجاء في سبيل الله
 وعبد ربه حتى آناه اليقين اللهم الغنة نعم ما محمودا يعظم
 فيه الاوتون والاحسنه ون اللهم عظمه في الدنيا باعلاء

ذِكْرِهِ وَأَظْهَارِ دِينِهِ وَالْقَارِشَةِ لَعِينَةٍ وَفِي الْآخِرَةِ يَقْبُولُ
شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَأَجْزَلِ آخِرِهِ وَتَشْوِيقِهِ وَأَيْدِ فَضْلِهِ عَلَى الْأَكْبَرِ
وَالْآخِرِينَ بِالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَتَقْدِيرِهِ عَلَى كَائِفَةِ الْمُقْبِلِينَ بِالشَّهَادَةِ
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى وَارْفَعْ دَرَجَةَ الْعُلْيَا وَاعْطِهِ مَوَالِدَ
فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى كَمَا أَيْتَتْ إِبْرَاهِيمَ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مِنْ أَرْكَمِ عِبَادِكَ عَلَيْكَ شَرَفًا وَمَنْزِلَةً وَمِنْ أَرْكَمِ عِبَادِكَ
عِنْدَكَ دَرَجَةً وَأَعْظَمَ حُظْرًا وَأَكْبَرُ مَقَامٍ عِنْدَكَ شَفَاعَتَهُ
اللَّهُمَّ عَظِّمْ بَرَكَاتِهِ وَأَقْلِبْ حُجَّتَهُ وَأَلْبِسْهُ مَنَاقِبَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ
أَيْتِهِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ بِأَنْفُسِهِ بِعَيْنِهِ وَأَجْزَلِ عِيَانِهِ مَا
خَيْرَ بَيْتٍ بَعْدَ عَنْ أُمَّتِهِ وَأَجْزَلِ الْأَنْبِيَاءِ كُلِّهِمْ خَيْرُهُمُ اللَّهُمَّ
صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا شَاءَ مِنْ الْأَلْبَابِ
وَسَمِعْتَ الْأَذَانَ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ
وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ أَمَّ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ
كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا
أَمَرْنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا يُبَغْيُ أَنْ يُصَلِّيَ
عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَدَدَ لَبَّاءِ الْإِسْلَامِ
وَأَنْفُسَائِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ
وَأَوْلَادِهِ وَأَحْفَادِهِ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
وَعَشِيرَتِهِ وَبَحْثِيرَتِهِ وَأَصْهَارِهِ وَأَخْتَانِهِ وَأَبْنَاءِ
وَأَشْيَاعِهِ وَالنَّصَارَةِ وَخَسَنَتِهِ الْكُفْرَةِ وَتَسَاوِينِ
أَنْوَارِهِ كُنُوزِ الْحَقَائِقِ وَهَدَاةِ الْخَلَائِقِ وَتَجْوِيزِ الْإِسْتِغَاثَةِ

لَمِنْ أَقْتَدَايَ وَسَلَّمْتُ كَلِمَاتٍ كَثِيرَةً إِذْ إِنَّمَا أَبَدُ أَوَّارٍ مِنْ
عَنْ كُلِّ الصَّحَابَةِ بِرَضِي سَرَّيْ أَعَدَّ خَلْقَكَ وَزَيْنَتِ
عَرْشِكَ وَرَضَا نَفْسِكَ وَسَدَّادَ كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَكَ ذَكَرَهُ وَكُلَّمَا
سَمِعَ ذِكْرَكَ غَافِلٌ صَلَوةٌ تَكُونُ لَكَ رِضَاءً وَحَقِيقَةً
أَدَارَ وَلَنَا صَدَاقًا وَآيَةً الْوَسِيلَةَ وَالْغَيْبَةَ وَاللَّحْزَةَ
الْعَالِيَةَ الرَّفِيعَةَ وَالْبَعِيَّةَ الْمَقَامَ الْمَجْمُودَ وَالْبَوَارِ الْمَعْقُودَ
وَالْحَوْضَ الْمَوْرُودَ وَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى جَمِيعِ إِخْوَانِي مِنَ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَوَّلِيَّاءِ وَالصَّابِرِينَ وَكُلِّ كَلِمَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ صَلَواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ
صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّاسِيقِ السَّابِقِ لِلْخَلْقِ نُورُهُ
الرَّحْمَةِ لِلْعَالَمِينَ طُورُهُ عَدَدُ مَا مَضَى مِنْ خَلْقِكَ
وَمَا بَقِيَ وَمِنْ سَعَةِ سَمْعِهِمْ وَمِنْ شَفَقَتِي صَلَوةٌ تَشْفِقُ الْعَدَّ
وَتَحِيطُ بِأَحَدٍ صَلَوةٌ لَا غَايَةَ لَهَا وَلَا انْتِهَاءَ وَلَا أَمَلًا
وَلَا انْقِصَارَ صَلَواتِكَ إِلَهِي صَلَّيْتَ عَلَيْهِ صَلَوةً مُؤَدَّةً
عَلَيْهِ مَقْبُولَةً لَدَيْكَ صَلَوةٌ دَائِمَةٌ بَدَ وَاسِكَ بَارِقَتُهُ
بِقَائِكَ لَا انْتِهَاءَ لَهَا دُونَ عَلَيْكَ صَلَوةٌ تَرْضِيكَ
وَتَرْضِيهِ وَتَرْضِي بِهَا عَنَّا وَتَحِبُّ بِهَا دَعَارَنَا وَتَحِبُّ بِهَا
وَتَرْضَى كُلَّ بِهَا نُفُوسَنَا صَلَوةٌ مَثَلُهَا الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ صَلَوةٌ
تَحِلُّ بِهَا الْعَقْدُ وَتَقَسِّمُ بِهَا الْكُرْبُ وَيَجْزِي بِهَا
تُطْفِكَ نِيَّ امْرِئِي وَأَمْوَارَ الْمُفْلِسِينَ وَبَارِكْ لَنَا

عَلَى الدَّوَامِ وَغَايِنَا وَابْدُنَا وَاجْعَلْنَا اِهْمَيْنِ وَسِرِّ لَنَا
 اَيُّوْرَنَا مَعَ الرَّاحَةِ يَسْكُونَنَا وَابْدُنَا وَاسْلَاسْتَه
 وَالْعَاقِبَةِ فِي دُنْيَانَا وَآخِرَتِنَا وَتَوَقَّنَا عَلَى الْكِتَابِ
 وَاسْتَشْتَهٍ وَاجْمَعْنَا مَعَهُ فِي الْجَنَّةِ مِنْ عَيْبِ رَبِّهِسٍ وَانْتِ
 رَا مِنْ عَمَّا وَلَا تَسْكُرْنَا وَاجْعَلْنَا لَنَا مِنْكَ بَحْرٍ وَغَايَتَه
 وَبَدَا مِنْهُ الْجَمْعَيْنِ بِجَانِ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا
 يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَانْحَسِدْ لِشَرِّ الْعَالَمِينَ
 بِرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَلِيُظْفِكَ بِاَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ آمِينَ
 اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِكَاتِبِهِ وَلِقَارِيهِ وَلِمَوْلَاهُ - از مجموعه اوداد
 غوثیه دیگر از همین کتاب دور کعبت بعد نماز عشا بخواند
 بعد از سوره فاتحه در هر رکعت آیه الکرسی پانزده بار
 بخواند و بعد از سلام صد بار گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ حضرت رسالت پناهی صلی
 الله تعالی علیه وآله وسلم را در خواب بنید ایضا از همین
 کتاب اگر بغیر این نماز همین درود شریف در شب جمعه
 بنید و بار بخواند حضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بنید
 و دیگر از همین کتاب کسیکه صلوة بر رسول الله صلی الله علیه و آله
 بسپارد فرستند به بنید او را در خواب و بیداری کذا نقل
 الشيخ الكامل الامام علی النقی فی حکم الکبیر عن شیخ احمد بن موسی
 الشریع القصوفی دیگر از همین نسخه سخاوی و محدثان دیگر هم
 آورده اند که محمد ابن سعید بن مطهر و اعدو معین از صلوة

پیش از وقت شام در دوشنبی آنحضرت علیه السلام را در
خواب می بیند که درون خانه او در آن خانه را با نون
جمال با کمال خویش روشن گردانیده سیف بر مایند بسیار
این دهن خود که در دوشنبی بخواند تا بوسه دهم بر وی میگوید
که من ششم داشتم که دهان خود پیش دهان آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بنهم رخسار گردانیدم و پیش دهان آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم داشتم پس بوسه داد بر رخسارین
چون بیدار شدم خانه تمام را بچه مشک در گرفته بود تا شام
روز بوی مشک از رخسار من می آمد دیگر از همین کتاب
از خضر و الیاس است که مردی از شام بخدمت آنحضرت
رسید و معروض گردانید که یا رسول الله پدر من مردی پیر
و نابینا بسیار ضعیف است دوست میدارد که ترا بیند
و لیکن قدرت ندارد که حاضر آید فرمود پدر خود را بگوید و من
یعنی در محنت مشب بگوید صلی الله علیه و آله وسلم مرا خواب
بیند و او همچنان کرد که فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم
بود پس دید آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را دیگر از همین
کتاب یکی از اسباب ادراک شرف رویت رسید انام
در نام علیه صلوات ملک السلام ملازمست صلوة نبویه
بر صفت طهارت بصفه الله صلی الله علیه و آله وسلم
که اکثری و شکرانی و دیگر ملازمست این صلوة سنیه
محصل این سعادت است اللهم صلی علی روح محمد

فِي الْأُرْدَاخِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَبِيدِهِ فِي الْأَحْجَادِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى قَبْرِهِ
 فِي الْقُبُورِ - از همین نسخه دیگر از همین کتاب - در فاضل
 الاسلام می آرد هر که روز جمعه سحر بار در روز فرستد بصیغه
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
 را در خواب بیند یا منزل خود در شبست بیند و اگر نه بیند
 مگر کند آنرا تا پنج جمعه بیند از فضل الهی آنچه سرت بخشد او را
 دیگر هر که بگذارد در شب آدینه دو رکعت نماز بخواند در
 هر رکعت بعد از فاتحه یازده بار آیه الکرسی و یازده
 بار سوره اخلاص و بعد از سلام صد بار در روز فرستد بصیغه
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ و آله و سلم به بیند در خواب
 رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم را اگر ضعیف او باشد
 از سه جمعه نگذارد ان شاء الله تعالی و قد تجزیه بعض الغفلة او
 ايضا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ فِي الْأُرْدَاخِ و عَلَى حَبِيدِهِ
 فِي الْأَحْجَادِ و صَلِّ و سَلِّمْ عَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ سخاوی
 از دررالنظم نقل کرده است که هر که درود اقدس بسیار
 بخواند شرف ردت حضرت سید انام علیه التحیته و السلام
 در مقام شرف شود و شرف ملاقات آن حضرت
 صلی الله علیه و آله وسلم برسد و از خواص این درود است که حید
 خواننده بر آتش دوزخ حرام گردد - از همین نسخه
 دیگر از همین کتاب - اللَّهُمَّ لَكَ أَحْمَدٌ لَعْدٌ و لَكَ
 و لَكَ أَحْمَدٌ لَعْدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ لَعْدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ لَعْدٌ

اَنْ مُحَمَّدٌ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ يَعْبُدُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ وَصَلَّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ كَمَا مَحَبَّتِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ اسناد این حدیث از طبرانی
 است که از اکابر علمای محدثین است گفته است که این
 را در سنن ام جعفرت سید انام علیه افضل الصلوة والسلام
 خوانده و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نزد سماع آن
 تبسم فرموده تا آنکه نواجید شریف ظاهر شد از شنایام
 شریف او نور ظهور نموده صلی الله علیه وآله وسلم دیگر
 بعضی شایخ وصیت کرده اند بقرأت قل هو الله احد
 و بکثرت صلوة بر رسول امجد صلوة الله علیه وآله وسلم
 و میفرمودند که بقرأت قل هو الله احد شنا ختم حذامی احد
 جل جلاله المنظم را و بکثرت صلوة صحبت داشتم
 به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و میفرمودند که صلوة بر رسول
 الله صلی الله علیه وآله وسلم کسیکه بسیار میفرستد می بیند
 او را در خواب و بیداری - از همین کتاب دیگر از
 همین کتاب - در خواندن این صلوة ثواب بسیار است
 و نیز این را در دو حاضری میگویند الصلوة علیک
 یا خیر النور علی السلام علیک یا نور الهدی
 یا حبیبی سیدی در مانده ام
 رحمة العالمین یا رسول
 مشکلم پیش است و من بر کسی
 یا محمد نطفه آمد عام نو
 مرکب اندر حصص عصیان اندام
 هم شفیع المذنبین یا رسول
 یا رسول الله تو ما را بسی
 بس بود ما را محمد نام تو

الحمد احسن تو شفیق نیست کس | یا رسول الله سر یادم بر سر
الصلوة والسلامی تا قیام | بر محمد دال اوصافش مدام

از همین کتاب
از اینجا تا اختتام این قسم همه اعمال از همین کتاب نقل کرده شد
از کتاب سر خفی فی ردیت البنی از سید جلال الدین
الخطاب محمد دوم جهانیان قدس سره العزیز هر کس
که اراده کرد اینکه به بنید و شرف شود برودیت
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در خواب پس باید که
عسل کند از شبههای جمعه و چیزی بصدق کند فقرار
هر چه که آسان شود بر او پس بخواند و رکعت در ادلی
بعد فاتحه سوره و الفی و در ثانیه بعد فاتحه الم نشرح
پس هر گاه فارغ شود از نماز درودی که نوشته میشود
بخواند چهل و یک مرتبه و این مجرب است نزد عامل
او و الله تعالی اعلم باسمه اللهم بسم الله الرحمن الرحیم صلوة
الله و رحمته و بركاته و بحسنة بركة و ما طهر من التمام
إلى التواجد و بركة و ما بطن من التواجد إلى التمام
و بركة و ما کینونة عوالم علم القسم علی محمد
و آله و اصحابه و اولاده و از و اربعه و عشره الطیبین و
علی حبیب الاکیمیار و المسمیین و الملائکة المقربین
بعد النفاس و الکلمات و اللطافات من الامام
و القیامی و الکلمات إلى یوم الدین آمین آمین آمین

رب العالمین دیگر اگر خواهد که جمال مصطفوی در خواب
 بیند پس بگذارد چهار رکعت در شب دو شبانه در
 هر رکعتی بعد از فاتحه آیت الکرسی سه بار و اخلاص
 پانزده بار بعد از سلام یک هزار بار درود شریف گوید
 و بر مصلی با وضو خواب کند به بیند در خواب آن دولت
 بیدار بینی سید الابرار احمد مختار صلی الله علیه و آله وسلم را
 در چند شب بدین دو گانه مواظبت نماید و دیگر من اسرار
 الابرار - اگر خواهد که دیدار سید الابرار احمد مختار صلی الله
 علیه و آله وسلم را در خواب بیند و حاجتی که دارد بخواب خطاب
 از آن رسالت صلی الله علیه و آله وسلم مشرف شود در شب
 چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه چهار رکعت نماز گذارد و در هر
 رکعتی بعد از فاتحه اذ النشس کورت و اذ النشس انقسط
 و اذ النشس و صنها و الضحی و الم نشرح و اخلاص یک بار
 بخواند و ثواب نماز بروح پاک رسالت پناهی صلی الله
 علیه و آله وسلم بدیهد و بعد از فراغ محضویر و خضوع
 این صلوته سه صد بار گوید بنور جمال با کمال انحضرت
 مشرف شود و حاجت او بر آید و بسراود مقصود
 خویش برسد صلوته اینست اَللّٰهُمَّ قَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ
 مُحَمَّدٍ صَلَواتَ دَائِمَةً كَثِیْرَةً طَیِّبَةً لَا تُحِيطُ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا أَنْفَ
 وَلَا تَحْشَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا تَحْصِلُهَا غَيْرُكَ وَ قَلِّ عَلَى جَمِیعِ
 الْأَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلِیْنَ وَ دیگر من سر الاسرار - هر که مشتاق دیدن

روی مصطفی و جمال جهان آرای محمد مجتبی صلی الله علیه و آله
 باشد باید که برکت ساره آب روان رود و آنجا سه روز
 بعد نماز چاشت سوره بقره و آل عمران و طه و سین
 بحضور دل بخواند و بعد خواندن سوره ها دو رکعت نماز
 بروح پاک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم گذارد و در
 رکعت اول بعد از الحمد سوره مزمل و در رکعت دوم
 بعد از الحمد الفجر بخواند بعد از سلام ستر بار این
 صلوات گوید و چشم پوشیده بحضور دل منتظر این دولت
 غیر مترقبه باشد البته در واقع بار روح محمد صلی الله
 علیه و آله و سلم سعادتمند و مشاهد جمال بالکمال حاصل شود
 و مقصود نیز بر آید صلوة اینست یا حی یا قیوم حین
 لا حی فی دنیویست بلکه و بقایه یا حی لا اله الا انت ربیع السموات
 و الارض یا الهی صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد
 و آل محمد کما صلیت و بارکت و رحمت علی ابراهیم
 ایاک حیت محمد دیگر از همین نسخه - هر که در شب
 جمعه غسل کرده در رکعت گذارد و بعد فاتحه الله تبارک و تعالی
 السموات و الارض مثل نوره کشفه اینها مضباح
 فی رجاۃ الرجاۃ کانهما لو کنت و ریح یوقد من شجرة
 مبارکه زیتونیه لا شرفینیه و لا عکبرینیه بکاؤ زیت
 یضی و کون کشفه ناره نور علی نور یهد الله لنوره من
 یشار و یغیر الله الامثال للناس و الله یحل شی

عظیم بخواند و بعد سلام هزار بار درود بخواند و بزرگترین
 بخوابد رویت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم نصیب گردد
 دیگر از همین کتاب - اگر خواهد که سید عالم صلی الله
 علیه و آله و سلم را در خواب ببیند باید که دو رکعت
 نماز بخواند در شب شنبه و بخواند در هر رکعت
 سوره البسروج سه بار بعد سلام صد بار درود و دو
 صد بار این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا نور
 النور یا مدبر الامور بلغ غنی فحشید و یا زواج ال محمد
 علیه السلام تحیتیه و سلاما صد بار درود گفته
 بجانب قطب یا جنوب و رو قبله آورده درود
 خوانان بخواب رود بیشک در خواب مهتاب جهانبا
 رخسار رسالتاب صلی الله علیه و آله و سلم را بیند هر که
 شب جمعه هزار بار این درود بخواند بجال سید عالم
 صلی الله علیه و آله و سلم شرف شود دیگر در شب
 آدینه بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بگذارد و تسبیح کعبه
 فاتحه و آیه الکرسی یکبار داخل صلاص پانزده بار بخواند
 بعد از سلام هزار بار درود بر سید عالم فرستد و با وضو
 در خواب رود بیشک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را
 در خواب ببیند - از همین کتاب دیگر هر که در شب
 جمعه هزار بار این درود بخواند بجال سید عالم
 صلی الله علیه و آله و سلم هزار گرد درود و منظم و مکرر

اینست صلی الله علیه و آله یا محمد دیگر هر که بعد از نماز و تر
 هزار و یک بار این درود بخواند و بخندد سید عالم
 صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب بیدار کند و روح محمد
 و ارواح آل محمد بر تنی اکتفا صلوات و سلام از همین نسخه
 دیگر در وقت شب بعد نماز عشاء سیصد و شصت
 و سه بار تا هفت روز و شب باین درود عالی ملائکه
 البته از جمال جهان آرای حضرت رسالت صلی الله
 علیه و آله و سلم سرفراز شود و درود موصوف اینست
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ كَمَا
 صَلَّيْتَ وَسَلَّمْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى
 إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَيٌّ قَبِيضٌ مُجِبُّ رُجُوكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - از همین کتاب دیگر از همین کتاب
 اگر خواهد که سرور انبیا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب
 ببیند باید که این درود را صد بار با وضو با حضور دل و شب
 حبه ملائمت نماید بکرم الله تعالی بعد از آن شب
 جمال آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در چشم
 دل و دیده جانش تجلی رحمت فرماید در دو عالم شست
 بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَآلِ بَيْتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دیگر از سه خفی
 - در شب حبه بعد عشاء یکصد و هشتاد و یک بار
 بخواند و بخندد و بخواند صلی الله علیه و آله یا محمد پس

بتحقیق خواهد دید خاتم النبوة را صلی الله علیه وآله وسلم در تمام
 دیگر هر که این درود حضرت قادریه را یکصد مرتبه بخواند
 ثواب بسیار بسیار دارد و در بر نبی علیه الصلوة والسلام باید
 هر روز یکبار بخواند و شب جمعه یازده بار گفت که قتل
 هذا الصلوة القطب الربانی غوث الصنفانی والمحبوب
 السجانی سید الشیخ محی الدین ابی محمد سید عبد القادر
 الحسینی و الحسینی ابی بلال رضی الله عنهما و اسمها المسمی با
 الکبریة الاعظم و کند ما فی الاصل صلوة علی النبوی
 صلی الله علیه وآله وسلم و کل صلوة منها بایة الف صلوة و بی بایة
 لرؤیت النبوی صلی الله علیه وآله وسلم بعد صلوة العشاء فی محل
 طاهر مرة بعد قرات الاخلاص و المعوذتين ثلاثا ولا
 یتکلم بعد فانه یرى النبوی صلی الله علیه وآله وسلم فی منامه انشا
 الله تعالی مجرب و الحمد لله رب العالمین و بی بن سید الله علیه
 السلام اجعل افضل صلواتک و انعمی بر کائنات سیرة اوداد کی تحیات
 فضلاً و عدداً و اسنی سلاسلک ابداً و محبداً علی اشرف
 المخلوق الانسانیة و جمیع الدقایق الانسانیة و ظهور المخلوقات
 الاحسانیة و مہبط الاسرار الرحانیة و اسطیة عقیق البنین
 و مقدم حبش المسلمین و قائم یک الامتبار المکرمین و افضل
 المخلوق الانسانیة حامل لواء الفیض الالهی و مالک اریست
 النجم الاثنی شایده اسرار الاله و مشاہد احوال بنی الاصل
 و ترجمان لسان القدریم و معبود بن النبی و اعلم و عظم

سِرِّ الْخَوْدِيِّ الْخَوْصِيِّ وَالْكَلْبِيِّ وَالْإِنْسَانِيِّ عَيْنِ الْوُجُودِ الْغُدُوِيِّ
 وَالْإِسْفَلِيِّ رُوحِ حَبْدِ الْكُوفِيِّ وَعَيْنِ حَيْقِ الدَّارِيِّ الْمُسْتَحَقِّ بِالْإِسْرَارِ
 الْمَقَامَاتِ الْأَعْلَى طَفَائِيَةِ السَّحَابِيِّ الْأَعْظَمِ وَالْجَبِيْبِ الْأَكْرَمِ
 نَبِيِّكَ الْأَعْظَمِ وَرَسُولِكَ الْأَكْرَمِ الْهَادِي إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
 سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا وَجَنَابًا وَشَفِيعًا مُحَمَّدٌ بْنُ الْبَيْتِ الْأُمِّيِّ وَرَسُولُ
 الْعَرَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَآزْوَاجِهِ وَوَدَّيْتِهِ وَأَهْلِ
 بَيْتِهِ عَدَدَ سَعْلُو مَا تَاكَ وَبَدَادَ كَلِمَاتِكَ وَكَلِمَاتِ ذِكْرِكَ
 الْغَاثِ فَلَمَّا نَزَلَ سَلَّمَ بِسَلَامٍ كَثِيرًا أَذْوَائًا مُبَارَكًا كَاكَافَةً كَمَا
 تُحِبُّ أَنْتَ وَتَرْضَى وَرَضَى اللَّهُ عَنْ أَصْحَابِهِ رَسُولَ اللَّهِ
 أَجْمَعِينَ - اَرْسَلِينَ نَحْنُ آوَدَدَهُ اِنْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى اَلِ مُحَمَّدٍ كَلِمًا ذَكَرَهُ اللَّهُ اَكْرَدُنْ وَكَلِمًا سَهَى عَنْهُ
 اَلْغَاثُ فَمَنْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تُؤَاهِلُهُ
 وَتُحِبُّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ
 آهِلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ
 عَدَدَ سَعْلُو مَا تَاكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ الْبَيْتِ وَعَلَى كُلِّ
 نَبِيٍّ وَرَسُولٍ عَدَدَ كَلِمَاتِ رَبَّنَا اَلتَّائَاتِ الْبَارِكَاتِ
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَ
 رَسُولِكَ الْبَيْتِ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آزْوَاجِهِ وَوَدَّيْتِ بَابَةِ عَدَدِ
 خَلْقِكَ وَرَضَائِكَ نَفْسِكَ وَزِينَةِ عَرْشِكَ وَبِرَادِ
 كَلِمَاتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَلِ مُحَمَّدٍ مَدْلُوقِ
 دَائِشِدِّهِ وَارْمِكَ اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرُ صَلَواتِ اللَّهِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَقْبَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَرِّتِهِ
 وَآلِهِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ جَمِيدُ مَجِيدُ
 كثر استتمال هر یکی ازین صیغ باعث حصول بار
 قلبی است انشاء الله تعالی از کتاب حزب الاعظم
 و غیره آورده اند که روزی سیدة النساء فاطمة
 الزهراء رضی الله عنهما بخداوند تعالی عهد کردند
 که تا لاک مرتبه صلوة بخوانم روی سطره منور
 سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم نه بنیم در آن اثنا
 آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بخانه فاطمه میرا
 رضی الله عنهما شریف ارزانی فرمودند حضرت
 خاتون جنت رضی الله عنهما سر فرود برد و چشم
 نکشاد سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم بزبان درفشان
 ارشاد فرمودند که ای فاطمه چه احشتم نکشای
 عرض نمود که یا رسول الله من بخت ای نقی العیوب
 کرده ام که تا لاک مرتبه صلوة بر حضرت تو نفرستم
 نظر بر روی مبارک تو نکنم آنحضرت صلی الله
 علیه و آله وسلم نیز سر در مرا تکیه ننهاد و بردند که ناگاه
 جبرئیل علیه السلام آمد و طاهره بنمود که یا رسول الله
 خدا ای تعالی مرا بر شما میفرستد با خفته درود و منین
 بفاطمه الزهراء بگویند که این درود را یک مرتبه

بخواند و چشم بکشد که ثواب یک لک درود دارد آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم بفاطمه الزهرا رضی الله تعالی عنها
فرمودند که این درود بخوان و چشم بکشد و بار بار بین که لک
مرتبه درود خواند باشی و این درود را در دو فاطمه بنام کنند
و آن اینست **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ سَيِّدِنَا**
مُحَمَّدٍ بِسَبْدِ أَنْوَارٍ وَ الْبَسْمَةِ وَ الْكَلَامِ الْحَقِّ وَ الْحَقِّ وَ الْحَقِّ
وَ آيَةِ الْجَمْعِينَ هر که درود فاطمه را هفت بار بر هر
عصو خود بخواند وقف زند و یا رسول الله خدای
گویان در خواب رود بجمال محمدی صلی الله علیه و آله وسلم
مشرف شود و مقصود اصلی و فرعی او محصول انجام
از همین کتاب تقدیم خضر علیه السلام عبد العزیز دباغ
اقراره فی البسمه اری سال لر دیته البنی و اجمع معه به
فی کل یوم یعنی این درود شریفی است که تقدیم خضر است
عبد العزیز دباغ را برای رویت آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم در بیداری هر گرا بخت بیدار
باری کند هفت بار بار سر در بخواند درود شریف
اللَّهُمَّ اَجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ آتِهِ
يَقْطَعُ قَبْلَ الْخُسْوفَةِ وَ الْكُسْفَانِ هر که درود منظم را هفت بار
بار بخواند اجتهاد در صلی الله علیه و آله وسلم را در وقت
پیش درود اینست **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَ**
أَنْ تَقْصَلَ عَلَيْهِ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَ**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ
فِي الْأَرْوَاحِ وَعَلَى جَبَدِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْبَادِ وَعَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ
- از همین نسخه ترکیب دیدن جمال با کمال محمدی صلی الله علیه
وآله وسلم در خواب نفقه شهر و زمفت بار این درود بخواند
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَبِکَرِهِمْ که شب جمعه
در دوستان را در دو سازد بعد از نماز خفتن بخواند
و بعد از خواندن سخن نگوید و با وضو در خواب رود و جمال
مصطفی علیه وآله الصلوة والسلام مشرف شود - از همین
کتاب دیگر در شب آدینه بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت بعد از الحمد آیه الکرسی یکبار
و اخلاص پانزده بار بخواند بعد از سلام هزار بار درود
برسد عالم صلی الله علیه وآله وسلم فرستد و با وضو در خواب
رود و بیک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب ببیند
- از همین نسخه دیگر از همین کتاب - در شب جمعه غسل کرده
دو رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه الله
نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ مِثْلُ نُورِهِ مِثْلُ نُورِهِ مِثْلُ نُورِهِ
فِي زُجَاجَةٍ الرَّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ يُوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُبَارَكَةٍ وَكَوْنُوتِهِ لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ يَكُونُ فِيهَا
نَبِيُّهُ وَكَوْنُوتُهُ نَارٌ نُورُهُ عَلَى نُورِهِ يَكُونُ فِيهَا نُورُ النَّوْرِ مِنْ
يُسْمَى وَكَوْنُوتُهُ رَبُّ اللَّهِ الْأَكْمَلُ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ يَكُونُ فِيهِ عِلْمُ كُلِّ شَيْءٍ عِلْمُ
و بعد سلام هزار بار درود بخواند و بر زمین بخوابد و روت

محمدی صلی الله علیه و آله وسلم نصیب گردد و یکبار که بعد
 از نماز وتر هفتاد بار و یکبار این درود بخواند و بخشد
 سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بیند
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجِبِّهِمْ وَاسْلَمْ
 - از سر خفی دیگر از همین نسخه - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ كَمَا صَلَّيْتَ وَسَلَّمْتَ وَبَارَكْتَ وَجِئْتَ
 وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هر که سیصد و شصت و سه بار
 تا صفت روز و شب این درود را ملازمست نماید البته
 از جمال جهان آرای رسول مقبول صلی الله علیه و آله وسلم مشرف
 گردد و دیگر هر شب دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت
 سوره و التضحی سه بار بعد سوره الحمد شریف بخواند و نیز
 الم نشرح هفت بار بعد در خانه خالی یا در مسجدی صد بار
 این صلوة بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ أَكْرَمْتَ لِقَائِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَ
 بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا تَمْنَى الصَّالِحُونَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ كَمَا تَحْتَسِبُ وَتَرْضَى أَنَّ لِقَائِي عَلَيْهِ يَهْجَأَ بِسْمِ اللَّهِ
 نشسته باشد که جمال جان افروز سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم
 در واقع ظهور تجلی خواهد کرد - از همین کتاب دیگر از کتاب
 غزایم و تفسیرات و غیره - ترتیب خواندن درود که مطهر بن
 سید رسول بنا علیه الرحمن مشغول است باید که بعد از عشا

و صوفیید کرده و در مقابلہ السیاده شده متوجه در جمال بیک
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم شود گو یا کہ در حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
دامن دولت و رحمت در دست نیاز خود گرفته بنحو اند
درود اقدس و اشرف اینست **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ**
وَاٰلِہٖ بِعَدَدِ کُلِّ مَلٰٓئِکَہٗ اول یازده مرتبہ **اَلصَّلٰوۃُ وَاَلسَّلَامُ**
علیک **یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ** گوید و بعد در خواندن درود شریف
مشغول شود و خوشبوی لازم گیرد و هر قدر کہ خواهد بپوشد و
و تنہا بخواند و بعد اتمام درود و موصوفہ یازده بار
اَلصَّلٰوۃُ وَاَلسَّلَامُ علیک **یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ** گوید و بعد آن
انتقاد و یک مرتبہ **لَا اِلٰہَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ**
بخواند بعدہ فاشحہ خواندہ سر سجده نہادہ تصور کند گو یا
کہ بر قدم مبارک سر نہادہ ام و دعای حاجت خواهد
الہی و توجہ حضرت رسالت پناہی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
بمقصود خویش برسد طریق دیگر برای زیارت پرش است
رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بعد نماز عشاء غسل کند
و اگر نتواند و صوفی جدید کرده دو گمانہ تحیت الوضوء را
نماید بعدہ دو رکعت نماز نفل تحفہ بروج رسالت باب
سرور کائنات منقحہ سجدات علیہ افضل الصلوة و
اکمل التحیات اگر در هر چه از قرآن مجید و اند بخواند بعد
از آن فاشحہ نماز حضرت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
کند اند بعد از آن **اَسْمُ اللّٰہِ اَکْبَرُ** و اگر در هر چه از قرآن مجید و اند بخواند بعد

یا بعد مرتبه یا ارحم الراحمین بخواند و بعد ازین اول و آخر
 درود صلوة التمجید هفت هفت بار و در میان یا الله
 یا مغنی یکنوار و یکصد مرتبه بخواند بعد ازین تا وقت خواب
 در و دیکه مذکور خواند شد بخوانده باشد و خوانده خوانده در و دیکه
 رود و جمیع شرایط نگاه دارد و خوشبو لازم گیرد که بسوزاند و
 بهما بخوابد خواب رود و استداب و ز چهارشنبه کند در راه
 اول تا بر وز جمعه و تا صبح سخن بکس نگوید و قبل شروع حسب
 مقدور چیزهای طعام به محتاجان بخوراند انشاء الله شرف
 بشرف زیارت پرشارت سید انام علیه الصلوة و السلام
 خواهد گردید اگر مرد شاغل است بعد ازین وظیفه در شغل
 مشغول باشد و گرنه این درود بخواند تا وقتیکه خواب در چشم
 نیاید در و موصوف اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل
 علی محمد بن المصطفی و آله المجتبی بعد از آنکه الحمد لله
 لا تقدر و لا تحصى اللهم اجعل محمداً حبیباً معاصراً
 بعینی کما جعله فی قلبی یا رسول الله صل الله تعالی علیک
 نور و شرف عید یا رب العالمین یا رب العالمین کما کونت
 و شرفت قاری بشارتیک فانی مشتاق الیک
 یا رسول الله علیه و آله و آله یا جمیع بر خدایت یا ارحم الراحمین
 - این عمل از کتاب عزایم و شجرات و غیره نوشته
 شد و بگوید که در رکعت نماز بعد از نماز عشاء بگوید
 و در اول رکعت بعد از فاتحه آیه الکرسی یکبار و سوره قل

پا تیره بار و در دو م همین سوره قرائت نماید بعد از آن
این درود هزار بار بگوید اللهم صل علی محمد عبدک و حبیبک و رسولک
النبی الامی و علی اله و بارک وسلم و بعد از آن خواب چیز از سرور
کائنات مغفرت موجودات صلی الله علیه وسلم خواهد بیاید
از سرخشی قسم چهارم دعا نامی و اشتغال و او را در وقت
که در باب زیارت فیض ابشارت رسول اکرم صلی الله
علیه وسلم تجزیه بزرگان دین و در باب صدق یقین
رسیده و معانی فرخنی و سعادت انتقامی جمال با کمال
سایه دولت و رحمت بر مفارق ایشان گسترده
برای دیدار آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
گفته اند هر که اراده کند که بیند رسول الله صلی الله
تعالی علیه و آله وسلم را در خواب پس بخواند قبل
از نماز غشا دو رکعت و بخواند در هر رکعت بعد
فاتحه سوره اخلاص سه بار پس هرگاه سجده کند استغفر الله
غشا ننگ کلام با کسی و بخواند دو رکعت نماز بخواند
در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله هفت بار و در خواندن هر
نبی صلی الله علیه وسلم هفت بار پس هرگاه سجده کند استغفر الله
ربی من کل ذنب و القوب العیبه هفت بار و صلوة فرستد
بر رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله وسلم هفت بار بگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
و لا قوت الا بالله العلی العظیم هفت بار

بسنخستند و بلند کند هر دو دست خود را و بگوید یا حی یا قیوم
 یا قاضی الحاجات و الله اکرم یا ارحم الراحمین یا رحمن الله تبارک و تعالی
 و حیتهما یا الله الله تبارک و تعالی یا رحمن یا رحیم یا رب یا الله یا الله یا
 الله برای دیدار فیض آثار سید ابرار احمد مختار صلی الله علیه
 و سلم و دیگر از اولیای کرام و اموات و نام هر که که دل خواهد پس
 بر گاه اراده کنی که یعنی رسول الله علیه السلام یا کی از اولیای کرام
 را پس دهنده خبر ترا از خروج رنج و تعب که در این دست و پامیزی
 پس و منو کن و بپوش لباس ظاهر و خواب کن استقبال
 قبله بر دست راست خویش و بخوان در شمس و صبحها سبع
 مرات و الیل اذ الغیثه هفت بار و قل هو الله احد هفت بار
 یا نبخوان اللهم ارحم فی فی ما فی کذا و کذا و ارفع لی من کثر من فی حیا
 و مخیر حیا و از وقتی می شمار می تا استقل بر علی ارجائیه و غوی می پس
 تحقیق خوابی دید در اول شب یا در شب ثانی یا در شب ثالث
 چیزی را که طالب میکنی و این از اسرار مخزونه است منقول از
 نقات و همهم الله از فاته العوامل دیگر کسی خواهد که با حضرت
 مصطفی صلی الله علیه و سلم و اصحابه و جمیع ارواح و
 ملاقات کند باید که بیرون شهر رفته بکناره آب غسل کند
 بعده سر برهنه دو رکعت نماز و هفت بگذارد بعد از آن دو رکعت
 دیگر صلوة الله و اوح گذارد در اول رکعت بعد فاتحه
 بست یکبار سوره اخلاص و در ثانی بست و یکبار
 معوذتین بخواند بعد سلام سر بجهند و سه بار

اغثنی اغثنی بگوید بعد از این اسم را هفت هزار مرتبه بخواند
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم و قسید که
این مرتبه تمام شود روی سوی آسمان کند ایستاده شده سه
گام راستا و چپا رود اما رو از قبله نگرداند و حضرت مصطفی صلی الله
علیه و آله و سلم را در ملا حظة آورد تا آنکه خود معبودم شود بعد چشتم
را بکشتید از راه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
را و جمله اصحاب رضی الله عنهم در نظر جلوه خواهند ساخت هر
حاجتی که باشد عرض کند ساخته گردد و این عمل فقیر
است و بعد از این مناجات بخواند الهی آنچه بد کردم نداشتی
فقط که درم بخشیدی بحسب فضلک اللهم لا اله الا انت محمد الرسول الله از جواب
و گیر اندام منی و عندک مددی و عذیک معتمدی اغثنی بمحمد
و عترته الطاهرين جبهت ادیت صلی الله علیه و آله و سلم
تا هفت شب هر شب دو هزار بار بخواند از غمزن الودود
و بگوید یا ابراهیم نبی نقل می آرند که گفت که پیغمبر خدا خضر
علیه السلام که مرا چینی تعلیم کن که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
را در خواب ببینم گفت اگر آرزوی دیدن جمال جهان آرای
میداری باید که بعد از مغرب تا نماز عشاء سمن بکسی نگو
و بنماز مشغول شو چون وقت عشاء شود غوغا جید کرده
دو گانه تحت الوضوء بگذار و بخوان در هر رکعت بعد فاتحه
سوره احزاب هفت بار پس نماز عشاء با جماعت بخوان
و سخن با یکس بگو و بخانه نویسنش برو و نماز وتر بخوان

بخوان باز در وقت خواب دو رکعت نماز بنیت استخارا
بگذار و بخوان در هر رکعت بعد سوره فاتحه سوره اخلاص هفت بار
بعد سلام در سجده رود و استغفار بگوید و در آن سجده بخوان
اللهم وانحمد لله ولا اله الا انت الله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
الحق العظيم هفت بخوان بعد سه راز سجده برادر و برابر نشین
دوست برادر یا محی یا قتیوم یا فاعل المجدل والاکرام یا الله الا ولین و
الا حسنین ورحیمهما یارب یارب یا الله یا الله یا الله بعد سه
خیزد و در قیام دعای مذکور بخوان سه بار یا پنج بار یا هفت بار باز
در سجده رود و دعای مذکور بخوان و استقبال قبله خواب کن
و در دو گویان در خواب رو ابراهیم گفت از که آموختنی حضرت
علیه السلام گفت از پیغمبر علیه الصلوۃ والسلام ابراهیم گفت
ثواب این نماز بیان کن گفت و تقبیکه پیغمبر علیه السلام را در
بابی خواهی پرسید ابراهیم میگوید من این عمل کردم و امیدوارم
لقای مبارک بودم تا صبح شد عزم نمودم شب آینده نیز
عمل کنم درین فکر بودم که وقت ارتفاع النهار مرا خواب در بود جمعه
فرشتگان دیدم که مرا پیشت بردند پس دیدم قصری از بناوت
وز مرد مرور میداد و جویهای لذت شیر و شراب در یک قصروی
حوری دیدم که روی او در خشان تر از آفتاب بود و گیسویی
او تازمین افتاده پرسیدم که این قصر و حور و فرشتگان از کیست
گفت هر که این عمل کند میوه و شراب بهشت خوردن فرشتگان
مرابطی رسانند که جمال جهان آرایی پیغمبر صاحب صلوات الله

علیه و آله وسلم را دیدم و همراه آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 بهفتاد و نوبی علیهم السلام بودند و هفتاد و هفت از لشکریان بودند
 سلام کردم بفرماندهای سلام دست من گرفت پرسیدم
 یا رسول الله صلی الله علیه و سلم خضر از شما نقل چنین را
 فرمود فرمود که راست گفته است چرا که او عالم اهل زمین است و در
 الا بر کامل یقین از کتاب عزالم و او را دو نسخه است نوشته شده
 و دیگر که نوشته است اسم محمد رسول الله و اخمد رسول الله صلی
 پنج بار و نظر کرد وقت طلوع شمس بطرف آن و صلوٰه و در
 فرستاد بکثرت بر رسول صلی الله علیه و سلم خواهد دید
 رسول کائنات علیه التحیه و التسلیمات را در بنام از جمعه
 او را غنیمت و یکسر در روز پنجشنبه روزه دارد و در شب
 جمعه وضو می جسد یکند و تحنیت و منو بگذارد و در بستر
 خواب رود و بر بیلوی راست حسد و این اسما
 تکسر از یکند حضرت رسالت پناه صلی الله تعالی
 علیه و آله و سلم را در خواب بیند اسما مکرر این است
 یا کبریم یا اعفوی یا العذل انت الشدنی ملاک کل شئی
 بعد از کتاب مصنفه منام جن حسین خان نقل
 شد دعای سیفی هر که خواست که
 بینم نبی علیه السلام را و یا یکی از انبیاء
 کرام علیه السلام را یا یکی از اقطاب خویش
 یا یکی از اولیای الهی فرستند که پیش راپس بخواند چهل

ویکبار دعای حزمیانی را پس خواهد دید و در مقام
 مطلوب در عجب خویش را و دعای حزمیانی
 این است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ أَصَلِّ
 وَأَسْأَلُ عَلَى سَيِّدِ الرَّسَالِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْكَافِرُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ غَلَبْتُ سَوْءَ وَفَلَسْتُ نَفْسِي وَأَغْرَقْتُ
 بِيْضِي فَأَعْقِبْ بِيْ ذُنُوبِيْ كُلَّهَا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَكَ أَنْتَ يَا رَبِّ
 يَا عَظُوفُ يَا شَكُورُ يَا حَلِيمُ يَا حَرِيمُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ وَأَنْتَ لِلْمُتَمِّدِ أَشَدُّ عِلَّةً مَا خَفَضْتَنِي بِهِ مِنْ
 حَوَائِبِ الرِّغَائِبِ وَأَوْصَلْتَ إِلَيَّ مِنْ مُضَارِعِ الْقَنَائِعِ
 وَأَقْرَبْتَ بِي مِنْ أَحْسَنِ أَهْلِ بَيْتِي بِمِنْ أَحْسَنِ أَهْلِ
 دَوْلَةِ أَمْرِي بِمِنْ مُطَهِّتَةِ الصَّدَقِ وَوَضَعْتَ بِي مِنْ مَشِيئَةِ الْوَارِثَةِ
 إِلَيَّ وَأَحْسَنْتَ إِلَيَّ مِنْ رِزْقِ نَارِ الْبَيْتِ عَنِّي الشُّوْفِيقِ
 إِلَيَّ وَالْوَجَابَةِ بِدُعَائِي حَسْبِي أَنَا وَبِكَ دَعَايَا
 وَأَنَا حَيْثُكَ بِرَأْسِكَ وَأَدْعُوكَ بِرَأْسِكَ مُضَارِعًا
 مُصَادِفًا وَحَسْبِي أَرْضُكَ رَأْسًا فَاجِدُكَ
 مِنْ الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا إِلَيَّ حَسْبِي رَأْسًا حَسْبِي رَأْسًا
 بِأَرْضِ وَأَرْضِي الْأَمْوَرُ كُلُّهَا نَامِرًا وَنَفْسِي أَوْ نَاطِرًا
 وَنَفْطًا يَا وَاللَّذُنُوبِ عَنْ فِرَارٍ وَبِالْعَيْنِ
 سَائِرًا أَلَمْ أَعِدْ أَحْسَنَ نَفْسٍ وَخَوْنَتٍ وَبِرَّكَ
 وَخَيْرِكَ فِي طَرْفَةِ عَيْنٍ مُبْدِ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِحْتِيَارِ

وَالْعَفْوَ وَاللَّهِ عَتَبٌ رَاسُهَا إِنِّي فِيمَا أَقْبَى مِمَّنْ أَلَيْكَ لَدَا الْعَلَمِ
فَأَنَا عَتِيقُكَ يَا مُؤَلَّامِي مِنْ جَمِيعِ الْمَضَارِّ وَالْمَضَالِ
وَالْمَصَائِبِ وَالْمَوَارِبِ وَالْمَعَالِبِ وَاللُّوَارِبِ
وَاللُّوَارِمِ وَالْمُسْنُومِ الَّتِي قَدْ أَوْزَعْنِي فِيهَا الْعُتُومِ
بِمَعَارِضِهَا أَصْنَانِ الْبَلَاءِ وَفَرْزِهَا جَهْدِ
الْقَصْرِ لَا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ وَلَمْ يَكُنْ
رَاشِكُ إِلَّا التَّقْصِيلُ حَسْرَتُ بَنِي شَالِ
وَصُنْعُكَ لِي كَامِلٌ وَلَطْفُكَ كَافِلٌ فَضْلُكَ
عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ وَنِعْمَ عِنْدِي مُصَدِّقٌ لَمْ يَخْفَرْ حَوَارِي
وَمَدْرَفُ حَبَارِي وَمَسَاحِبُ أَسْفَارِي
وَأَكْرَمُ أَخْصَارِي وَشَفِيتُ أَسْرَارِي
وَعَافَيْتُ سَقَمِي وَمَشَوَاتِي وَلَمْ تَشْمِتْ
بِي أَعْدَائِي وَرَمَيْتْ بَيْنَ رَمَانِي لِسُوءٍ وَكَفَيْتَنِي شَرَّ
عَادَائِي مُحَمَّدِي لَكَ وَاصِبٌ وَشَارِي عَلَيْكَ مُتَوَاتِرٌ
وَأَيُّكُمْ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ يَا لَوَانِ التَّسْبِيحِ لَكَ خَالِصًا
لِذِكْرِكَ وَتَرْغِيئِكَ يَا صَاحِبَ التَّوْحِيدِ وَارْتِدَادِ التَّفْرِيدِ وَ
إِنْعَادِ التَّجْنِيدِ بِطَوْلِ التَّعَبِّدِ وَالتَّخَوُّدِ لَمْ تَعْنُ فِي ذِكْرِكَ
وَلَمْ تَنْشَأْ رَفْعِي إِلَيْكَ وَلَمْ تُعْلَمْ لَكَ مَائِدَةٌ وَمَا بَيْنَهُ
فَتَسْلُونَ لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مَجَانًّا وَلَمْ تُعَامِنِ رُؤُوسُكُمْ
لِلْأَشْيَاءِ عَلَى الْعَذَائِمِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَلَا حَرَقْتَ الْأَوَامِ
حُجُبِ الْغُيُوبِ إِلَيْكَ فَاعْتَقِدْ مِنْكَ مُحَمَّدٌ وَدَائِمِي عَطْفُكَ

لَا يَسْتَعْلِكُ بَعْدَ الْإِيمَانِ لَكَ غَوْصُ الْفُطْنِ وَلَا يَسْتَهْنِي إِلَيْكَ
بَصَرًا ظَهَرَ فِي مَجْدِ جَبَرُوتِكَ إِذْ تَقَفْتَ عَنْ صِفَتِ الْمُخْتَوَيْنِ
ذَلِكَ وَصِفَاتِ قُدْرَتِكَ وَعَلَى عَيْنِ ذِكْرِكَ الْكَرِيمِ كَبْرًا وَبُ
عَظَمَتِكَ فَلَا يَسْتَقِصُّ مَا دَرَسَتْ أَنْ يَرُدَّ أَذْهُ لَا يَزِيدُ إِلَّا مَا أَرَادَتْ أَنْ تَشْفِصَ
وَلَا يَصْنَعُ شَيْئًا مِنْ فِطْرَتِ الْخَلْقِ وَلَا يَدُ حَفَرِكَ
حِينَ بَرَأْتَ السَّمَوَاتِ كُلَّهَا وَالْأَرْضَ عَنْ تَقْرِصِكَ وَ
الْمُسْتَرَاتِ الْعُقُولِ عَنْ كُنْهٍ مُغَرَّبَاتِكَ يُوصَفُ عَنْ كُنْهِ صِفَتِكَ
مَا رَأَتْ وَأَرَسَتْ أَلَهُ الْمَلِكِ الْحَيَّ الرَّعْدَ دَسَّ الْأَذَى لَمْ
تَنْزَلْ أَزَلِيًّا أَبَدِيًّا سَرْمَدِيًّا وَأَرَسَتْ فِي حُجُبِ الْغُيُوبِ
وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ كَيْسَ فَنِيَسَ أَحَدٌ عَنَيْكَ
وَلَمْ يَكُنْ لَهَا إِلَهٌ سِوَاكَ حَارَثَ فِي بَحَارِ مَلَكُوتِكَ
عُمَيْقَاتِ مَذَاهِبِ الشُّفْكَهِ وَلَوْ أَصْنَعْتَ الْمَلُوكَ لِشَيْئِكَ
وَعَسَتْ الْوُجُوهُ بِذَلِيلَةِ الْإِسْتِكَانَةِ لِعِزَّتِكَ وَالْفَاءُ
كُلَّ شَيْءٍ عَظَمَتِكَ وَالسُّسْطَلِيمُ كُلَّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ
وَرَبُّو بَيْتِكَ وَخَضَعَتْ لَكَ الرُّقَابُ وَكُلُّ دُونِ ذَلِكَ
خُسْبِيَّةُ اللُّغَاتِ وَصَلَّ نَهَائِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ
الصِّفَاتِ مِنْ تَفَكُّرِي فِي ذَلِكَ رَاجِعُ طَرَفَةِ الْبَيِّنَةِ حُسْبِيَّةُ
وَعَقْلُهُ مَبْنُوتَانَا وَتَفَكُّرُهُ مُخَيَّرُ الْإِلَهِّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
وَأَيُّمَا كَبِيرٍ أَسْتَوَابِي أَسْتَوَابِي أَسْتَوَابِي أَسْتَوَابِي
يَدُومُ وَلَا يَبِيدُ عَنِ مَنَاقِبِهِ فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا يَنْقُوسُ
فِي الْعَالَمِ وَلَا يَنْقُصُ فِي الْبُحْرَانِ فَكُلُّ الْحَمْدِ عَلَى مَكَارِمِكَ

الَّتِي لَا مَصْلَحَةَ فِي الْفَيْسِلِ إِذَا أَوْبَرُوا الْقَبِيحَ إِذَا اسْتَفْرَوْا فِي كِبَرِهِ وَالْمَجَامِدَ وَالْعُدُوَّ
وَالْأَكْمَالَ وَالْعَشَى وَالْإِبْكَارَ وَالْقَبِيحَ وَالْأَسْحَابَ فِي كُلِّ
جُزْءٍ مِنْ جُزْءِهِ وَالْفَيْسِلَ وَالْمَنْكَارَ الْقَبِيحَ بِتَوَقُّفِكَ قَدْ وَخَّضْتُمْ
تَنِيَّ التَّجَاةَ وَخَطَّيْتُمْ فِي مَنَاسِكِ نَبِيِّ الدَّيْتِ الْعِصْمَةَ مِنْكُمْ أَبْرَزَ
مَنَاسِكِي فِي سَبْعِينَ خَطَايَاكُمْ وَتَتَابَعُ الْكَلَامُ فَخَرُوبُ الْكَلَامِ
فِي التَّرَدُّدِ وَالْمُتَبَاعِ مَقْطُوعًا لَكُمْ فِي السَّعْيَةِ وَالْوَقَاجِ عَنِّي وَلَمْ تَطْلُقْنِي
ثَوَقَ طَائِفَتِي وَلَمْ تَرْضَ عَنِّي إِلَّا طَائِعَتِي فَإِنَّكَ أَنْتَ إِلَهُ الْبَرِّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ أَغْنِ وَلَا تَغْنِبْ عَنْكَ عَائِيَّةٌ وَلَا تَحْضِي عَلَيْكَ
حَسَائِيَّةٌ وَلَنْ تَهْضَلَ عَنْكَ فِي ظِلْمِ الْخَفِيَّاتِ ضَائِكَةٌ إِنَّمَا
أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ رَبِّ أَنْ تَكُونَ الْكَلِمَةُ
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا بِمِثْلِ مَا حَمَدْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَحَمْدَكَ بِهِ
الْمَلَائِكَةُ بِدُونِ وَوَحْدَكَ بِهِ الْمَوْحِدُونَ وَحَمْدَكَ بِهِ الْمُتَجِدُّونَ
وَالْمُشْرِكُ بِهِ الْمُتَشَرِّكُونَ وَبَلَدَكَ بِهِ الْمُتَبَلِّغُونَ وَعَظَمَتَكَ
بِهِ الْمُعْظِمُونَ وَسَبْحَتَكَ بِهِ السَّابِّحُونَ وَقُدْرَتَكَ بِهِ الْمُقْدِرُونَ
حَتَّى يَكُونَ لَكَ بِرَبِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرَفَةٍ عَيْنٌ وَكُلٌّ مِنْ
ذَلِكَ بِمِثْلِ حَمْدِ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ
الْمَوْجِدِينَ وَالْمُخْلِصِينَ وَالْقُدِّيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ وَ
شَتَا جَمِيعِ الْمُتَبَلِّغِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْتَجِيبِينَ وَمِثْلَ مَا أَنْتَ بِهِ
رَبِّ عَالَمٍ عَظِيمٍ وَهُوَ مُشْتَمِدٌّ وَخَبِيرٌ وَخَبِيرٌ
مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ لَمْ يَكُنْ مِنْ الْخَبِيرَاتِ وَالْبَرِّيَّاتِ وَالْإِنَامِ
وَالْزَيْبِ إِلَيْكَ فِي بَرَكَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا

أَلَيْسَ مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ عَلَى
 شُكْرِكَ أَيْبَةً أَغْنِي بَالْتِمَعِمْ فَضْلَهُ وَلَهُوَ أَمْرٌ تَعْنِي
 يَا شُكْرَ حَقِّكَ وَعَدْلَكَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَشْغَا فَاؤْمِرْ يَدَاؤُ عَظَمَتِي
 مِنْ رِزْقِكَ أَسْعَا وَأَقْرَأْ كَثِيرًا أَوْ رَحِمْتَ أَوْ رَمَى
 وَسَمِعْتَنِي مِنْهُ شُكْرَ الْيَسِيرِ الصَّغِيرِ الَّذِي جَعَلْتَنِي
 وَعَسَائِي مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ تَسْتَمْنِي بِهِ لِسُوءِ
 قَضَايَاكَ وَبَلَدِيكَ وَجَعَلْتَ مَبْسِي الْعَامِيَةِ
 وَأَوَّلِيَّتِي الْمُسْلِمَةِ وَالرَّحَى وَسَوَّغْتَ لِي الْيَسَرَ
 الْقَصْدَ وَضَاعَفْتَ لِي أَشْرَفَ الْفَضْلِ مَعَ مَا وَعَدْتَ
 تَعْنِي بِهِ مِنْ الْحُجَّةِ الشَّرِيفَةِ وَبَشَّرْتَنِي بِهِ مِنْ الدَّرَجَةِ الرَّاقِيَةِ
 وَأَصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ التَّيْهِنِ دَعْوَةً وَأَفْضَلِهِمْ لَنَا شَفَاعَةً وَ
 أَوْصِيَهُمْ حُجَّةً وَأَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَعَلَى حَيْثُ الْإِنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
 مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ وَلَا يَحْفَظُهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يَكْفِرُهُ
 إِلَّا تَجَاوُزُكَ وَفَضْلُكَ وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَلِيَلَتِي
 هَذِهِ وَشَهْرِي هَذَا وَسَنَتِي هَذِهِ يَقِينًا صَادِقًا يُؤْمِنُونَ
 عَلَى مَصَائِبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَآخِرَ النَّهْيَا
 وَيُسَوِّقُنِي إِلَيْكَ وَيَرْعَيْنِي قِيَامَ عِنْدِكَ وَالْكَثْبَ لِي
 عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ مِنْ عِنْدِكَ وَأَوْزِرْ عَنِّي
 شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْمَلِكُ الْوَاحِدُ
 الْأَحَدُ الْمَلِكُ الْمُتَمَيِّزُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي

لَيْسَ لَكَ مَرْكَبٌ مَرْفُوعٌ وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُنْتَجِعٌ وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ
فَا طَرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَالَمِ
الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ أَلْقَمَ إِلَى أَسْكَاتِ الثَّغَاتِ فِي الْأَمْرِ وَالْعُمُومِ
عَلَى الرَّشْدِ وَالشُّكْرِ لَكَ نَعَمَكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
جَوْرِ كُلِّ عَابِدٍ وَبُغْيِ كُلِّ بَاغٍ وَحَسْبُ كُلِّ حَاسِدٍ وَكَمَلُ كُلِّ مَارِكٍ
وَعَذَرُ كُلِّ غَادِرٍ وَكَسْبُ كُلِّ كَاذِبٍ وَشِبَابَةُ كُلِّ كَاشِبٍ وَبِكَ
أَصُولُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْجَاؤُكَ أَرْجَاؤُكَ وَلَدَيْكَ الْأَحْسَبُ وَالْفَرَاوُ
فَلَا تُخْشَى عَلَى مَا لَا اسْتَطِيعَ احْصَاؤُهُ وَلَا تَعْدِيدُهُ
مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ وَعَوَارِفِ رِزْقِكَ وَالْوَلَانِ مَا ذُو لَيْتِنِي بِهِ
مِنْ أَرْفَاقِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَاشِي فِي أَحْسَنِ خَلْقٍ خَمْدَكَ
الْبَاسِطُ بِالْجَوْدِ لَكَ الْأَصْدَاقُ فِي حُكْمِكَ وَلَا تَنْزِيحُ فِي
سُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ وَفُلْكَ وَأَمْرِكَ فَتَمَّكَ
رَبَّنَا إِنَّا نَمُتُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَمْلِكُونَ مِنْكَ إِلَّا مَا تَرِيدُ أَللَّهُمَّ
أَنَّكَ أَنْتَ النُّعْمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقْسِدُ
الْقُدُّوسُ فِي تَوْحِيدِ الْقُدْسِ تَرَدَّدْتَ بِالْعَبِيدِ الْعُلَاءِ
وَنَادَيْتَ بِالْعُظَمَاءِ وَالْكَبِيرِ بِالْغَشِيَةِ بِالشُّورِ وَالْقِيَامِ
وَتَجَلَّيْتَ بِالنَّبَايَةِ وَالنَّبَايَةِ لَكَ أَمْسُ الْقُدْسِ
وَالسُّلْطَانِ الشَّامِ وَالْمَلِكِ الْبَارِعِ وَالْجَوْدِ وَالْكَرَمِ
وَالْقُدْرَةِ الْكَاطِنَةِ أَلْبِ الْبَلَاءِ فَتَمَّكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَعَلْتَنِي
مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهِيَ أَفْضَلُ

بَنِي آدَمَ الَّذِينَ كَفَرْتُمْ وَجَعَلْتُمْ فِي النَّبِيِّ وَالْجَبَرِ وَرَفَعْتُمْ
مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْتُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْتُمْ مِنَ النَّاسِ
تَفْضِيلًا وَتَقَنَّنِي سُبْحًا بِصَبْرٍ صَحِيحًا سَوِيًّا
سَاءَ مَا مَعَكَ كُفَيْتَ وَلَمْ تَشْغَلْنِي بِتَقْصَانٍ فِي بَدَنِي
وَلَمْ تَمْنَعْنِي كَرَمَكَ إِنِّي أَمَى وَحَسَنَ صَنِيعِكَ عِنْدِي وَفَضَّلَ
هَذَا بِحَبْلِكَ لَدَيْي وَنَعَمَ بِكَ عَلَيَّ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي تَوَسَّعْتَ
عَلَيَّ فِي الثَّمَنِ بَرَزْتُكَ وَأَسْعَا وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ
مِنَ خَلْقِكَ تَفْضِيلًا فَجَعَلْتَ لِي سَعَاءً لَيْسَ بِكَ
وَعَشَلًا لِي فَسَمَّيْتُكَ وَبَصْرًا لِي وَفَضَّلْتَكَ
فَوَادَّ يَغْرِثُ عَيْنِي وَفَضَّلْتَكَ لِي وَجَدْتُكَ فَاتَى
لِفَضْلِكَ عِنْدِي حَسْبُ ذَلِكَ لِي فَكُنْ شَاكِرًا
وَلِحَقِّكَ شَاكِرًا فَإِنَّكَ حَقٌّ قَبْلَ كُلِّ حَقٍّ
وَحَقٌّ لِكُلِّ حَقٍّ وَحَقٌّ لِكُلِّ شَيْءٍ وَحَقٌّ لِمَنْ تَرْتِ الْأَحْيَاءُ
مِنَ حَقِّهِ لَمْ تَقْطَعْ خَيْسَرَ عَيْنِي فِي كُلِّ وَقْتٍ وَلَمْ تُنْزِلْ
بَنِي عَقُوبَاتٍ إِلَيْهِ وَلَمْ تَمْنَعْ عَيْنِي وَقَالَ لِي الْوَحِيدُ وَلَمْ تُغَيِّرْ
عَلَيَّ وَثَائِقَ النِّعَمِ فَإِنَّكَ أَكْثَرُ مِنَ أَحْسَابِ الْأَعْقَابِ
عَيْنِي وَالْتَوَقُّفُ لِي وَإِلَّا جَابَتْهُ الْأَعْيَالُ حِينَ رَحِمْتَ
صَفِيًّا بِوَحِيدِكَ وَخَيْرِيكَ وَخَيْرِيكَ وَاللَّهُ فِي تَقْدِيرِكَ
خَلَقَ حِينَ صَوَّرْتَنِي فَاحْسَنْتَ صَوْرَتِي يَا إِلَهِي فِي قِسْمَةِ
الْأَرْزَاقِ يَا إِلَهِي يَا إِلَهِي لَكَانَ فِي سَوَابِغِ الْمَخْلُوقِ
شُكْرِي عَنِ بَشَرِي تَكْنِيفًا أَوْ فَلَكَ شُكْرِي فِي الْبَشَرِ

وَالْعِظَامُ اِمَّا اَنْتَ اَوْ الْقَلْبُ فِيْهَا وَلَا اَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ
 مِنْكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَدْوًا وَحَفِظْتُ عَلَيْكَ وَعَدْوًا وَسَخِيَّةً
 وَنَمِيْلًا عَدْوًا مَا حَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ وَاصْنَعْتَ مَا تَشْتَوِيْهِ
 مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ قَرِّبْ رَحْمَتَكَ اِلَيَّ فَيُنَاقِضْ عُمْرِيْ لِكَرَامَتِكَ
 اَحْسَنْتَ اِلَيَّ فَيُنَاقِضُ رِزْقِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ وَاقْتَسِلُ
 اَلْيَدِ سِتْرَ جَنَدِكَ وَتَحْجِيْزِكَ وَتَوَكُّلِيْكَ وَكَبِيْرِيْكَ وَ
 كَمَالِكَ وَكِبَرِكَ وَعَظِيْمِكَ وَتَوَكُّرِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعِلْوِكَ
 وَدُعَايِكَ وَمَنْكَ وَبَيِّنَاتِكَ وَجَمَالَكَ وَجَبَلَدِكَ وَ
 سَهْلَتِكَ وَفَيْضِكَ وَعِزَّتِكَ وَعِزَّةَ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ اَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ عَلَيَّ سَائِرِ اَخْوَانِيْ مِنَ الدُّنْيَا وَالدِّنِّ وَالدَّارِ الْآخِرَةِ
 وَ اَنْ لَا تُخَيِّرَنِيْ بَيْنَكَ وَفَضْلِكَ وَجَمَالَكَ وَجَبَلَدِكَ وَفَيْضِكَ
 وَرَأْفَتِكَ وَالتَّطَهَّرْ اِلَيَّ وَجِهَكَ وَاسْتَشِقْ اِلَيَّ لِقَائَكَ نَافِلَةً
 لَا يُعْصِرُكَ لَكِنَّ شَرَفًا مَّا قَدْ كَثُرَتْ مِنَ الْعَطَايَا عَوَاقِبُهَا
 اَنْجَسَ وَلَا يَنْقُصُ جَوْدُكَ اَلتَّقْصِيْرُ فِي شُكْرِكَ تَعْيِيْلُكَ
 وَلَا شَفَقَةُ خَيْرِكَ مَوَارِبُكَ اَلتَّقْصِيْرُ وَلَا يُوَسِّرُ فَيُجْوَزُكَ
 اَلْعَظِيْمُ مِثْلَكَ اَلْعَنَانُ لِقَابِ الْجَنَّةِ الْجَنَّةِ وَلَا تُخَادِعُ نِيْمَ اَمْلَقُ
 نَسْتَكْدِيْ وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ مِنْ جَوْدِكَ
 فَيُضَيِّضُ فَضْلَكَ اَللّٰهُمَّ كَرِّرْ رُزْقِيْ لِيْ بِأَحْسَنِ مَا خَافَا
 مَنَارِعًا وَبَدَنًا صَابِرًا وَوَقِيْنًا صَادِقًا وَرَبًّا ذَا كَرَمٍ وَوَحْدَانًا
 وَوَعِيْنًا بِاَكْبَرِيَّةٍ وَرِزْقًا وَارْسَعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَفَنًا كَالْجَلَا

وَوَدَّاهُ صَالِحًا وَسَيِّئًا طَوِيلًا وَعَمَلَهُ صَالِحًا وَلَوْ أَنَّهُ مَقْبَلًا
وَأَسْأَلُكَ بِذِقَا دَارِ سَاحِلِ الدَّارِ طَيِّبًا وَلَا تَوَدَّ مَنِي مَكْرَك
وَلَا تُنْهِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُخْشِفْ عَيْنِي سِرَّكَ وَلَا تُقْطِعْ نَفْسِي
مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْ كُنْفِكَ وَخُجْرِكَ وَأَعِزَّنِي
مِنْ سَخَطِكَ وَغَضَبِكَ وَلَا تُنْكِرْ مِنْ رَحْمَتِكَ دَوْلَةً
وَكُنْ لِي أَيْمَانًا مِنْ كُلِّ رُوعَةٍ وَوَحْشَةٍ وَخَلِيسًا
مِنْ كُلِّ دَاحِزَةٍ وَأَعِصْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَخَيْبَةٍ مِنْ كُلِّ
بَلِيَّةٍ وَأَنْفِ عَابَتِهِ وَغَضَبِهِ وَخُسْفَانِهِ وَشِدَّةِ بَنِي الدَّارَيْنِ
رَحْمَتِكَ لَا تُخْلِفْ الْبَيْعَ اللَّهُمَّ وَلَا تُضَيِّعْنِي وَأَوْفِ عَيْنِي لَا تُخَيِّبْنِي
وَأَعْظِنِي وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ الْكُرْمِي وَلَا تُشْنِي وَزِدْنِي وَلَا تُقْطِعْنِي وَ
أَرْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَالْفُزْنِي وَلَا تُخْذِلْنِي وَأَسْتُرْنِي وَلَا تُفْضِنِي
وَأَرْزُقْنِي وَلَا تُؤْزِرْنِي عَلَيَّ وَأَحْفِظْنِي وَلَا تُضَيِّعْنِي فَأَنْتَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
يَا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ مَشَرَعْتَ
رَفِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَتَيْسِيرِكَ فَتَيْسِّرْ لِي بِأَحْسَنِ التَّوْفِيقِ كُلِّهَا
وَأَصْلِحْهَا وَأَصْلَحْهَا فَإِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ يَا أَلَا جَابِرُ
جَدِيدُ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ
بُنِيَ السَّمَاءُ أَنْ يَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ اللَّهُ يَأْمُرُ بِأَمْرٍ
أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَتَسْبِيحُ
الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ كُلِّ شَيْءٍ وَالْبَرِّ شَرِّ جَعُونَ وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ

وَأَذِّنْ لِلْعَذَابِ الْكَافِرِينَ
يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْفُ
الْعِصْيَانِ أَوْ ظَنُّهُمْ أَنَّهُمْ
يُخَالَفُونَ

تسبیح گشتیہ کشیہ ایازم الزم الزم جیفن ویا غیر الناصرت
 از محمود دعای سیفی و چهل اسماء و عشره نوشتہ شد
 از شیخ نصیر الحق والدین محمود الدودہنی چیراغ و ہلی
 قدس سرہ ہر کہ بعد از ادائی نماز خفتن چہار رکعت
 بگذارد بدو سلام و بعد فاتحہ سورہ و الفصحی و الم نشرح
 و انما انزلنا واذ انزلنا الارض یگان یگان بار بخواند
 و بعد از سلام ہفتاد بار و در شریف بخواند و ہفتاد
 بار استغفر اللہ و با طہارت در جایی پاک خسید
 سید عالم صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب ببیند
 از سر خفتی دیگر از ہمین کتاب ہر کہ غسل فرماید و
 و پوشاک لطیف لباس تن نماید و دو رکعت بگذارد
 و این اسماء زیر سردار رسول اکرم نبی معظم صلی اللہ
 علیہ وسلم را در خواب ببیند اسماء اینست تمکیط
 سطح سطح و دیگر از ہمین کتاب اگر کہ
 مشتاق دیدار شریف در وقت لطیف رسول کریم
 علیہ التحیۃ و التسلیم شود باید کہ در شب جمعہ دو
 رکعت نماز بگذارد و در ہر رکعت بعد سورہ فاتحہ ۴
 سورہ اخلاص سہ بار بخواند و این دعای متبرکہ را
 ہفت نوبت بخواند و اگر خواندن نتواند در زیر بالین
 مخونہد و در خواب رود آنحضرت صلی اللہ علیہ
 و آلہ وسلم را در خواب ببیند و حاجتی کہ خواہد بجا آید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ
اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الرَّحِيمُ الْحَكِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الْكَرِيمُ
الْعَلِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الْعَلِيَّ الْعَظِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الْقُدُّوسُ اللَّهُ
اللَّهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ اللَّهُ اللَّهُ الْغَفُورُ الْوَدُودُ اللَّهُ اللَّهُ الشَّكُورُ الْحَلِيمُ
اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ اللَّهُ اللَّهُ الطَّيِّبُ الْخَبِيرُ اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْمَوْجِدُ
اللَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ اللَّهُ اللَّهُ الْعَلِيمُ
الْقُدُّوسُ اللَّهُ اللَّهُ الْكَبِيرُ الْكَبِيرُ اللَّهُ اللَّهُ الْقَادِرُ الْوَثَّاقُ اللَّهُ
اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ اللَّهُ اللَّهُ الْكَرِيمُ الْمُتَعَالَى اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ
اللَّهُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ اللَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الرَّؤُوفُ اللَّهُ اللَّهُ
الْمُؤْمِنُ الْيَمِينُ اللَّهُ اللَّهُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ
اللَّهُ اللَّهُ الْخَالِقُ الْخَلَّاقُ اللَّهُ اللَّهُ الْمُبْدِئُ الْعِيدُ اللَّهُ اللَّهُ الْحَكِيمُ
الْعَلِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الشَّاهِدُ الشَّهِيدُ اللَّهُ اللَّهُ الْوَلِيُّ الْوَكِيلُ اللَّهُ
اللَّهُ الْقَابِضُ الْكَرِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الشَّامِخُ النَّهِيرُ اللَّهُ اللَّهُ الْقَوِيُّ الْمُبِينُ
اللَّهُ اللَّهُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ اللَّهُ اللَّهُ الْخَنَّاسُ الْخَنَّاسُ اللَّهُ اللَّهُ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ
اللَّهُ صَلَّي اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از کتاب مذکور دیگر در مخطوط
حضرت علوی قدس سره هر گاه خواهد که بینی
آن دولت بیدار یعنی سید الدبر را محمد مختار
صلی الله علیه وسلم را در جواب پس بعد نماز
مغرب غسل کن و بخوان دو رکعت نماز نفل
و بخوان در هر رکعت بعد سوره فاتحه سوره اخلاص سه بار

و همچنین بعد نماز عشا و قبل از نود و دو رکعت بخوان در هر رکعت بعد از فاتحه سوره
اخلاص هفت بار و درود بر نبی صلی الله علیه و سلم هفت بار و تسبیح هفت بار
پس هرگاه سلام دهی و از نماز فارغ شوی بنشین بر مکان خود و بلند کن مردود
دست خود را و بگو یا حی یا قیوم یا ذوالجلال و الاکرام یا ذاکرهم
الرحیمین یا رحمن الرحیم یا ذاالآخره و رحیمها یا الله الاکبر کلین
و الاخرین یا رب یا رب یا رب یا الله پس هرگاه کردی این چنین رجوع ساز بطرف
مکان خویش و پاک دار مکان خود را و دست راست خود زیر خساره خود داشته
و در دو گویان خواب رو خوابی دید روی رسول الله صلی الله علیه و سلم را در خواب
چون ماه تمام در غمام و این نماز آموخته بختر علیه السلام است بسعدی گفت
گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه اراده کنی لقای مرا در خواب بخوان
این صلوٰة خوابی دیدم در خواب ایضا از کتاب مذکور هر که دو رکعت نماز
گذارد در هر رکعت بعد از فاتحه امن الرسول تا آخر سوره و اخلاص نیز از نوبت
بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ مَنْ
تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَّرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ فَأَمْتَهَا اللَّهُ كَأَحْوَلِ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هر شب این وظیفه بخواند و اگر نتواند شب جمعه لازم
کنند به جمال سر در عالم صلی الله علیه و سلم سرفرازی یابد و دیگر از کتاب
مذکور هر که حرف ج هر شب هزار بار بخواند بعد از هفت شب حضرت رسالت
صلی الله علیه و سلم را در خواب بیند ایضا حرف سیم اگر صد بار در وقت
نماز جمعه بخواند در شب جمال محمدی صلی الله علیه و سلم را در خواب بیند
ایضا حرف نون در روز جمعه وقت نماز چهار صد بار بخواند نبی حرمین
رسول الثقلین امام القبلتین را در خواب ببیند نماید از کتاب مذکور و دیگر

هر که چهل و یکبار این دعا خواند خواب رود سید عالم صلی الله علیه وسلم اور خوا
بیند دعا نیست یا نور النور و یا همدیگر الا هو یکنون و محمد و
آرواح ال محمد و صحبه تحیه و سلاما دیگر هر که این حروف را بنویسد
و بزیر سر نهند بشرط آنکه با طهارت بخسپد خواجه عالم صلی الله علیه وسلم اور خوا
بیند بامر الله تعالی کیم مصطح علما اصیلح و سلسلح مسطح از همین کتاب
ایضا هر که خوابد که جمال خواجه عالم سرور نبی آدم صلی الله علیه وسلم را
در خواب ببینم باید که این کلمات را بسیار گوید اللَّهُمَّ يَا رَبِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الزَّكِيِّ وَ الْمُقَامِ اِقْرَأْ عَلٰى رُوحِ مُحَمَّدٍ السَّلَام
ایضا هر که این دعا بدین قواعد که نوشته میشود بخواند البته در سه شنبه شب
چهارشنبه و شب پنجشنبه و شب جمعه در یکی از این شبها بیاید یا سر در کابینا
سر دفتر موجودات محمد صلی الله علیه وسلم مشرف گردد قواعد خواندنش نیست
که بوقت خفتن بعد از فراغ کار فاتحه بروح سلطان نظام الدین اولیا
قدس الله تعالی روحه العزیز بخواند بعد از آن سه بار در دو خواند دعا شروع کند
دهفت بار بخواند بعد از آن سه بار در دو خواند رو بسوی قبله نموده و سر بجانب
قلب ساخته بخوابد بحال بالکمال محمدی صلی الله علیه وسلم مشرف شود و دیگر
از همین نسخه براسے حصول دولت مشاهده محمدی صلی الله علیه وسلم بدین
طریق پاس انفس نماید اِنِّي بِجَمَالِكَ يَا سَيِّدَ سُؤْلِ اللَّهِ اَزْهِمِيْنْ کتاب
دیگر اگر حرف جیم متواتر هر شب هزار بار بخواند باجمال بالکمال محمد صلی الله
علیه وسلم مشرف شود بحال هر پیغمبر که اراده داشته باشد در خواب بیند
از همین کتاب کتب دیگر که در شب جمعه بعد از نماز خفتن هزار بار الْمُسْتَغْفَاتُ بِكَ
يَا سَيِّدَ سُؤْلِ اللَّهِ بخواند بحال بالکمال آنحضرت صلی الله علیه وسلم مشرف و ممتاز گردد

النخمين نسخه از کتاب مذکور اگر کسی خواهد که خوابه عالم صلی الله علیه و سلم را
 در خواب ببیند در شب جمعه تا سه روز این اسم شریف را دو صد مرتبه بخواند
 اللَّهُمَّ يَا لَطِيفُ حضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب خواهد دید و دیگر از
 همین کتاب هر که نود و نه نام رسول انام علیه الصلوة والسلام را لازم باشد
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب ببیند و بشارت یابد و هر مشکلی در همه
 آسان شود و مستجاب الدعوات گردد و جمیع مقاصد او بر آید و فراخی رزق
 نصیب شود و ترقی درجات حاصل آید نود و نه نام اینست مُحَمَّدٌ أَحْمَدُ حَامِلُ
 مُحَمَّدٌ قَاسِمٌ خَافِئٌ خَالِئٌ حَاشِرٌ مَاحِيٌ سِرَاجٌ مُبِيرٌ كَاشِفٌ لُبٌّ
 دَاعِيٌ هَادِيٌ مُهْدِيٌ رَسُولٌ نَبِيٌّ طَلَبُ الْيُسَيْنِ مُزْمَلٌ مُدْنِسٌ
 صَفِيٌّ خَلِيلٌ كَلِيمٌ حَبِيبٌ مُصْطَفَى مُرْتَضَى مُجْتَبَى مُخْتَارٌ
 نَاصِرٌ قَدِيمٌ حَافِظٌ شَهِيدٌ عَادِلٌ حَلِيمٌ نُورٌ مُجِيبٌ بَرَّهَانٌ
 بَيِّنٌ مُؤْمِنٌ مُطِيعٌ مُذَكَّرٌ وَاعِظٌ أَمِينٌ صَادِقٌ نَاطِقٌ
 مَلِكٌ مَدَنِيٌّ أَبْطَحِيٌّ عَرَبِيٌّ هَاشِمِيٌّ هَاشِمِيٌّ قُرَشِيٌّ حِجَازِيٌّ مِصْرِيٌّ
 أُمِّيٌّ عَرَبِيٌّ حَرَّاقٌ مُتَرَقِّصٌ رَوَّافٌ رَحِيمٌ يَتِيمٌ غَنِيٌّ جَوَادٌ فَتَّاحٌ
 عَالِمٌ طَيِّبٌ طَاهِرٌ مُظْهَرٌ خَلِيبٌ فَصِيحٌ سَيِّدٌ مُقَفِّيٌ إِمَامٌ
 بَارَكٌ شَافٍ مُتَوَسِّطٌ سَابِقٌ مُقْتَصِدٌ حَقٌّ مُبِينٌ أَوَّلٌ آخِرٌ ظَاهِرٌ
 بَاطِنٌ رَحْمَةٌ شَفِيعٌ مُجَلَّلٌ مُجَرَّمٌ أَمِيرٌ نَارِيٌّ شَكُورٌ قَوِيٌّ مُصِيبٌ
 مُبْلَغٌ مُهْدِيٌّ طَسٌ حُرٌّ حُجَّةٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلِّمْ لَكِلَا كَثِيرٌ الْكَثِيرُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ و دیگر اگر کسی خواهد که حضرت نبی صلی الله علیه و سلم را در خواب
 ببیند و دعا سئو مستجاب شود باید که این هفت نقل را با وضوی کامل بخواند و بجا

این نسخه
 شریف است
 و باید در زمان
 تقاضای حاجت

بطریق سنت آنحضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب بیند و بروایتی در ماه شعبان
 المعظم هر شب بے ناغہ بخواند یغیر صلی الله علیه و سلم را در خواب بیند این هفت قضا را
 یاد امت در هر محل می نمود و باشد هفت قضا نیست بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله السميع البصير الذي ليس كمثلہ شیء وهو بكل شیء علیم
 قضا دوم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله السميع العلیم الذي ليس
 كمثلہ شیء وهو الفتح العلیم قضا سوم بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله السميع العلیم الذي ليس كمثلہ شیء وهو العلیم مجید
 قضا چهارم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله السميع البصير الذي ليس
 كمثلہ شیء وهو الغنی الحمید قضا پنجم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
 العزيز الكريم الذي ليس كمثلہ شیء وهو العزيز الكريم قضا ششم
 بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرشيد البصير الذي ليس كمثلہ
 شیء وهو العزيز الستار قضا هفتم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
 العزيز الرحيم الذي ليس كمثلہ شیء وهو العزيز الغفور قال الله
 خیر حافظا وهو ارحم الراحمین از همین کتاب هر که این دعا را بخواند
 بدین قواعد که نوشته میشود البته در سه شب چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه در
 یک ازین شبها بدین افاضات سر و قدر موجودات احمد محبتی
 محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم مشرف گردد و قواعد خواندنش نیست که بوقت
 خفتن بعد از فراغ کار فاتحه بروح سلطان المشایخ نظام الدین اولیا
 رحمة الله علیه بخواند بعد از آن سه بار در دو دعا یک مرقوم میشود بخواند و بعد
 از آن سه بار در دو شریف خوانده قبله رو بخوابد انشاء الله تعالی بدین فاضل
 الانوار خواجه کائنات علیه افضل الصلوة و اکمل التحية مشرف شود از همین

کتاب ترکیب دیگر این دعا هر که این دعا را صد بار در هر شب جمعه
 لازم گرد به جمال جهان آرای سید عالم صلی الله علیه و سلم بیشک و شبهه شرف
 شود اما نخستین باید که توبه کند و استغفار نماید بعد از این دعا بخواند بسم الله
 الرحمن الرحیم یا مَنْ یَعِزُّ وَ یَذِلُّ یا مَنْ یَضَعُ وَ یَرْفَعُ یا مَنْ هُوَ عَلَیَّ
 وَ یَمْنَعُ یا مَنْ هُوَ لِعَنی وَ یَنْفَعُ یا مَنْ هُوَ قَادِرٌ وَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنی غِنَاءً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ بِالْعَافِیَةِ یا عَنی یا کَرِیمُ
 یا جَوَادُ مُحَمَّدٍ مَحْمُودٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ وَ سَلِّمْ تَسْلِماً کَثِیراً کَثِیراً
 بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ از همین کتاب نقل است از قطب العالین
 سید المجهوبین شاه غیاث الحق والدین القادری قدس الله سره که فرموده اند
 از سید عالم صلی الله علیه و سلم منقول است هر که خواب که مراد خواب بنید پس را
 باید که وضو کند و غسل نماید و استقبال قبله خواب نماید و سر خویش بردست راست
 خویش بنهد و این دعا بخواند اللَّهُمَّ ارْزُقْنی اسْئَلُکَ بِجَلَالِ وَ جَمَّاتِ الدَّرِیمِ
 اَنْ تَرِیَ وَجْهَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمْ فِی مَنَامِی هَذَا
 رُویةً وَ تَقَرُّ بِهَا عَیْنِی وَ تَفْرَحُ بِهَا کُرْبَتِی وَ تَشْرَحُ بِهَا صَدْرِی
 وَ تَلْقَی بِهَا شَبْلِی وَ تَجْمَعُ بِهَا بَدَنِی وَ یَنِیکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمْ وَ یُؤَدِّ
 الْقِیمَةَ فِی دَرَجَاتِ الْعُلَیِّ وَ لَا تَفْرَقْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ بِرَحْمَتِکَ یا
 اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ از همین کتاب دیگر دعا سبب اسرار البتة براسه زیارت
 پر نبشارت جمال با کمال محمدی صلی الله علیه و سلم دعای پرتاثیر است چهل
 و یکبار بخواند و بخواند بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله خالصاً
 مُخْلِصاً لا اله الا الله ابداً ابداً لا اله الا الله محبةً و عشقاً لا اله
 الا الله مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ شَرَّفْنِی بِرُویةٍ مُحَمَّدٌ جِیْءَ بِکَ عَلَیْهِ

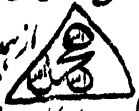
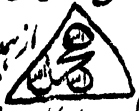
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از همین کتاب و مگر از همین
 نسخه مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ نَبِيًّا مِنْ الْأَنْبِيَاءِ
 أَوْ وَلِيًّا مِنْ الْأَوْلِيَاءِ أَوْ أَقْرَبَ مِنَ الْمَوْتَى أَوْ بَعْضَ الْفُقَرَاءِ الصَّالِحِينَ
 فَلْيَقْرَأْ أَحَدَ وَارْبَعِينَ مَرَّةً حُرّاً جَبْرِيّاً يَرَاهُ فِي مَنَاجِيهِ بِهَرِّ كَسَلٍ أَرَادَهُ
 أَنْ يَرَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ رُؤُوسَ الْأَنْبِيَاءِ أَوْ رُؤُوسَ الْأَوْلِيَاءِ
 أَوْ رُؤُوسَ الْأَقْرَبِ مِنَ الْمَوْتَى أَوْ بَعْضَ الْفُقَرَاءِ الصَّالِحِينَ يَسْجُدُ خَلْفَ كُلِّ رُؤُوسٍ
 خَوَافِ دِيدٍ وَرُغَابِ الْكُلِّ الْإِنْسَانِ وَاللَّهُ تَعَالَى وَأَنْ أَيْسَرَ لِسَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا جِبْرِيلُ يَا مِيكَائِيلُ يَا إِسْرَافِيلُ يَا عِزْرَائِيلُ بِحَقِّ يَابُدُّوْحٍ هُوَ الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَأَقْضُو حَاجَتِي إِلَهِي مَنْ أَرَادَنَا
 بِسُوءٍ فَرُدُّهُ وَمَنْ كَادَ نَابِلُكُودُ فَرُدُّهُ وَمَنْ دَعَا عَلَيْنَا بِهَلَكَةٍ فَاهْلِكْ
 وَأَحْضِنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا
 وَعَنْ جَمِيعِ الْبَلِيَّاتِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ السَّبْعِ وَمَنْ فِيهِنَّ
 بِحَقِّ أَهْبَاءٍ وَأَشْرَ أَهْبَاءٍ تَقْبَلُ دُعَاءَنَا بِكُلِّ مَا دُعِيتُ بِحَقِّ أَدْعُونِي
 اسْتَجِبْ لَكُمْ وَافْتَحْ مَقَامُنَا بِمَفَاتِيحِ الْغَيْبِ بِحَقِّ لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ
 فَالْشَّفِ حَزَنًا فَلَكَ الشَّفِ إِلَّا هُوَ وَبِحَقِّ الْمَصِّ وَبِحَقِّ كَهْبِصِ
 وَبِحَقِّ طَهْ وَبِسَيْنِ وَنَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا
 أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ أَمْكُلُوتُ كُلَّ شَيْءٍ وَاللَّهِ
 تَرْجِعُونَ و مگر از همین کتاب دعا که از خاتم النبیین صلی اللہ علیہ وسلم منقول است
 میفرمایند هر که این دعا را بخواند یا بر خود دارد در هر چه از خدا بیتیالی بخواند بسیار آرد
 سی بار بخواند و بجای خسید حضرت ذوالجلال عز اسمه را در خواب مشاهده فرماید
 و اگر پانزده بار بخواند سلطان الانبیا محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب ببیند

دعا اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا غِيَاثِي يَا مُرَادِي يَا
مَعَاثِي يَا دَوَائِي يَا شَفَاعِي يَا كَفَاةِي يَا كَفِيَّ هَمِّي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
غَفُورُ يَا غَفُورًا غَفُورًا يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمًا رَحِيمًا
يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمًا كَرِيمًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا كَارِهُنَّ الْبُخَارِ يَا كَارِهُنَّ
الرَّشْبِ جَبَدِي عَظَمَتُكَ نَجَّ نَفْسِي مِنْ نَجْوَى الْخَبَرِ وَبِخَيْرِ الْخَبَرِ يَا كَارِهُنَّ الْبُخَارِ
أَحْمَدُ تَجَبُّي مُحَمَّدٌ مُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدْرُغْ خَبَابَ بَيْنِي دَعَاءَ ذِكْرِكَ أَيْنِيتَ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا كَثِيرَ النِّوَالِ وَيَا ذَا يُرْوِصَالِ وَيَا حُسْنَ الْفِعَالِ
وَيَا رِشَاقَ الْعِبَادِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَيَا بَدِيدَ بِلَا مِتَالٍ وَيَا قَدِيرَ بِلَا خِرْوَالٍ
اللَّهُمَّ إِنِّي دَخَلْتُ الشُّكَّ فِي إِيْمَانِي بِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي دَخَلْتُ الشُّكَّ فِي إِسْلَامِي بِكَ وَلَمْ
أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي دَخَلْتُ الشُّكَّ فِي تَوْحِيدِي
بِإِيَّاكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي دَخَلْتُ الْعُجْبَ وَالْكَذِبَ وَالزُّيَاوَةَ السُّمُوعَةَ فِي عِلْمِي بِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ
عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي دَخَلْتُ الْكِبْرَ وَالْعِظَمَ
عَلَى لِسَانِي وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي دَخَلْتُ الْخَطَرَ وَالْمُسُوسَةَ فِي صَدْرِي وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي دَخَلْتُ التَّشْبِيهَ فِي مَعْرِفَتِي بِإِيَّاكَ
وَلَمْ تَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
دَخَلْتُ النِّفَاقَ فِي قَلْبِي مِنَ الذُّنُوبِ الصَّغَائِرِ وَالْكَبَائِرِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ
ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ ثَبْتُ مِنْ مَعْرِفَتِي

[illegible]

الْعَالَمِينَ تَبَتَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ تَبَتَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ
 يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ
 لَهُ وَخُذْ لَهُ مِنْ غَدْرِكُمْ غَذْرًا إِنَّكَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ
 رَبِّهِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ يَا اللَّهُ عَلِيَّ خَيْرُ
 خَلْقِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَأَصْحَابُهُ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبِ
 اَلْكَرَمَةِ نَوَابِغِ رَسِيْدِ عَالَمٍ صَلَّيْ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَدْرِ خَوَابٍ بِنَيْدِ بَابِ كِتَابِ جَمْعِ عَسَلِ كُنْتُ
 دِجَاسِ بَاكِ بِشَوْتِ وَدِگَانِ نَزَکِندَارِ دُونِ رُحْمِی وَتَسْتِ بَا اَیَةِ الْکَرَمِ بَوَانِ وَبِکَا رِغَا
 جَبِیْنِ نَخْوَانِ بَرِیَانِ اَلْبِی خَوَابِ عَالَمٍ صَلَّيْ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَا دِرْ خَوَابِ بِنَيْدِ عَا یِ جَبِیْنِ عَسَلِ
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَیْنَا وَادْفَعْ بِلَاغَنَا یَا رَؤُوفُ الرَّحِیْمِ
 وَادْفَعْ لَنَا لُبَّكَ وَاسْتَفْعُ لُبَّكَ وَاکْرِمْ لُبَّكَ وَارْتِ اللّٰهُ یَعْبُثُ نَوَابِغِ
 الْقُبُورِ وَحَصِّلْ مَا فِی الصُّدُورِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ اِهْنَا وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
 از همین نسخه دیگر از همین کتاب هر که این نقش بردست پ خود نویسد و بزرگوار
 نهد و بخشد آنچه نیت کرده باشد تمام بشارت از شاه عالم صلی الله علیه و سلم مع او
 شود و بران خواب کار کند اینست که است سمعت سمعت سمعت سمعت
 بر اے حصول دولت رویت خیر البشر صلوة الله علیه که بنیکی شاه عالم قدس سره
 فرمودند که چنین پاسبان نفس میگردد باشد که در بالا رفتن دم یا محمد گوید و در فرو رفتن
 دم یا رسول الله و در دل معنی چنین گذارد که او فرستاده حق سبحانه تعالی است
 بر اے تکمیل من از کتاب مذکور دیگر هر گاه اراده کنی انیکه بر منی رسیده است
 علیه و سلم را پس بنویس این اسماء را و بنزد رسیده است
 و آن اینست معصی ملح صعد مسیح از زمین که با صلی الله علیه و سلم

محمدی صلی الله علیه و سلم من اعمال الحفرت القادر به طریق ذکر کشف الروح محمدی
صلی الله علیه و سلم یا احمد است یا محمد حب یا رسول الله بدل گوید یا نصیب
یا نبرابر باین عمل مواظبت عظیم خواهد شد از همین نسخه عمل ذکر قلندریه
از سر خواجه کشف ارواح بختن پاک مجرب و موثر است طریقی آن است
که اول دو گانه بار و اح بختن پاک ادا کند در رکعت اول بعد از فاتحه آیه الکرسی
و در رکعت دوم آمین الرسول بخواند بعد از آن فاتحه بار و اح بختن پاک خواند
و مستقبل قبله نشسته در دل تصور کند که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم نشسته
اند و پیش آنحضرت فاطمه رضی الله عنها و عقب آن سید النونین علیه السلام علی
رضی الله عنه و طرف راست حضرت امام حسن رضی الله عنه و طرف چپ حضرت
امام حسین رضی الله عنه نشسته اند این تصور را چشم بسته کند و بندگ مشغول باشد
اول ضرب یا محمد دوم ضرب زنده بر هوا سر بر داشته گوید یا علی نظر سوی آسمان
کرده ضرب بر ناف زنده یا فاطمه چهارم ضرب از طرف راست زنده یا حسن پنجم ضرب بر
زنده یا حسین برین نظم مشغول شود و رعایت تصور بسیار کند از شیخ عبدالفتاح
رسیده او نشان فرمودند که فقیر از میانجو یافته است از همین کتاب و دیگر بجهت
در یافتن مشاهد محمدی صلی الله علیه و سلم عمل نقدیه بجا آورد آن چنان است که
یک عضو از اعضا رسول مقبول صلی الله علیه و سلم مثلاً چشمان مبارک یا چین
مبارک یا لبه مبارک یا لپها مبارک هر چه از اینها در تصور آید از چشم بسته
در خیال آورد که خود را فدا میسازم مشاهده آنحضرت صلی الله علیه و سلم بحکم بصیرت
روزی گردد از همین نسخه دیگر حصول جذب روحیه محمدی صلی الله علیه و سلم یا بجهت
جذب روح پروردگار خود چشم بسته متوجه بدل شده اند حاضری الله ناظر الله شاهده
الله می گوید و یا اگر خواهد که مکاشفه ارواح سرور انبیا و سایر انبیا علیهم السلام

و مردان غیب شود چهار حرف بگیرد **ق ن ب ج** چون ترکیب کنی قنبنی شود و اتفاق
 است که اسم اعظم است چشم بسته هزار بار بگوید جمیع ارواح را معاینه کند و چون
 مذکور بعد از ذکر در مراقبه ملاحظه کند ارواح انبیاء علیهم السلام را و مشاهده او را در اول
 در عین بصیرت مشاهده گردد و در حرف مذکور را چهار ملک مهر
 و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام میان چند روز ظاهر بیند خصم
 و نفس خود در روح خود را بیند که در اکثر اوقات در قبر در روز و شب نزدیک اخبار بخاند و در
 مراقبه احوال اموات معاینه گردد و از همین کتاب دیگر کشف روح محمدی صلی الله
 علیه و سلم این نقش بر دل تصور بسیار سیکرده باشند این است  از همین
 کتاب دیگر هر گاه اراده کنی اینکه جمیع شوی باروح شیخ خود باروح مطلوب خود
 یا هر روح که خواهی پس بکن مراقبه و سوس چشم خود بین بخوان یا التذیارت بست
 و یکبار و بخوان یا حی یا قیوم بست و یکبار و بگوید یا سبح یا قدوس بست و یکبار بعد
 از آن یا معید یا باعث بست و یکبار و باز بگوید یا باعث الأرواح باعث الأرواح
 العلان بهشت بار و بعد از این بخوان یا جامع الأرواح اجمع روح شیخی سميع مره
 باز بگوید یا جامع الأرواح اجمع روح شیخی یا نو آورنده الأسماء و الأسماء الکتبی کشف
 بهما کشف الأرواح لا ولیک و انبیایک و المرسلین بطفاک و فضلک و فضیلتک
 و فیض نور نیک محمد الامین صل علی محمد و آل الطیثین پس هر گاه مراقبه کنی در بط
 کنی با قلب خود روح خود طرف روح مطلوب یا طرف روح فلان پس ملاقات نماید
 کرد روح او بامر الله تعالی و سوال کن با و از آنچه اراده کنی بیشک فریب از هیچ کتاب
 و دیگر چون  از همین
 صلی الله علیه و سلم این قبر است بعد از آن این آیه را بخوان
 و ملائکت صلی علیهم و آله و سلم و ملائکت صلی علیهم و آله و سلم و ملائکت صلی علیهم و آله و سلم

بخواند و بخوابد البتة حاجتش برآید و دولت بیدار در خواب بدرگه فرماید از همین
 نسبه و دیگر اگر کسی در صحرا رود و نزدیک آب جاری و در آن غسل کند و چنانچه شسته
 زیر بند و درون خط کشد و اعتبار کند که این قبر سید عالم صلی الله علیه و سلم است
 و از پایان نقش طرف سر رود و باوب تمام و با حجره زاری و فروتنی گوید یا رسول الله
 خذ بیدی فانی غریبی فی قبر الغنیم هفت بار بگوید پس بطرف پایان آید و نگون
 شود که ابک گوید پس نشیند هر بار ذکر آورد و برود یعنی چون نفس برآید لا اله الا الله
 کند و چون فرود آید لا اله الا الله تصور نماید پس ایستاده شود و نزدیک روزه و یا سینه
 رود و پشت جانب قبله کند و روزه متتابعه قریب یک ماه قریب یک ماه روزه و یا سینه
 حضرت علیه السلام باشد و نشیند و بخت و یکبار یا رب گوید پس مذکره رقبه بالا
 کرده جانب علو بگوید یا روح الروح و ضرب بر لب بر دل کند در حالیکه گویا باشد به کلمه
 یا روح یا شاد الله هزار بار کند پس بگوید هفتاد بار یا رب ز فانی علما البتة کشایش
 دینی شود و در علم الله کشاید و صفای دل روزی گردد و در میان راجعین باید و علم
 الخلائق صلی الله علیه و سلم انشاء الله تعالی و اگر ذکر کند همین زیارت کند از فایده خالی
 نباشد و اگر آب جاری یافتن دشوار شود عرض پس است و بگوید در شامی آن
 سخن بگوید و همین یک جامه زیر باشد و اگر راجعین نشود آنچه شود از سود و فایده خالی
 نباشد و اگر هر روز ذکر تمام کردن دشوار شود آن مقدار که شود کند و نیز باند که در گذشته
 نقش قبر شریف است و زیارت کند تا چهل روز البتة امید است که فتح دینی شود
 از کتاب مذکور و پیار از همین نسخ باید که تبصیر صورت خیالی رسول الله علیه
 الصلوة والسلام متوجه باشد پس این توجبه التزام گیرد تا آنکه مزاحمت خطرات
 بیشتر دفع شود جمال حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم کم روز نمی باشد که مشاهده
 نکند و هرگاه مصطفی علیه السلام توجبه درستی شد حکم جمیع ارف علوم و خیر و

کہے از آنکه حضرت صلی اللہ علیہ وسلم نمود و انچه از آن حضرت شنوند قول آنحضرت
 صلی اللہ علیہ وسلم است حکایت تمام دارد و طوفان نوح علیہ السلام آنرا در خلل نتواند آورد
 و صلی اللہ تعالیٰ خیر خلق محمد و آله و اصحابہ اجمعین بر جنتک یا ارحم الراحمین
 ششم در رباعیات کہ بدان عمل زیارت پر بنیاد است حضرت صلی
 اللہ علیہ وسلم انصیب تواند شد از خواجہ عبید اللہ احرار قدس ^{سوال}
 این رباعی را در شب جمعہ بنفاد و چهار بار بخواند و بخوابد جناب ^{سید عالم صی}
 علیہ وسلم را در خواب بنید رباعی کل در طبقی بناده کاین روی من است
 از مشک خط کشیده کاین برے من است صد نافه باد داده کاین بوئے
 من است آتش بچمان در زده کاین خوسے من است از سر خفی بر که این
 مناجات بسیار خواند شریف جمال محمدی صلی اللہ علیہ وسلم سر فراز گردد و رباعی
 ای شور عجم ماه عرب رو بنما یکچند گره ز بند برقع بکشان دارم جگرے کباب محرج
 ز توبه الماس بسا مشک بزین شور نما از سر خفی ششم مضمر و او وید کرد
 استعمال آن رویت شریف صلی اللہ علیہ وسلم حاصل شود اگر کسی خواهد که با
 خالیض الانوار صلی اللہ علیہ وسلم مشرف شود باید کہ عنندی را با شکر هفت شبانه
 روز بخورد چون عنرم مندی آوردن بکند باید کہ اول دو رکعت نماز بکند و در اول
 بعد فاتحه آیه الکرسی سه بار و در رکعت ثانی سوره اشعاص سه بار و ثواب دینی گانه
 بشیخ صابر بخشد و مندی را به دست راست بکند و در وقت کندین ^{نیت}
 الکرسی بخواند و نام پروردگار بر زبان راند بهر حاجت که ^{شده باشد}
 کرده دست بکشد و سایه بر ویفتد در سایه خشت که ^{در سجده}
 از کتاب ^{نماز} غزل بر خاسته است ^{سید عالم}

بخواب ای دولت بیدار چشم
 شبی که ز آفتاب عارض تو
 شبی که از لب لعل تو زند
 خواب از دیدنت از خواب بیدار
 بشکر بوسه پایت گزائی شاه
 رپایه لوجون فصل الهی
 چه بجای پائے تو لعلش پایت
 یک از کفش بردار این پایت
 بهین دے تو گردستگیرم
 منم عارخ تو او عاشق تست
 بهین لغت تو گر لطف دلکش
 ز درگاهت دوباره گر عطایش
 قلم دادے بدستش نیز شا
 علی را خاک پای احمد پاک

گرت فرشت قدم بودے چه بودے
 سحر شام الم بودے چه بودے
 شهید درد غم بودے چه بودے
 گر این بخت دژم بودے چه بودے
 سرم در سجده خم بودے چه بودے
 بر فرقم دمیدم بودے چه بودے
 بغیر قمع تاج جم بودے چه بودے
 گر این دلخسته ہم بودے چه بودے
 ایبر محشم بودے چه بودے
 بدستش گردالم بودے چه بودے
 بن زان محشم بودے چه بودے
 همان جاهد چشم بودے چه بودے
 بدوشش گردالم بودے چه بودے
 گر اکسیر کرم بودے چه بودے

الحمد لله والمنة کر این رساله رویت احمد مختار سعی بمشرق دولت بیدار و باب
 ساقی شربت دیدار که ماده تاریخش در ان تعبیه است بے تحریج و تعبیه بخوبی تمام
 بانضمام رسید و برنام نامی جناب محلی القاب نواب مستطاب محمد علی خالصا
 بهادر یمن الدوله و لکنت جنگ دام اقباله حله تمام پوشید وقت آنست که در
 جلد دے این کتاب فیض مستطاب گنج ستایگان را ایگان بدست آرم که طافی عمر
 که شسته بر نشاء ای امیر ولید بروای رئیس بے نظیر اگر این وقت بر من نظر دے
 ترجمه برم خواهی انداخت یقین که کشور را پیدا و اقلیم مناسه خواہیز بود ترین

اوقات پر دریا
 چو اگر درین وقت
 صلی الله علیه و سلم رب سفارش بخند امید و اتق و یقین صادق مقتضای
 هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَإِنَّ اللَّهَ
 زود تر و رسد مقصود بینی و برسد کام و حصول مرام بشیمی مساجات
 خداوند اکتام ساز مقبول
 باقائے منش کن بس همایون
 چو اقبال جم و جفت فریدون
 بخیر ام درشن محمود باشد
 مبارک باشد و مسعود باشد
 بشکرگزار بدین اوراد شغل
 بدین نسخه ارقام
 چو شاه باسعادت
 دعا از فضل تجید
 بروی عالم افروز محمد
 چو بر نام محمد ختم افتاد
 درود حق بر آن ختم رسل باد

بانه

قبله جان و دلم رو درختان تو باد
 گر گذر بر سرم ای دوا
 دیده من بر رخ تو دلم رو
 حسن عرفان بر خم جلوه
 چشم من فرشت
 دست امید من و گشت ایمان
 نوش جان من مسافر و آبا
 شب و روز مهر رخسار تو باد
 چشم

خدا داد دل من زلف درازت عرش
دل من جای تو بادای چین چین جمال
نیست در دشت غمت جز دل بجا
ابر رحمت ز خداوند جهانی به جهان
ایم و جهان با ذره شایان از زبان
غرش پایه علی انصهر سل مسریاد

چشمه آب حیاتش لب خندان تو باد
چشم من و قف نخ شگ گستان تو باد
صد لایع که به فتر اک غلامان تو باد
نخل خشک دل من سبز باران تو باد
دولت و گنج دلم جاره پنهان تو باد
دستگیرش کرم و لطف فراوان تو باد

الحمد لله والمنة که کتاب مستطاب مسی مشرق دولت بدار مدافه شواربان
مولوی علی احمد صاحب مراد آبادی حسب فرمائش بنندگان نواب نظام آباد
معلى القاب یمن الدوله وزیر الملک نواب محمد علی خان صاحب بهادر صولت
حکام رئیس محمد آباد دام اقباله در مطبع احمدی واقع بنارس بمبادر رسان
المبارک ۱۲۹۸ هجری رنگ طبع تازه پذیرفت

تاریخ طبع کتاب

ترا این سره والالنگا
بیدار رسول حق سب
فروغ بزم گردون بارگاه
نهفتم آب حیوان در سیاهی
عروس خجده فضل الهی
همانا هست فخر عرش طبری
بود اقبال خوش این خیره
بر او را دور غای صبحگاه
آیت مستطاب

مرتب شد بطبع خوب و مطبوع
من از حکم تو بهر مسلمان
لباس طبع خوش پوشید فرخ
شده مطبوع بزم تو مطبوع
شده دیار آریاب از من چنانست
علی بن کافور سال طبعش
ابو شمس خلد لطف عیالک

